



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مردم شیراز (۱۳۸۷/۰۲/۱۱)

مقام معظم رهبری در این سفر و در سخنرانی خود در جمع مردم استان فارس فرمودند:

«یکی از چیزهایی که در این استان مورد توجه است و جا دارد که بیشتر مورد توجه قرار بگیرد، مسئله گردشگری است. اینجا به خاطر وجود حرم مطهر حضرت احمدبن موسی(ع) جنبه مضاعف گردشگری دارد. اینجا مزار است، زیارتگاه است. جاذبه‌های گردشگری در اینجا خیلی زیاد است.

من تصورم این است که اگر مسئولین کشور و مسئولین استان بتوانند از همین مسئله گردشگری به شکل درست، با تبلیغات صحیح و با جهتگیری صحیح استفاده کنند، درآمد آن، استان را از همه معونه‌های دیگر بی نیاز می کند. مسئله گردشگری خیلی مهم است.»

حقاً و انصافاً استان فارس و شهر شیراز یکی از قله‌های برجسته‌ی کشور ما و ملت ماست؛ قله‌ی برجسته‌ی نیروهای انسانی ممتاز، در علم، در ادب، در پیشرفتهای گوناگون امور حیات اجتماعی، در مبارزات، در جهاد، در تدین. به تاریخ اخیر قبل از پیروزی انقلاب هم که نگاه کنیم، نام شیراز در حساسترین و حیاتیترین قضایای اجتماعی ما برجسته است.

استان فارس و شیراز مرکز ادب است دیگر؛ استان هنر و شعر و انواع و اقسام فنون هنری است، که نشان‌دهنده‌ی روحیه‌ی مردم آنجا هم هست؛ مردمی هنرشناس، هنرپرور، اهل ذوق و اهل دل.

باید عرض کنم که اشتیاق من به دیدار شما مردم عزیز و شهر زیبا و استان پر برکت و پرافتخارتان کمتر از شما برادران و عزیزان نبوده است. این‌جا شهر فرزنانگان و شهر علم و ذوق و فرزنانگی و شهر چهره‌های تاریخی و بین‌المللی است. شیراز و استان فارس در میان شهرها و استانهای کشور از رتبه‌ی بالایی برخوردارند.

من از شما مردم عزیز، با ذوق، پهریان، باوفا، مهماندوست، خوش اخلاق و خوش لهجه، تشکر می کنم. بحمدالله بسیاری از خصوصیات شیوای ملت ایران در شما مردم عزیز شیراز و مردم استان فارس وجود دارد. خدا را شکر می کنیم که خدای متعال بحمدالله به شما نشاط داده است؛ روزبه‌روز این نشاط افزون باد.

شیراززمون

«شیراز آزمون»



سازمان فرهنگی
اجتماعی و ورزشی
شهرداری شیراز

فرهنگ
شیراز



عنوان و نام پدیدآور	شیرازمون «شیراز آزمون»/پدیدآورندگان مهدی پارسایی...[و دیگران]؛ به اهتمام محمدعلی چوبینی.
مشخصات نشر	شیراز: فرهنگ پارس، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری	۱۵۲ ص.: مصور.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۵۸۰۳-۶۵-۵
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
یادداشت	پدیدآورندگان مهدی پارسایی، غلامرضا خجندی، محمدکریم خرمایی، حسن دهقان.
یادداشت	کتاب حاضر با حمایت سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری شیراز به چاپ رسیده است.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۱۵۱.
عنوان دیگر	شیراز آزمون.
موضوع	شیراز Shiraz (Iran) شیراز — سیر و سیاحت Shiraz (Iran) -- Description and travel
شناسه افزوده	پارسایی، مهدی، ۱۳۶۱ -
شناسه افزوده	چوبینی، محمدعلی، ۱۳۶۳ -
شناسه افزوده	سازمان فرهنگی اجتماعی و ورزشی شهرداری شیراز
رده بندی کنگره	DSR۲۰۹۷/۷۶
رده بندی دیویی	۹۵۵/۶۳۲۲
شماره کتابشناسی ملی	۹۹۷۵۵۹۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی	فیبا

عنوان کتاب: شیرازمون
پدیدآورندگان: مهدی پارسایی - غلامرضا خجندی - محمدکریم خرمایی - حسن دهقان
به اهتمام: محمدعلی چوبینی
مدیر پروژه: علی نیری
ناشر: انتشارات فرهنگ پارس
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۸۰۳-۶۵-۵
شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه
طراحی: مریم خاک‌رنجین
طراحی جلد: رضا خسروی
عکس: آرشیو انتشارات
ناظر چاپ: مسعود ریاحی مهر
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۴
قیمت: ۲۵۰ هزار تومان
چاپ: فخر ایران

انتشارات فرهنگ پارس: شیراز- خیابان سمیه، خیابان حدادی، نبش کوچه ۲
تلفن: ۰۹۱۷۷۱۱۰۵۸۴
این کتاب با حمایت سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری شیراز منتشر شده است.

فهرست مطالب

۶	 مقدمه
۷	 پیشگفتار
۸	 سخن اول
۱۱	 فصل اول: پیشینه تاریخی شهر شیراز
۱۳	 شهر شیراز پیش از اسلام
۱۷	 شیراز در دوره سلوکی و اشکانی
۲۳	 شیراز در دوران اسلامی
۲۵	 شیراز در دوره صفاریان
۲۷	 شیراز در دوره آل بویه و دیلمیان
۲۹	 شیراز در روزگار سلجوقیان
۳۱	 شیراز در عهد اتابکان
۳۵	 شیراز در دوره آل اینجو و آل مظفر
۳۷	 شیراز در دوره تیموریان
۳۹	 شیراز در زمان صفویان
۴۱	 شیراز در دوره افغانه و افشاریه
۴۳	 شیراز در دوره زندیه
۴۵	 شیراز در عهد قاجاریه
۴۷	 شیراز در دوران مشروطه
۴۹	 شیراز در روزگار معاصر (دوران پهلوی اول و دوم)
۵۳	 شیراز دوران انقلاب اسلامی
۵۷	 فصل دوم: یافت تاریخی شیراز و محلات آن
۶۹	 فصل سوم: گردشگری زیارت در شیراز
۷۱	 فارس شیرازه فرهنگ و تمدن ایران زمین
۷۳	 شیراز خال رخ هفت کشور
۷۷	 شعر شهر شیراز، شهر شاعران
۸۳	 شیراز سومین شهر زیارتی ایران
۸۹	 آثار تاریخی و دیدنی شهر شیراز
۹۵	 موزه ها و خانه های تاریخی شیراز
۱۰۳	 باغ های تاریخی شیراز
۱۰۷	 فصل چهارم: فرهنگ و هنر در شهر شیراز
۱۰۹	 دیبای منقش شهری که دوستش می دارم
۱۱۱	 شیرازیان شهر آشوب «خلق و خوی مردم شیراز به گواه تاریخ»
۱۱۵	 شمعی در هزاران انجمن نگاهی به تاریخچه چهارصدساله انجمن های ادبی شیراز
۱۱۷	 پاکان خاک نهاد مفاخر و اندیشمندان شیراز
۱۲۱	 فرهنگ مردم شیراز
۱۲۷	 چشمه های زاینده هنر و هنرمندان در آینه تمدن شیراز
۱۳۱	 صنایع دستی و هنرهای سنتی
۱۳۷	 یادگار باشکوه نیاکان مکتب هنری شیراز در گذرگاه تاریخ
۱۴۱	 فصل پنجم: معماری شهر شیراز
۱۵۱	 کتابنامه

مقدمه

شیراز از دیر باز، سرآمد روزگار خویش در تمدن و فرهنگ بوده و همین بلوغ مردمان این دیار، موجبات توسعه یافتگی و معروفیت آنها در ایران اسلامی و جهان بوده و هست. استعدادهای ذاتی این دیار و خصوصیات آب و هوایی و مرمیان سخت کوش و تیزهوش آن، امروز این دیار را با گنبدهای برافراشته شده‌ای که صاحبانش در راه آرمان و ایمان جان داده اند به شهر هزار مزار، سومین حرم اهل بیت(ع) و مهد تمدن و فرهنگ اسلامی ایرانی تبدیل کرده است. ویژگی‌های مردم شیراز علاوه بر بزرگداشت علما و ادبای این شهر، سبب جذب بزرگان علم و دانش از شهرهای دیگر ایران زمین شده است. شیرازی‌ها به خوبی دریافته اند که حضور بزرگان، سبب افزایش علم و معرفت مردم شهر می‌شود، بنابراین همواره از حضور عرفا و علما استقبال کرده اند. حکام شیراز نیز تحت تاثیر همین روحیه مردم، با همگان به ویژه علما و ادبا، مهربانی می‌کردند و خود نیز همچون آن‌ها، در پی علم و دانش می‌رفتند.

مردم شیراز، از گذشته تا کنون فرهنگ ایران زمین را به خوبی حفظ کرده و در کتب خود نشر داده اند، از این رو با تأکید بر اینکه این گذشته پرقدر و باشکوه را باید شناخت و شناساند و به نسل فردا نیز انتقال داد، بر ماست که چهره در چهره زمان، برآن شویم تا با برنامه ریزی و ترسیم چشم اندازهای توسعه شهری سعی در تقویت هویت و فرهنگ گردشگری و گردشگر پذیری، ریشه‌های خود را باز یابیم، گذشته تمدن دیروز را به خلاقیت‌های امروز پیوند زنیم و به یاد بیاوریم که هنر، آیین‌های است برای بازگشت به قطب درونی ذاتی ما، روزه‌ای برای دیدار دیگرباره زیبایی، تمثیل شیدایی و تجلی آنچه خیال باطنی است، خیالی که جان مایه‌اش، قالب ظرفیت‌های گردشگری و زیارت این دیار است.

محمد حسن اسدی

شهردار کلانشهر شیراز

پیشگفتار

شیراز از هزاره‌های پیشین تاکنون، مهد تمدن‌ها و فرهنگ‌های گوناگون بوده است؛ نشانی این ادعا را باید در تپه‌های هفت‌هزار ساله پوستچی و گل‌مهرهای تخت ابونصر جستجو کرد. بافت تاریخی این دیار دیرپا، همچون گنجینه‌ای پنهان، رازهای بسیاری را در دل نهفته دارد. خانه‌های قدیمی با حیاط‌های نارنج‌نشان، پنجره‌های مشبک و حوض‌های آبی‌رنگ گویی که از دل تاریخ سربرآورده‌اند. کافی است در دل محلات تاریخی شیراز قدم زد تا سفری به اعماق تاریخ و فرهنگی کهن را تجربه کرد چراکه این بافت تاریخی، همچون کتابی است که ورق به ورق آن، حکایت از تمدنی بزرگ و اصیل دارد. در شیراز معنویت و هنر در هم تنیده‌اند؛ حرم مطهر شاهچراغ(ع) و آرامگاه سایر امامزادگان واجب التکریم، همچون نگینی درخشان بر تارک این شهر می‌درخشند و به عنوان یکی از قطب‌های معنوی شیعیان جهان، قلب‌های میلیون‌ها زائر را به سوی خود فرا می‌خوانند. این حرم باشکوه، با معماری خیره‌کننده و فضای معنوی بی‌نظیر، نه تنها یک مکان زیارتی، بلکه پناهگاهی آرام برای دل‌های جستجوگر است. گزافه نیست اگر شهری را که در آن حافظ و سعدی، دو گوهر تابناک ادبیات فارسی در خاکش آرام گرفته‌اند، خاتم انگشتری ادبیات فارسی بدانیم. سرزمینی که طنین روح‌نواز کلام ملاصدرا از مدرّس کوچکش در مدرسه الله وردی خان هنوز به گوش می‌رسد، بی شک جلودار اندیشه ناب ایرانی و فلسفه اسلامی لقب می‌گیرد. هنرمندان این دیار، با سرانگشتان جادویی خویش، روح طبیعت زیبا و فرهنگ مردم شیراز را بر بوم نقاشی رقم می‌زنند و مکتب هنری شیراز را صدرنشین نگارخانه‌ها و موزه‌های بزرگ ایران و جهان می‌کنند. کاشی‌های هفت رنگ و دست بافته‌های شیرازیان چون آینه‌ای مینوشان، بازتابی درخشان از تاریخ و فرهنگ غنی این سرزمین هستند و هر بیننده‌ای را به سفری دلنشین در دنیای هنر و زیبایی فرا می‌خوانند. این جهان‌شهر تنها به اهالی شیراز تعلق ندارد و هر کس دلباخته فرهنگ، تمدن و معنویت باشد، شیرازی است! اکنون بر ماست که نگذاریم روح این دیرینگی از کالبد مردمان رخت بربندد و با معرفی هر چه بیشتر و علمی‌تر شیراز، جایگاه بلند شهرمان را بیش از پیش جلوه گر کنیم.

محمد علی چوبینی

معاون شهردار و رئیس سازمان فرهنگی اجتماعی و ورزشی شهرداری شیراز

سخن اول

گرامی شهروند و دوستدار فرهنگ شیراز

همان‌طور که نیک می‌دانید، شناخت عمیق از شهر، به عنوان یکی از ارکان اصلی حکمرانی شهری محسوب می‌شود. این شناخت، هم برای شهروندان و هم برای مدیران شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چراکه بدون شناخت دقیق از ویژگی‌ها، تاریخچه و ساختار شهر، تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه پایدار شهری امکان‌پذیر نخواهد بود.

شهروندان آگاه و مسئولیت‌پذیر، با شناخت هویت و پیشینه شهری خود، احساس تعلق خاطر بیشتری نسبت به شهرشان پیدا کرده و در مشارکت‌های اجتماعی و توسعه پایدار آن نقش فعال‌تری ایفا خواهند کرد. از سوی دیگر، مدیران شهری نیز با شناخت دقیق از شهر، قادر خواهند بود تصمیمات بهتر و کارآمدتری اتخاذ کنند.

با توجه به اهمیت این موضوع، جلد نخست کتاب شیرازمون (شیراز آزمون) با هدف ارتقاء سطح آگاهی شهروندان در خصوص تاریخ، فرهنگ و هویت شهر شیراز تدوین و منتشر شده است. این کتاب، حاصل تلاش جمعی از نویسندگان و پژوهشگران برجسته است که با نگاهی موشکافانه به گذشته، حال و آینده شیراز پرداخته‌اند.

از تمامی شهروندان، پژوهشگران و دوستداران فرهنگ شیراز دعوت می‌شود تا با مطالعه این کتاب، ما را در ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه پایدار شهرمان یاری نمایند. همچنین، از کلیه علاقه‌مندان درخواست می‌شود تا نظرات، پیشنهادات و انتقادات خود را در خصوص این کتاب با ما در میان بگذارند تا در چاپ جلدهای بعدی مورد توجه قرار گیرد.

امید است که این کتاب بتواند گامی مؤثر در جهت تقویت هویت شهری و افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری بردارد.»

علی نبیری

مدیر گردشگری و زیارت شهرداری شیراز

فصل اول

غلامرضا خجندی

پیشینه تاریخی شهر شیراز



نقاشی ارگ کریم خان اثر اوژن فلاندن



پیشینه تاریخی شهر شیراز

مورخان در مورد اینکه پیشینه تاریخی شیراز به روزگاران پیش از اسلام باز می‌گردد و یا این که این شهر پس از اسلام پدید آمده است، دیدگاه واحدی ندارند. برخی با تکیه بر ابنیه و سنگ نوشته های دوران تاریخی و ... شیراز را شهری می‌دانند که پیش از اسلام از رونق و آبادی برخوردار بوده است؛ برخی نیز بنا به روایت های اسلامی، نخستین سنگ بنای شیراز را به روزگار یکی از فرمانروایان آن دوران، نسبت داده و موجودیت تاریخی آن را در پیش از اسلام نمی‌پذیرند.

شاید این سرگذشت ناگزیر بسیاری از شهرهای کهن ایران است که جغرافیای کنونی آن‌ها دقیقاً بر پایه جایگاه نخستین‌شان نمی‌باشد؛ بلکه حوادث روزگار، بنای نخستین آن‌ها را در هم کوبیده و بازماندگان آن شهرها، پس از فرونشستن فتنه‌های بنیان‌کن، از نو به ساختن و آباد کردن شهری پرداخته‌اند که هر چند یک سره بر جای پیشین بنا نشده، اما از جغرافیای اجتماعی و فرهنگی آن نیز به دور نیفتاده و مایه‌هایی از هستی فرهنگی و اجتماعی نخستین، هم چنان در آن شهرها برجای مانده است.

گل‌نشته‌های کشف شده در تخت‌جمشید



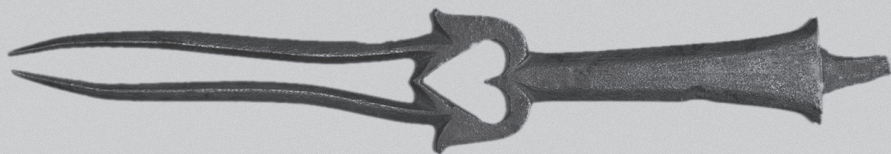
شهر شیراز پیش از اسلام

الواح ایلامی

الواح باز یافته در تخت جمشید از جمله اسناد و مدارکی است که حاکی از آبادی مکان هایی در مراکز باستانی نزدیک پاسارگاد و تخت جمشید است که قرن ها پیش از استیلای حکومت های اسلامی بر این مناطق برپا بوده اند. هاید ماری گُخ^۱ در کتاب از زبان داریوش، ترجمه فارسی ص ۵۶ تا ۵۸ و ۸۷، در مورد متون این لوحه ها می گوید:

«... بنا به مفاد متون این لوح ها، منطقه فارس از لحاظ اداری به شش حوزه مهم تقسیم شده بود و شیراز یکی از آن ها به شمار می رفته است. به سبب اهمیت شیراز و حومه [آن]، پیوسته در آن جا یکی از بلندپایگان دربار مستقر بوده است. در لوح های دیوانی مزبور، نام نزدیک به چهار صد آبادی ثبت شده است که متاسفانه به جز اندکی، تعیین محل بقیه آن مقدور نیست. در بین این آبادی ها، تنها از شیراز در ردیف شوش و پاسارگاد و تخت جمشید یاد شده است. در برخی از الواح به روشنی از دژ مهمی سخن می رود که می تواند همان (کهندژ، فهندژ، پهندژ، بندر) باشد که این دژ، خزانه و نوعی انبار و کارگاه مربوط به دربار به حساب می آمده است...»

اشیاء کشف شده از قصر ابونصر در کاوش‌های سال ۱۳۱۲ شمسی



آثار پیش از تاریخ

در سال ۱۳۳۸ خ. به شادروان «علی سامی» سرپرست کاوش های «تخت جمشید» و فارس خبر داده می شود که کشاورزان در تپه های جنوب شیراز در زمین های «فرح» در فاصله آن زمان شهر شیراز تا زندان عادل آباد، ضمن خاکبرداری به سفال های نقش دار برخورد می کنند که با بررسی دقیق مشخص می شود که آثار مربوط به دوران پیش تاریخ بوده است. همچنین در سال های اخیر در اراضی موسوم به پوستچی شیراز، آثاری متعلق به حدود ۷۰۰۰ سال پیش یافت شده و نام تپه پوستچی را جهانی کرده است، که براساس نظارت اداره کل میراث فرهنگی استان و همکاری دانشگاه هنر و با حمایت ویژه اداره گردشگری و زیارت شهرداری شیراز، سه دوره کاوش صورت گرفت و کتابی با همین عنوان نیز تدوین و چاپ گردید. تردیدی نیست که این جلگه حاصل خیز و پر آب که از لحاظ سوق الجیشی هم دارای ارزش ویژه ای بوده بایستی مورد توجه قرار گیرد و مسلماً تمدنی دیرینه پا در آن وجود داشته که لازمه کاوش های باستان شناسی است.

پیش از کاوش های گروه کاوشگران موزه متروپلیتن در ویرانه های قصر ابونصر (مشرق شیراز)، در سال ۱۳۱۲ شمسی که منجر به کشف ظروف و اشیاء مربوط به دوره های سلوکی، اشکانی و ساسانی شد و هم چنین پیدایش خشت نبشته های گلی در خانه و دبیرخانه تخت جمشید، که ده سال بعد توسط «جورج کامرون»^۱ دانشمند و خاورشناس آمریکایی ترجمه گردید و نام شیراز در چند خشت نبشته آن دیده شده است. اما با پیدایش خشت نوشته های میخی در تخت جمشید و خواندن واژه شیراز در چند خشت نبشته آن، آشکار کرد که عمر شیراز به صدها سال پیش از پیدایش اسلام و به زمان هخامنشی و بلکه دورتر، تا دوران پیش از تاریخ ایران می رسد.

مهمترین مدرک درباره پیشینه باستانی شیراز، گل نبشته هایی است که در کند و کاوهای تخت جمشید به دست آمده و مربوط به پرداخت دستمزد کارگران در تخت جمشید است.

در این گل نبشته ها که در سال ۵۱۷ پیش از میلاد نوشته و ساخته شده، نام «شیراز» در آن نگاشته شده است. از میان نام های نوشته شده، یک بار نام این محل به صورت شی - را - زی - ایش^۲ و بقیه به صورت تی - را - زی - ایش^۳ آمده است. نکته ای که در اینجا باید افزود آن است که واژه «شیراز» فارسی است و عربی نیست. بنابراین بایستی این نام در پیش از اسلام بر روی این شهر قرار داده باشند.

1. G. Cameron

2. Shi-ra-si-ish

3. Ti-ra-si-ish

ستون‌های باقی‌مانده قصر ابونصر که در دهه ۴۰ خورشیدی به تخت‌جمشید انتقال داده شد. (عکس ۱۳۰۸ خورشیدی)



شیراز در دوره سلوکی و اشکانی

قصر ابونصر (تخت ابونصر)

قصر ابونصر پیشتر در فاصله ۸ کیلومتری شیراز بوده ولی اکنون بخشی از منطقه هفت شهرداری است و در نزدیکی «شهرک نصر» قرار دارد. از گذشته در این مکان و بر روی تپه ای سنگی، ابنیه و آثاری از ادوار پیش از اسلام به جا مانده که امروزه به «قصر ابونصر» معروف است.

غالب سیاحان اروپایی در دوران صفویه و قاجار چون «تاورنیه» ، شاردن، اوژن فلاندن و مادام دیولافوا» از این منطقه بازدید کرده اند.

از مورخین ایرانی دوران قاجار نیز «میرزا حسن حسینی فسایی» و «فرصت الدوله شیرازی» شرح مشاهدات خود را از این منطقه به نگارش در آورده اند.

فرصت الدوله در نوشته هایش نام قصر ابونصر را به جای لقب قدیمی «مسجدسلیمان» مربوط به سنوات نزدیک به ایام حیات خود دانسته و چنین می افزاید و بر این تسمیه ها هیچکدام اعتمادی نیست زیرا که در این شبیه نخواهد بود که این مکان از آثار سلاطین عجم است مثل کیان و غیره.

نخستین کاوش های علمی امریکایی به سرپرستی جوزف آپتون^۱ در سال ۱۹۳۲ و ۳۴-۱۹۳۳ م. در این محل انجام گرفت و آنان موفق گردیدند که قلعه مستحکم از دوره ساسانیان را از زیر خاک بیرون آورند؛ در زیر این قلعه و مستحکم آثار دوران اشکانی دیده می شود.

در این محل، اشیایی از قبیل کوزه‌های گلی و سکه‌ها (که بعضی از آن‌ها متعلق به دوران اشکانی بود)، وجود داشت؛ علاوه بر این‌ها، بیش از پانصد مهر از جنس گل پخته و تعداد زیادی مجسمه‌های کوچک منصب‌داران و حیوانات یا پرندگان نیز پیدا شد.

افزون بر آن چند مهره نیز در همین جا پیدا شد که نام شهری شبیه «شیراز» روی آنها حک شده است. روی یکی چند سکه هم واژه «شیراز» و در وسط واژه «ارث شرخره» یعنی «اردشیر خوره» ضرب شده است.

بَرَم دِلَک^۱

(نقش‌های برم دلک)

نزدیک به دو فرسخی مشرق شیراز، حوالی قصر ابونصر، در مکانی مصفا و باطراوت معروف به دست خضر، بر اثر تجمع آب چندین چشمه در دامنه کوه‌های شمال شرقی، برکه‌ای ایجاد شده که به علت شباهت به شکل قلب، به بَرَم دِلَک شهرت دارد. در آنجا سه نقش برجسته ساسانی دیده می‌شود. نقش بزرگتر، مجلس مرد و زنی را نشان می‌دهد که مرد گلی را در دست دارد و آن را به طرف زن گرفته و زن هم دستش را به سوی مرد دراز کرده است. می‌توان آن را اولین نقش برجسته زن ایرانی دانست.

نقش میانی را احتمال داده‌اند که تصویر «بهرام دوم» باشد و نقش سوم حالت جوانی را با موهای انبوه و کلاه بلند نمدی نشان می‌دهد.

پایه آتشدان ساسانی

در فاصله ۲۰۰ متری «بَرَم دِلَک»، امامزاده‌ای بنام «براهیم» یا دست خضر قرار دارد. در سال ۱۳۶۵ خ، مردم محل برای گسترش صحن امامزاده و تعمیر آن به تسطیح اطراف این امامزاده می‌پردازند که پایه آتشدانی از «شاپور اول ساسانی» پیدا می‌شود که با خواندن کتیبه آن، نشان می‌دهد که هنگامی که رومیان، در سال ۲۴۳ میلادی، در سال سوم پادشاهی «شاپور اول» به ایران حمله کردند و «شاپور اول» آنها را شکست داد، به میمنت این پیروزی، کار انجام ساختمانی را در این محل در دست داشت و نیز دستور داد آتشگاهی در آن کاخ برای نیایش خداوند بزرگ بسازد.

۱- دو سایت ارزشمند قصر ابونصر و بَرَم دِلَک که هم اکنون در درون شهر شیراز جای گرفته‌اند و تحت مالکیت میراث فرهنگی می‌باشند، شهرداری شیراز برای حفظ، بازسازی و نگهداری این دو سایت تلاش گسترده‌ای را به منظور صیانت از این محوطه‌های تاریخی انجام داده است تا تبدیل به جاذبه‌ای جدید در صنعت گردشگری شیراز گردند.

قلعه بندر

نخستین شرحی که از این قلعه می‌توان یافت در کتاب حدود العالم است. مولف این کتاب پس از توصیف شیراز چنین می‌نویسد:

«... و اندر وی یک فهندژ است قدیم سخت استوار آن را قلعه شه موبذ خوانند و اندر وی دو آتشکده است که آن را بزرگ دارند...».

این قلعه که از آن در کتب جغرافی نویسان و مورخان با نام‌های مختلف یا شده در قسمت مشرق شیراز در کوه سعدی قرار گرفته است.

چاه قلعه بندر

در وسط قلعه در بالای کوه چاهی (چاه قلعه بندر) وجود دارد که عمق و دهنه آن به ترتیب یکصد ذرع و ۱۴ ذرع می‌باشد. این چاه شباهت بسیاری به چاه‌هایی دارد که هخامنشیان یکی در تخت جمشید و سه تای دیگر در دامنه کوه رحمت، واقع در راه شیراز- تهران (برابر چشمه علی آباد) در کوه کنده‌اند. گودی این چاه ۱۰۲ متر و اندازه دهنه آن ۴ در ۴ متر می‌باشد. وجود این چاه‌ها و چاه‌های همانند آن‌ها که در سایر کوه‌های فارس موجود می‌باشند و تاکنون از دیدگان پنهان مانده‌اند، آشکار می‌سازد که همه آن‌ها به یک منظور ساخته شده‌اند و اگر تاریخ حفر آن‌ها به پیش از هخامنشیان نرسد، به طور دقیق به زمان هخامنشیان مربوط می‌گردد. شکی نیست که بقایای این آثار نیازی به کاوش دارد. غیر از این آثار در «تنگ قوام آباد گویم»، نقش برجسته ای از «بهرام دوم ساسانی» (۲۸۲-۲۷۵م.) وجود دارد که همه اینها دال بر آنست که شیراز در دوره ساسانی دارای اهمیت بوده است.

شاهنامه فردوسی

از جمله منابعی که به استناد آن می‌توان بر دیرینه سالی شیراز، مهر تأیید گذاشت، شاهنامه فردوسی است.

فردوسی شاعر بزرگ حماسه سرا که برای سروده های خود از «خداینامک» های پیش از اسلام استفاده کرده درباره «کیانیان» چنین سروده است:

سر هفته را کرد آهنگ ری	همه ره به آرامش و رود و می
دو هفته در این هفته بخشید مرد	سوم هفته آهنگ شیراز کرد
هیونان فرستاد چند روزی	سوی پارس نزدیک کاوس کی

روایت دیگر فردوسی:

افزون بر اینها فردوسی این جاودانه شاعر در بحث اشکانیان مجدداً نام «شیراز» را چنین می آورد:

بخشید گنجی به ارزانیان	چو بشنست بهرام ز اشکانیان
که از میش بگسست چنگال گرگ	ورا خواندند اردوان بزرگ
که داننده خواندش مرز مهان	ورا بود شیراز تا اصفهان

در این ابیات در بحث دوره دویست ساله اشکانیان، درباره «بهرام» که همان «اردوان بزرگ» است، شیراز تا اصفهان و به عبارتی فارس از آن اوست.

عدم انتخاب شیراز

«ابن فقیه» در ۲۹۰ ه.ق نوشته است که «ابوالمنذر هشام بن سائب کلبی»، مورخ عرب - (متوفی ۲۰۶ ه.ق) روایت کرده که چون «قتیبه بن مسلم» در هنگام فتح خراسان، بر «فیروز» پسر «خسرو یزدگرد» چیره شد، دختر او را «شاهفرند» بازداشت کرد. به همراه این دختر سبیدی بود که وقتی «قتیبه» او را به نزد «حجاج» فرستاد. آن سبد را گشودند، «در آن نوشته ای بود به پارسی» حجاج مترجمی را به نام «زادان فرخ بن پیری کسگری» خواست و او آن را چنین ترجمه کرد:

«... به نام خداوند چهارآفرین، قباد بن فیروز، کشور خویش را بررسید و آبها و خاکها را وزن کرد، تا برای خود شهری سازد. از عراق که ناف اقلیم هاست آغاز کرد، و چنین یافت که سیزده جای، از همه جای کشور او، خوش آب و هوا تر است. [که آنها را نام برده] و شش جای، از همه سردتر است [و نام آنها را ذکر کرده] و شش، از همه بیماری خیزتر است [با نام آنها] و هشت جای از همه پرباران تر است [با ذکر نام] و نه جای مردمش از همه بخیل تراند: خراسان و سپاهان و اردبیل و ماسبدان و بادرایا و باکسایا و استخر و شیراز و فسا... [بنابر این محل] کرمانشاهان را انتخاب کرد...».

با این متن متوجه می شویم که «شیراز» در زمان «قباد»، پدر «انوشیروان» که در سال ۴۸۷ م. به سلطنت رسیده، وجود داشته است.

سوفرای شیرازی

از دوره «قباد»، مطلبی دیگر در تأیید وجود «شهر شیراز» در دست داریم و آن اینکه

۱- سوفرا نام یک قهرمان شیرازی در داستان های شاهنامه است

«فردوسی» شرح دلآوری یکی از دو تن مقتدرترین نجبای دوره ساسانیان را می دهد که «سوفرای» نام دارد و از خانواده «بزرگ کارن» (قارن) است و اصلاً شیرازی است و حکمران «سکستان» می باشد.

این سردار در زمان «پیروز ساسانی» بوده و «پیروز» درنبرد با «هپتالیان» کشته می شود و «سوفرای» در تلاش گرفتن انتقام با سپاهی گران به مرو می رود و با «خوشنواز» فرمانده «هپتالی» جنگ می کند و زخمی به او می زند ولی کشته نمی شود و او به «سوفرای» پیشنهاد صلح می کند و «سوفرای» به دلیل نجات اسرای ایرانی، صلح را می پذیرد.

«فردوسی» می گوید که «سوفرای» با اسرا به ایران می آید و مردم مانند قهرمانی فاتح از او استقبال می کنند و به گفته «بلعمی» (متوفی ۳۸۳ ه.ق) می خواستند که پادشاهی را به او تفویض کنند که نپذیرفت.

«فردوسی» می افزاید که پس از مرگ «بلش»، «سوفرای» قباد را که ۱۶ ساله بود، از «استخر» بر «تیسفون» می برد و بر تخت سلطنت می نشاند و خود هفت سال حکمران بلامنازع ایران می شود.

«سوفرای» در زمان «قباد»، عازم «شیراز» می شود:

سپهبد خود و لشکرش ساز کرد بزد کوس و آهنگ شیراز کرد

و یا:

خود و نامداران پر خاشجوی سوی شهر شیراز بنهاد روی

«فردوسی» می افزاید که «قباد» از کارهای خلاف «سوفرای» در «شیراز» با اطلاع می شود:

چو آگاهی آمد به فرخ قباد ز شیراز و ز کار بیداد داد

و بالاخره «قباد» برای نابودی «سوفرای»، «شاپور رازی» را که با «سوفرای» دشمن بوده با فرمانی برای گرفتن او به «شیراز» می فرستد و «سوفرای» جوانمردانه و بزرگ منشانه از او استقبال می کند اما به دام می افتد و او را به پایتخت می برند ولی به همین بسنده نمی کنند:

بیاوردش از پارس پیش قباد قباد از گذشته نکرد ایچ یاد

به فرمود کو را بزندان برند به نزد ناهوشمندان برند

به شیراز فرمود تا هرچه بود ز مردان و از گنج و کشت و درود

بیارند یک سر سوی تیسفون سپارد به گنجور او رهنمون

و سرانجام «سوفرای» را از بیم شورش دوستانش می کشند و ایرانیان با آگاهی از این موضوع به قیامی بزرگ دست می زنند.

دلاور دیگری از شیراز

در دوره پادشاهی «هرمز» (۵۹۱-۵۷۹م) پسر «انوشیروان»، دلاور دیگری از «شیراز» برمی خیزد که نام وی «سام بن اسفندیار» است. وی والی فارس بوده است و سپاهی در فارس تهیه می بیند و به آذربایجان به کمک «خسروپرویز» می رود. «فردوسی» در این مورد چنین می سرايد:

ز کرمان چو بیورد گرد و سوار یکایک به خسرو نهادند روی

ز شیراز چون سام اسفندیار سپاه و سپهد همه شاهجوی

از این ابیات هم محرز است که وقتی «سپاه» و «سپهد» از «شیراز» حرکت می کند. یعنی این که «شیراز» در موقعیت خاص در دوره «ساسانیان» قرار دارد. مُسلم است با وجود آبهای فراوانی نظیر «آب قنات سعدی»، «بَرَم دَلک» و «چشمه جوشک» که رودخانه اعظم را به وجود می آورد و موقعیت سوق الجیشی «شیراز» و همچنین موقعیت جغرافیایی آن کمک به گسترش شیراز می نماید.

شیراز به روایت منابع جغرافیایی و تاریخی دوران اسلامی

در کتاب ریاض العلماء، در مورد وجه تسمیه شیراز چنین آمده است که یکی از پادشاهان سلسله پیشدادی، به نام فارس بن طهمورث که نزدیک به زمان طوفان نوح می زیست، ده پسر داشت که نام یکی از آن ها شیراز بود؛ این پادشاه به هر یک از فرزندان خود، حکومت شهری را واگذار نمود که شهر شیراز نیز یکی از آن ها بود. بدین ترتیب، پس از آن محل مورد بحث، به نام حاکم خود مشهور گردید.

بیشتر مورخین اسلامی، با اشاره به اینکه در گذشته، در محل شهر شیراز و حوالی آن، آبادی و شهری وجود داشته، احداث این شهر را به قرن نخست بعد از اسلام یعنی زمان عبدالملک خلیفه اموی نسبت می دهند که در سال ۷۴ هجری قمری توسط محمد بن یوسف، برادر حجاج بن یوسف ثقفی، حکمران معروف اموی ساخته شده است.

حمدا لله مُستوفی جغرافی نویسان اسلامی، بنای شیراز را به روایتی به شیراز بن طهمورث نسبت می دهند و به روایتی در آن سرزمین، شهری به نام فارس وجود داشته که به فارس بن ماسور بن سام بن نوح منسوب است.

ابو سعید گردیزی جغرافی دان برجسته ایرانی در قرن ۵ هجری در زین الاخبار بنای شیراز را به قباد پادشاه ساسانی نسبت داده است.

پاره‌ای دیگر نیز مانند ابن فقیه، چنین حدس زده‌اند که شهر شیراز، قبل از اعراب، آبادی کوچکی بوده و ترقی و توسعه شهر به زمان بعد از اسلام مربوط می شود.

شیراز در دوران اسلامی

با توجه به آن چه که در منابع اسلامی آورده شده بعد از فتح فارس، عثمان بن ابی العاص والی اصطخر و برادرش حکم ابن العاص حاکم شیراز گردید. بسیاری از مورخان بعد از اسلام مانند یعقوبی در البلدان، ابن خردادبه در مسالک و ممالک، ابن حوقل در صوره الأرض، اصطخری در مسالک و ممالک، مسعودی در التنبيه و الاشراف، مقدسی در احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ابن بلخی در فارسنامه، صاحب مجمل التواریخ و القصص، شیخ ابوسعید ابی الخیر، حافظ ابرو و دیگر مورخان، احداث شیراز را به محمد بن یوسف ثقفی، فرماندار پارس از سوی حجاج بن یوسف ثقفی، که عامل خلیفه اموی در عراق بود، نسبت داده‌اند. با این وجود، کشف آثار متعددی در رابطه با شیراز، آشکار می‌سازد که تاریخ بنای این شهر، همچون دیگر آثار کهن فارس نظیر تخت جمشید، به دوران هخامنشی باز می‌گردد و این که مورخان، بنای شیراز را به دوران اموی و به دست محمد بن یوسف ثقفی برادر حجاج منسوب داشته‌اند، در حقیقت مربوط به تجدید بنای شهر یا توسعه آن بوده و هست.

در این جا این سوال مطرح می‌گردد که چرا بیشتر مورخین که زمان آن‌ها چندان هم از اوایل اسلام دور نبوده، شیراز را شهری می‌دانند که بعد از اسلام

ساخته شده است؟ در پاسخ به این سوال، چنانچه میان شهر و بلوک تفاوتی قائل شویم، به آسانی می‌توان این تناقض را رفع نمود؛ به این طریق که شیراز نام شهر بخصوصی نبوده، بلکه به بلوک یا ناحیه بزرگی اطلاق می‌شده که سرتاسر جلگه شیراز و آبادی‌های آن را در بر می‌گرفته است. در آن ایام تمام این حوزه‌ی سرسبز وسیع را شیراز می‌گفتند که در آن آبادی‌ها و قلاعی وجود داشته است. چنانکه ابن بلخی در این باره می‌گوید:

«... شیراز ناحیتی و حصاری چند بود، در روزگار ملوک فرس و تا ابتدای اسلام همچنان بود...»

شیراز در دوره صفاریان

از نوشته های جغرافی نویسان دوران اسلامی چنین مستفاد می شود که شیراز در زمان عمرو لیث صفاری به عنوان پایتخت فارس محل اقامت حکام بوده و به تدریج علاوه بر جلب جمعیت های اطراف به خود، بر اثر ایجاد دارالعماره و مساجد و ابنیه مختلف در آن توسعه یافته و ساکنانش از طریق کشاورزی و تجارت از رفاه بیشتری به سایر مردم آن منطقه برخوردار بودند.

احمد بن ابی یعقوب در توصیف شیراز چنین می نویسد:

«شیراز شهر بزرگ فارس، شهری است با شکوه و عظمت که والیان آن جا حکومت می کنند و آن را وسعتی است تا آن جا که در این شهر خانه ای نیست مگر آن که صاحب آن خانه را بوستانی است دارای همه میوه ها و گل ها و سبزی ها و هرچه در بوستان ها می باشد و شرب اهالی از چشمه هایی است که از نهروهایی جریان دارد و از کوه هایی است که برف در آن ها می افتد».

از اقدامات خاندان صفار در امر توسعه شیراز اطلاع دقیقی در دست نداریم. همین قدر می دانیم که عمرو لیث صفاری به شکرانه فتح فارس در شهر مذکور به سال ۲۸۱ هـ.ق در محله ای که بعد ها به بازار مرغ شهرت یافت مسجد بزرگ و بسیار جالبی به نام مسجد جمعه احداث نمود (خوب نظر - ۱۳۸۰ - ص ۹۶-۹۵).



گنبد عضدی یا گهواره دید در دهه ۵۰ خورشیدی

شیراز در دوره آل بویه و دیلمیان

شیراز در دوره دیلمیان فارس (قرن چهارم هجری) به عنوان پایتخت برگزیده شد، در این زمان و به خصوص در دوره عضدالدوله دیلمی (۳۲۴-۳۷۲ ق.) به اوج ترقی خود رسید. موقعیت برتر سیاسی، جغرافیایی و اقتصادی این شهر باعث شد که عده زیادی از مردم شهرها و روستاهای دیگر به این محل کوچ کنند و بر وسعت آن بیفزایند. بدین ترتیب در سال ۳۶۳ ق. و در زمان عضدالدوله دیلمی، شیراز چنان بزرگ شد و جمعیت آن فزونی گرفت که پادشاه مزبور ناچار گردید که در بیرون از شهر، شهرکی بنا نماید.

گرد فَنّا خُسرو

یکی از بزرگترین آثاری که توسط عضدالدوله دیلمی در بیرون دروازه سلم در شیراز احداث شده شهرکی به نام گرد فَنّا خُسرو بوده است.

مقدسی در باره این شهرک می نویسد:

«در نیم فرسنگی شهر عضدالدوله شهرکی ساخت که به نام گرد فَنّا خُسرو شهرت دارد. در میان این شهرک بازاری به وجود آورد که زمانی جالب و پر رونق بوده در کار کاخ باغی زیبا و پر دامنه به وجود آورد که درازا و پهنای آن حدود یک فرسنگ است. در کار شهرک مزبور کارشناسان، مهندسان، و پرده بافان از حریر دست داشته‌اند.»

(خوب نظر ص ۱۸۸) پس از عضالدوله، روز به روز از قدرت دیلمیان کاسته و بر قدرت سلجوقیان افزوده گشت. در زمان فرمانروایی ابوکالیجار وی که از خطر سلجوقیان غافل نبود، برای نخستین بار دستور داد تا در اطراف شیراز، بارویی بسازند. این دیوار طی قریب به ۴ سال ساخته شد ولی دیری نپایید و عمری مستعجل داشت. ابن الاثیر ضمن حوادث سال ۴۳۶ چنین به شرح جزئیات باروی شیراز می پردازد:

«در این سال پادشاه ابی کالیجار فرمانی دایر بر بنای باروی شهر شیراز صادر نمود و باروی شهر به کمال استحکام یاخته شد. گرداگرد این بارو ده هزار ذراع و عرض آن هشت هزار ذراع و دارای ۱۲ دروازه بود و ساختمان آن به سال ۴۴۰ به پایان رسید.»

به طور کلی آثار و بناهای دیلمیان در شیراز عبارتند از: کتابخانه عمادالدوله دیلمی، قنات معروف رُکن آباد در شمال شیراز که توسط رُکن الدوله پدر عضالدوله ساخته شد؛ کتابخانه عضالدوله دیلمی، بیمارستان عضدی، فیلخانه یا گنبد عضدی، کتابخانه بهاءالدوله دیلمی و ...

سایر بناهایی که در این شهر توسط عضالدوله بنا شده، عبارت بودند از: نخستین بنای بقعه علی بن حمزه، بنای نخستین دروازه قرآن، گهواره دید و

شیراز در عهد دیلمیان یا آل بویه، دارای هشت دروازه بوده است: دروازه اصطخر، تستر(شوشتر)، بند آستانه، غسان، دروازه سلم، کوار، دروازه منذر، فهندر.

شیراز در روزگار سلجوقیان

از آن جا که روزگار سلجوقیان بیشتر به زد و خورد و جنگ و گریز در فارس گذشت، فرمانروایان این خاندان چندان به آبادانی شهر و آسایش مردم نیندیشیدند و دستاوردی جز هراس و نا امنی و غارت برای شیراز و مردم آن نداشتند. مؤسس این سلسله طغرل بیک نام داشت که خود از نوادگان سلجوق بود و با شکست دادن سلطان مسعود غزنوی، در نیشابور بر تخت نشست. سلجوقیان به طور کلی ۸۵ سال بر فارس فرمانروایی کردند. سلطنت دودمان سلجوق دو دوره متمایز داشت، یکی دوره اقتدار که عصر سه پادشاه نخستین آنان یعنی طغرل، آلب ارسلان و ملکشاه را شامل است و دیگر دوره ضعف و انحطاط که پس از مرگ ملکشاه آغاز می گردد.

حرم شاهچراغ در دوره قاجار



شیراز در عهد اتابکان

اتابکان سلغری به مدت ۱۲۰ سال یعنی از سال ۵۴۲ تا ۶۶۴ق. به طور مستقل در شیراز حکومت کردند. دوران حکومت اتابکان در فارس، دارای اهمیت بسیار می باشد؛ زیرا آنان با حسن تدبیر و سیاست، توانستند ۱۲۰ سال جلو حمله سپاهیان مغول را به فارس گرفته و در کمال فراغت بال، به تشویق شعرا و دانشمندان و احداث بناهای باشکوه بپردازند.

سَنَقَر بن مودود سَلْغَری

در اواخر حکومت سلجوقی، چون اوضاع حکومت آشفته گردید سنقر بن مودود سلغری زمان را برای قبضه کردن حکومت مناسب دید و در سال ۵۴۳ علیه ملکشاه بن محمود که پس از قبل بوزابه بر سریر حکومت فارس جای گرفته بود قیام کرد و بر او غلبه کرد و بر شیراز مسلط گردید (خوب نظر ص ۲۲۲).

خاندانی که وی در شیراز و فارس بنیاد نهاد، به دلیل نام جدشان «سَلْغَر» که سرکرده ترکمانان بوده است، به سلغریان معروف گردید. سنقر در سال ۵۵۸ق. از دنیا رفت. آن چه که نام وی را در شیراز جاودانه ساخت، بنای مسجدی به نام سنقریه در این شهر بود که از ساختمان های باشکوه آن دوره به شمار می رفت. این مسجد در وسط شهر و دارای مناره بزرگی بود. مدرسه سنقریه که تا قرن هشتم هنوز به اعتبار خود باقی مانده بود و آب انبار متصل به آن و نیز چهار بازار به احتمال قوی و با توجه به سنت شهرسازی قدیم در حوالی مسجد بوده است (خوب نظر ص ۲۹۳).

آتابک زنگی بن مودود

پس از مرگ سنقر، آتابک زنگی بن مودود خود را به شیراز رساند و بر مدعیان فائق آمد و زمام حکومت را به دست گرفت و به مظفرالدین لقب یافت. (خوب نظر ص ۲۲۳).

بنای مقبره محمد بن خفیف شیرازی مشهور به شیخ کبیر

آتابک زنگی چون به حکمرانی فارس منصوب گردید آن بنا را از میان برداشت و به جای آن بقعه مجلل و رباطی مشتمل بر چند ساختمان بنا نمود و چند پارچه از دهات معتبر و زمین هایی آباد وقف آن نمود.

مدرسه امینی

در نزدیکی مسجد جامع عتیق شیراز مدرسه و رباطی وجود داشت که به نام مدرسه رباط امینی خوانده می شد. این بناها که لاقلاً تا ایام حیات زرکوب و جنید شیرازی پابرجا و به اشتها خود باقی مانده بود از آثار امین الدوله کازرونی و وزیر کاردان و بلند همت تکه بن زنگی بوده است.

آتابک تَلکه

بعد از آتابک زنگی فرزندش تکه بر سریر حکومت و سلطنت جای گرفت و منصب وزارت را به امین الدوله کازرونی سپرد (همان ۲۲۴-۲۲۳).

آتابک سَعَد بن زنگی

بعد از وفات تکه مشهورترین پادشاهان آتابکان سلغری فارس، آتابک سعد بن زنگی است. وی در ابتدا رکن الدین صلاح کرمانی و پس از وی خواجه عمیدالدین ابو نصر سعد ابزری را به وزارت برگزید.

مسجد، باروی شهر، رباط و چهار بازار از جمله آثاری است که آتابک از خود بر جای گذاشته است. در بین این آثار تنها مسجد به جا مانده که مسجد جامع جدید و یا مسجد نو اشتها دارد هنوز باقی مانده است.

آتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی

پس از آتابک سعد، حکومت به پسرش آتابک ابوبکر رسید. در بدو امر او به سبب کدورتی که با خواجه عمیدالدین داشت وی را به زندان افکند و به قتل رساند و به

جای او مقرب الدین ابوالمفاخر مسعود و فخرالدین ابوبکر حوائجی را به وزارت برگزید. با مرگ فرمانروای بزرگ سلغریان یعنی ابوبکر بن سعد، بهترین دوره از ایام سلطنت سلغریان در فارس رو به افول گذاشت. در اواخر حیات اتابک ابوبکر، پسرش سعد که در دربار هلاکو می زیست، برای دیدار پدر عازم شیراز گردید.

سعد در بین راه بود که از مرگ پدر اطلاع حاصل نمود. او که خود از پیش از تب رنج می برد در همین سفر به مرض استسقاء هم مبتلا شد و سرانجام در ناحیه تفرش از اعمال قم پس از دوازده روز از وفات پدر که خطبه و سکه به نام او مزین گشته بود در روز یکشنبه ۱۷ جمادی الاخر سنه ۶۵۸ در گذشت.

پس از اتابک ابوبکر به ترتیب اتابک محمد بن سعد، اتابک محمد شاه بن سلغر شاه، اتابک سلجوق شاه بن سلغر شاه و سرانجام اتابک آبش خاتون دختر سعد بن ابوبکر، به حکومت رسیدند.

بنای بیمارستانی به نام دارالشفای مظفری از اقدامات اتابکان فارس در شیراز بوده است. در تذکره دولتشاه سمرقندی این دارالشفای را به اتابک سعد بن زنگی نسبت داده اند. مولانا ضیاء الدین مسعود ابن مصلح کازرونی پدر قطب الدین محمود شیرازی پزشک معروف زمان خود در این بیمارستان تدریس و بیماران را معالجه می نموده است.

نخستین گنبد ساخته شده بر روی بقعه شاهچراغ (ع) را نیز به امیراعظم سعید مقرب الدین ابوالمفاخر مسعود بن بدر، وزیر اتابک ابوبکر نسبت می دهند.

آبش خاتون آخرین اتابک سلغری فارس، که تنها فرمانروای زن در استان فارس نیز می باشد در زمان حکومت خویش بناهایی از قبیل مدرسه شاهی، باغ، حمام و آب انبار در شیراز ساخت.

او پس از مرگ در شیراز دفن شد و آرامگاه وی در فلکه خاتون، روبروی آتش نشانی قرار دارد.

بنای اولیه خدای‌خانه مسجد جامع عتیق در دوره شیخ ابواسحاق اینجو ساخته شده
است. (عکس، بنای خدای‌خانه در حال حاضر)



شیراز در دوره آل اینجو و آل مظفر

در این روزگار، هر چند جنگ و سستیزهای فراوانی در گوشه و کنار فارس رخ می‌دهد، اما فرمانروایان این خاندان از آبادانی شیراز غافل نگردیدند.

● **ساخت باروی شهر:** در زمان سلطنت ملک شرف الدین شاه محمود شاه اینجو به تجدید عمارت باروی شهر اقدام نمود و به قول حمدا... مُستوفی بر روی آن جهت محافظان خانه های آجری تعبیه کرد.

● **قصر جعفر آباد:** بنا به نوشته زرکوب شیرازی ملک جلال الدین مسعود در ایام حکمرانی اش در شیراز علاوه بر ابنیه خیریه متعدد در صحرای جعفر آباد قصری برای خود بنا کرد. از این قصر اثری بر جای نمانده است.

● **مدرسه مسعودیه:** از دیگر آثار این دوره ملک مسعود مدرسه ای بود که او به نام خود احداث کرد. در این مدرسه به روایت جُنید شیرازی، احمد بن ابی الخیر زرکوب شیرازی مؤلف شیراز نامه به کار تدریس اشتغال داشته است. از دیگر مدارس ساخته شده در این دوران باید به مدرسه مجدیه، مدرسه و زاویه احدائی تاشی خاتون نام برد.

● بنای خدای خانه

شیخ ابواسحاق اینجو، ساختمان خدای خانه را در میان صحن مسجد جامع عتیق به سال ۷۵۲ ه.ق احداث کرد. بنای مقبره شیخ ابوبکر علاف، مسجد و مدرسه شاه شجاع در پاسارگاد، و بازسازی قلعه پهن‌دژ در این ایام صورت پذیرفت. همچنین به فرمان مادر شاه شجاع بر روی بنای بی بی دختران گنبدی بلند بر پا ساخته و مدرسه ای زیبا نیز بنا نمودند.



یکی از قرآن‌هایی که در گذشته بالای دروازه قرآن بوده و در حال حاضر در موزه
پارس قرار دارد.

شیراز در دوره تیموریان

با قدرت گیری تیمور لنگ در سمرقند (۷۷۱ق.)، بار دیگر یورش‌ها و حملات مغولان، این بار به سرکردگی تیمور که خود را از نوادگان چنگیز خان می‌دانست، به سرزمین‌های مختلف از جمله ایران آغاز گردید. تیمور به طور کلی دوبار به شیراز یورش آورد و دودمان آل مظفر را برانداخت (۷۸۹ق.).

امرای تیموری به هنر و ادب فارسی اشتیاق بسیار داشتند، از این رو تلاش می‌کردند که به هنر ایرانی دست یافته و صاحب هنر گردند. ابراهیم سلطان، نوه امیر تیمور که در سال ۸۱۹ق. از طرف پدرش سلطان شاهرخ، فرمانروای شیراز شد، خود اهل هنر و ادب بود و دربار او محل تجمع دانشمندان و ادبا بوده است. خودش نیز خط ثلث را خوب می‌نوشت. نمونه خط وی در تخت جمشید، یکی بر پیشانی سنگ جرز ایوان جنوبی کاخ تچر، در زیر کتیبه‌های میخی هخامنشی و دو کتیبه نیز در طاقچه‌ها و پنجره‌های همان کاخ نوشته شده که تاریخ تحریر هر سه آن‌ها، سال ۸۲۶ق. می‌باشد. علاوه بر این‌ها، یک کتیبه نیز بالای در ورودی بقعه حضرت علی بن حمزه (ع)، در طرف داخل بقعه است که به خط زیبای ثلث نوشته شده است. دو قرآن بزرگ دروازه قرآن که اینک در موزه پارس نگهداری می‌شود، نیز احتمالاً توسط همین سلطان تیموری نوشته شده است.



تصویر مزار سلخانی در دوره قاجار

شیراز در زمان صفویان

در عصر صفویه و به ویژه پس از انتصاب ... وردی خان، و سپس پسرش امام قلی خان به عنوان حاکمان شیراز، این شهر بازهم رنگ شوکت و اقتدار گذشته اش را دید. این پدر و پسر به مدت سی و نه سال بر شیراز حکومت کردند و دوران حکومت آنها، دوره ای پر بار در تاریخ شهر بود. در این دوران، شیراز لقب دارالعلم گرفت و به مرکز گردهمایی و تجمع اهل قلم، اهل ادب، اهل هنر و اهل دانش بدل شد. مسافران اروپایی که در این دوره از شهر بازدید کرده اند با شیفتگی و علاقه خاصی در نوشته هایشان از گستردگی و گوناگونی بازارهای شهر، کارگاه های هنری و باغ های بسیار زیبای شیراز یاد کرده اند.

● **کاخ امام قلی خان:** این کاخ دارای حوض های مرمینی بوده که هر ضلع آن یک صد پا درازا داشته است

● **مدرسه خان:** امام قلی خان در سال ۱۰۲۶ ق. در محله بازار مرغ شیراز، مدرسه ای وسیع مشتمل بر یکصد حجره فوقانی و تحتانی و چهار طاق بلند، بنا نمود که در چهار طرف آن، چهار باغ بزرگ برای تفریح طلاب ساخته شده بود. سر در ورودی مدرسه با کاشی های اسلیمی و معرق تزئین یافته است.

● **مدرسه امامیه:** امام وردی بیگ حاکم شیراز در اواخر قرن یازدهم در محله دروازه کازرون مدرسه ای به نام «امامیه» بنا نمود که قریه بابا ایور، بازار آقا (بین

شاهچراغ و سیدمیرمحمد) و کاروانسرای امامیه در بازار مرغ وقف آن بود.

● **مدرسه حکیم:** میرزا هدایت ا... حسینی حسینی دستغیب که سال ها طبیب حرمسرای شاهی بود نیز مدرسه ای در محله بازار مرغ شیراز در کنار امامزاده سیدمیرمحمد بنا نمود که در دوران های بعد خراب شد و مهرعلی خان نوری در سال ۱۲۷۳ ق. آن را تعمیر نمود که تاکنون پا برجاست و به مدرسه حکیم معروف است.

● **مدرسه نظامیه:** مدرسه نظامیه در جوار آستانه حضرت سید علاءالدین حسین(ع) که توسط میرزا نظام الملک وزیر فارس در سال ۱۰۷۵ ق. بنا گردید و هنوز هم باقی است.

امام قلی خان که از علاقمندان به کتاب و هنر بود، در شیراز کتابخانه ای نیز بنا کرد که در آن نسخ نویسان، خطاطان، مصوران و مذهبیان، به کار مشغول بوده اند. در شیراز عهد صفوی، چهار کارگاه شیشه گری وجود داشت که در آن ها بطری های بزرگ و کوچک را برای حمل گلاب و عطریات به سایر نقاط ایران و کشورهای همجوار می ساختند. (موسوی ۱۳۷۴ ص ۵۸).

از دیگر آثار صفویه در شیراز، گنبد کاشی کاری و ساختمان مجلل آستانه حضرت سیدعلاءالدین حسین(ع) بود که توسط سلطان خلیل ذوالقدر حاکم شیراز، در سال ۹۲۳ ق. و در زمان شاه اسماعیل صفوی، صورت گرفته است (خوب نظر ص ۹۳۸).

شیراز در دوره افغانه و افشاریه

پس از کشته شدن امام قلی خان و فرزندانش به دستور شاه صفی در سال ۱۰۴۹ به دستور شاه، کلاتتری فارس را به نواب میرزا شرف جهان فرزند شاه حیدر حسینی شیرازی کلاتر سابق فارس می دهد. محمد قاسم بیگ فرزند قنبر علی بیگ در سال ۱۰۶۲ ه.ق والی فارس می شود. ولی شش سال بعد در سال ۱۰۶۸ از حکومت فارس عزل و ا... وردی سلطان به حکومت شیراز منصوب می شود.

پس از سقوط اصفهان در سال ۱۱۳۶ ه.ق شیراز پس از ۹ ماه پایداری به دست سربازان محمود افغان سقوط می کند و چنان که نوشته اند در این گیرودار یکصد هزار نفر از مردم شیراز کشته و یا در اثر قحطی و بیماری که همگی ناشی از عوارض محاصره شهر به وسیله افغان ها بود از بین می روند.

هجوم افغان ها و گرفتن پایتخت موجب اغتشاش و هرج و مرج در تمام نقاط ایران گردید که فارس و شیراز از آن مصون نماند. تا این که «نادرقلی» پس از آن که افغان ها را در زرقان نزدیک شیراز، شکست داد، در حدود سال ۱۱۴۲ ه.ق وارد شیراز شد (موسوی ص ۶۰-۵۹).

نادر پس از ورود به شیراز مبلغ یک هزار و پانصد تومان برای تعمیر بقعه و یک عدد قندیل طلا به وزن یک من و دویست و ده مثقال بازنجیر نقره به عنوان نذورات به مرقد شاهچراغ (ع) اهداء می کند. او پس از سرکوب محمد خان بلوچ در سال

۱۱۴۶ هـ.ق مبلغ دویست تومان دیگر جهت تعمیر شاهچراغ (ع) به شیراز می فرستد. در اثنایی که ویرانی‌های شیراز، رو به ترمیم و اصلاح می‌رفت، در سال ۱۱۵۷ ق. به واسطه جاه طلبی میرزا محمدتقی خان شیرازی، حاکم وقت فارس، که به فکر استقلال و قیام علیه نادر افتاده بود، این شهر به مدت چهار ماه و نیم به محاصره سپاهیان نادر درآمد و پس از گشوده شدن شهر در ۱۷۴۴ هـ.ق بسیاری از مردم کشته شدند و دوباره خرابی‌های بسیار به شیراز و باغ‌های آن وارد گردید؛ این دوران، از جمله شوم‌ترین ایام در تاریخ ایران به شمار می‌رود (همان ۶۱-۶۰).

شیراز در دوره زندیه

با وجودی که قرن ۱۲ هجری، تلخ ترین ایام برای مردم شیراز و آبادانی این شهر بود؛ اما در اواخر این قرن، خورشیدی درخشان در شب تار مصائب شیراز درخشید و مردی به نام کریم خان زند که در دوران پس از اسلام خدمتگزارترین چهره نسبت به خطه فارس و شیراز بوده و یکی از خوشنام ترین فرمانروایان مملکت ایران، در طول تاریخ این کشور بوده، زمام امور را به دست گرفت و شیراز را پایتخت خویش قرار داد. شیراز در روزگار وی، غبار خستگی های تاریخی را از تن خود تکاند و به آن چنان آرامش و آبادانی دست یافت که در سراسر تاریخش بی مانند است.

● بنای باروی شهر :

کریم خان در همان سال های نخست زمامداری اش باروی سخت و محکمی بر گرد شهر شیراز از سنگ و آجر کشید، که قسمتی از آن در زمان آغامحمدخان قاجار با دشواری زیاد ویران گردید.

به طور کلی بناهای کریم خانی در شیراز عبارتند از:

مسجد وکیل - بازار وکیل - حمام - ارگ - آب انبار بزرگ - کاروانسرا - باغ - میدان توپخانه - تکیه هفت تنان - باغ جهان نما - کاروانسرای فیل و ...

در روزگار کریم خان، در تشکیلات شهری نیز دگرگونی هایی پدید آمد. وی پس از ساخت باروی، شهر شیراز را به شش دروازه و یازده محله به شرح زیر تبدیل نمود.

دروازه باغشاه، دروازه اصفهان، دروازه سعدی، دروازه قصابخانه، دروازه شاه داعی، دروازه کازرون. در همین زمان که شهر دارای بارو بوده، در چند جای آن شکستگی و ویرانی دست داده که در میان مردم به کل معروف گشت و چون محل رفت و آمد مردم بود به همین نام باقی ماند. مانند کل مشیر، کل شاهزاده قاسم، کل تیموری. یازده محله زمان کریم خان زند عبارت بودند از:

محله حیدری ها: ۱. درب شاهزاده ۲. میدان شاه ۳. بازار مرغ ۴. اسحق بیگ ۵. بالاکند.

محله نعمتی ها: ۱. درب مسجد ۲. سرباغ ۳. سنگ سیاه ۴. سر دزک ۵. لب آب.

محله یهودی ها. (سامی، ۱۳۶۳، ص ۶۱۲-۶۱۱).

شیراز در عهد قاجاریه

آغامحمدخان قاجار پس شکست سپاه لطفعلی خان زند با همدستی و خیانت حاج ابراهیم خان کلانتر^۱ (۱۷۴۵-۱۱۷۸) در ماه ذیحجه ۱۲۰۶ ه.ق وارد شیراز گردید (موسوی ص ۶۸).

در نخستین اقدام خود در شیراز به حسن خان یوزباشی دستور داد تا قبر کریم خان را شکافته استخوان های کریم خان را به تهران منتقل و در زیر پله های خلوت کریم خانی دفن نمایند، تا هر آن که از روی آن می گذرد آن ها را لگد مال نماید (سامی، ص ۵۱۴).

در دوران قاجار، شیراز از نظر عمران و آبادانی، پیشرفت قابل ملاحظه ای ننمود و جز مسجد نصیرالملک، مسجد مشیر، مدرسه قوام، عمارت نارنجستان قوام، باغ دلگشا، عفیف آباد، سالاری و چند بنای محدود دیگر، اثر هنری جالبی در این عهد به وجود نیامده است (سامی، ص ۵۱۷).

بازارهای این شهر نیز در این زمان عبارت بودند از:

۱. حاج ابراهیم کلانتر از بزرگان شیراز بود که در حکومت زندیه مراحل ترقی را طی کرد و از آنجا که چندی کلانتری شیراز را به عهده داشت، به حاجی ابراهیم خان کلانتر مشهور شد. او هنگام حمله آقامحمدخان به شیراز به لطفعلی خان خیانت کرد و دروازه شهر را هنگام برگشت از جنگ بر روی او بست.

- **بازار سرچهارراه:** که بین شاهچراغ و مسجد نو قرار داشته است. در این بازار دکان‌های قنادی، میوه فروشی، عطاری، سقط فروشی، کفاشی، خرازی، نانوايي، قصابی، آشپزی، کبابی، چلوکبابی، آجیل فروشی، و سبزی فروشی مستقر بوده اند.
 - **سرحوض بازار آقا:** که در فاصله شاهچراغ و سیدمیرمحمد قرار داشته است و دکان‌های بزازي و خرازی در آن بوده است. این بازارچه پر از اجناس لوکس آن زمان اعم از پارچه زنانه و مردانه و لوازم آرایش زنانه بوده است (سامی، ص ۵۱۷).
 - **بازار مسگرها، بازار سردزک، بازارچه ارمنی‌ها، بازارچه فیل، بازارچه حاج زینل، بازارچه منصوریه و بازارچه دروازه قصابخانه (موسوی، ص ۷۲-۷۱).**
- همچنین در این دوران، باغ‌ها و عمارات اشرافی به بیرون حصار سرایت کرد و شهر از حصار بارویش گذشت.

شیراز در دوران مشروطه

رویدادهای شیراز در دوران مشروطیت را باید در منابع متعددی که در سال های اخیر یافته و چاپ شده اند جستجو کرد. یکی از این منابع، خاطرات محمد حسین استخر نماینده مجلس شورای ملی، روزنامه نگار شیرازی و مدیر روزنامه استخر است. وی درباره انگیزه خود در این زمینه می نویسد: «من در مجلس شورای اسلامی بودم که بیشتر تحریک به نوشتن این سلسله مقالات شدم. چون دیدم فارس و شیراز هیچ حصه و بهره ای از انقلاب مشروطیت را ندارد. از آن فداکاری ها و سر و سینه زدن ها هیچ اثری نیست. مشروطیت را تهران زایید، آذربایجان بزرگش کرد و السلام.» گفتم باید همتی به خرج داد و آن چه را از حوادث مهم در خاطره باقی مانده به تدریج چاپ و منتشر شود تا از بین نرود. شاید روزی غیرتمند صاحب دلی پیدا شد، در این مقالات تجدید نظر کند. عکس های رجال آن موقع را جمع آوری کند و در یک مجموعه چاپ شود تا به نام فارس اثری باقی بماند» (شفیعی سروستانی، ۱۳۴۸، ص ۱۵).

علاوه بر این خاطرات، می توان به کتاب نهضت آزادی خواهی مردم فارس در انقلاب مشروطیت ایران به کوشش دکتر جهانگیر قائم مقامی بر اساس ۳۸۹ تلگراف و نامه های رسمی و دولتی اشاره نمود که سهم مردم فارس را در این جنبش آزادی خواهی آشکار می سازد.

چهارراه زند در دهه ۴۰ خورشیدی



شیراز در روزگار معاصر (دوران پهلوی اول و دوم)

هنرمند، جهانگرد و نقاش معروف آمریکایی هارولد . اف. وستون^۱ واف . ال . برد^۲ در سال ۱۲۹۹ و سه ماه قبل از کودتای سردار سپه به ایران مسافرت نمودند. آنان شرح مشاهدات و دیدارشان از ایران به خصوص از شهر شیراز را در مجله نشنال جئوگرافیک منتشر کردند. در لابه لای گزارش و ستون نقاشی های آب رنگ این نقاش بزرگ آمریکایی و عکس هایی که در حین سفرش عکاسی کرده بسیار قابل توجه و وضعیت ایران پس از اتمام جنگ جهانی اول به تصویر می کشد. فکر ایجاد دولتی مقتدر با تکیه بر هویت ملی و ناسیونالیسم ایرانی در اندیشه ها و آثار اکثریت متفکران و روشنفکران ایرانی در دوران قاجار و حتی بعد از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ سردار سپه در آثار مکتوب و نشریات آن دوران نه تنها در تهران بلکه در شیراز به خوبی دیده می شود.

در شیراز محمدحسین استخر مدیر مسئول روزنامه استخر که از طرفداران این طرز تفکر بود در روزنامه ای که خود انتشار می داد در خصوص طرفداری از کودتای ۱۲۹۹ سردار سپه، انقراض سلسله قاجاریه و به قدرت رسیدن سردار سپه مقالات متعددی را انتشار می دهد. پس از فراز و نشیب های زیاد در پی کسب قدرت با انقراض سلسله قاجار و سپردن پادشاهی به سردار سپه با عنوان رضاخان پهلوی، ایران وارد مرحله ای جدید در تاریخ معاصر خود گردید.

1. Havold weston

2. F. L. Bird

در راه مدرنیزه شدن شهرهای ایران در این دوران اقدامات مختلفی انجام گرفت. شهر شیراز نیز از این قاعده مستثنی نبود و کلنگ مدرن شدن بسیاری آثار و ابنیه‌های دوران زندیه و قاجار در این شهر تخریب و کالبد شهری نیز دچار تغییرات عمده‌ای گردید.

بافت تاریخی شیراز جای خود را به خیابان‌های عریض آسفالت‌ه و میدان‌های بزرگ شهری داد. با احداث خیابان‌های جدید و باز شدن پای اتومبیل به بافت تاریخی شهر خدشه وارد گردید. این آغاز بیگانه شدن شیرازی‌ها با تاریخ، تمدن، هنر و هویت دور و دراز باشکوه شان در تاریخ بود.

محدوده شهر شیراز

علی سامی^۱، محدوده شیراز را در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا پیروزی انقلاب اسلامی اینگونه توصیف می‌کند:

از سوی مغرب به دروازه باغشاه، سمت شرقی خیابان داریوش، کل‌مُشیر، دربند مشیر، باربند مشیر و دروازه کازرون.

از سوی جنوب به دروازه کازرون، کل شاهزاده قاسم، امامزاده ابراهیم، دروازه شاه‌داعی و خاتون.

از سمت مشرق به خاتون، دروازه قصابخانه، کل شیخ ابوذرعه و دروازه سعدی محدود می‌شده است.

به جز این محدوده که شهر را تشکیل می‌داد، همه اطراف و جوانب شیراز را زمین‌های زیر کشت دربر گرفته بود که در آن‌ها غلات، حبوبات و ... می‌کاشتند. به علاوه همه جا جوی‌های آب پاک و زلال به روی کشتزارها روان بود و همه این فضاها سبز و خرم، جایگاه گشت و گذار و تفریح مردم شهر به شمار می‌رفت. شیراز در طول این مدت، از سوی شمال تا دامنه کوه‌ها امتداد یافت و در برخی نقاط حتی بر روی کوه‌ها نیز خانه ساخته شد (از کفترک تا معالی آباد). هم‌چنین از سوی مغرب، از سمت منصورآباد، معالی آباد، کوه دراک و کارخانه سیمان تا چنار راهدار؛ از سوی جنوب از چنار راهدار، عادل آباد، قبله، سلطان آباد، شیخ علی چوپان تا فرودگاه جدید و از سوی مشرق هم از فرودگاه جدید تا دهکده روانی و کفترک خانه‌ها و کارخانه‌ها امتداد یافته است.

همه خانه‌ها، ادارات دولتی، بانک‌ها، مدارس و مساجد جدید، در این مدت احداث گردیده‌اند. خیابان زند در آن روزگار بیابانی بود که نخست در سال ۱۳۰۹ ش.، خیابان را

۱. علی سامی باستان‌شناس و تاریخ‌نگار شهر شیراز

عریض و طولی شد و در سال ۱۳۲۸ ش. به صورت بلوار درآمد. بیشتر خانه‌ها و بلوارها و خیابان‌کشی‌های شمال و غرب شهر در دو دهه چهارم و پنجم و تا این زمان که به واسطه افزایش بهای نفت، در وضع اقتصادی و مالی مردم بهبودی صورت گرفته، ساخته شده است. در شیراز میدین و بناهای دوره کریم خانی تا سال ۱۳۰۰ شمسی همچنان پابرجا بود. از این سال با امتداد خیابان زند، بخش‌های از ابنیه زمان زندیه خراب شدند و در فضای گسترده میدان توپخانه، ساخت و سازهای جدید آغاز گردید.

مهم‌ترین بناهای دوران پهلوی

از بناهای مهمی که در دوران پهلوی اول و دوم در شیراز ساخته شده اند می‌توان بناهای زیر را نام برد:

ساختمان دادگستری، بانک ملی شیراز، استانداری، دارایی، پست و تلگراف، سیلو، کتابخانه ملی، دبیرستان پسرانه شاهپور، دبیرستان پسرانه نمازی، دبیرستان دخترانه ناظمیه، عمارت ستاد ارتش، مراکز درمانی.

همچنین و از سال ۱۳۳۱ به بعد بیمارستان پانصد تخت‌خوابی (نمازی)، آب لوله کشی شرب شیراز، بیمارستان صد تخت‌خوابی (سعدی)، بیمارستان خلیلی، دانشکده پزشکی و ... ساخته شدند.

ارگ کریم خانی نیز در آن دوران پس از ساخت و سازه‌های یاد شده در اختیار شهربانی قرار گرفت تا از آن به عنوان زندان شهربانی استفاده شود.

تظاهرات مردم شیراز در میدان شهرداری، دی‌ماه ۱۳۵۷



شیراز دوران انقلاب اسلامی

شهید آیت الله سید عبدالحسین دستغیب (۱۳۶۰-۱۲۹۲) از مهم ترین شخصیت های انقلاب اسلامی در شیراز است. این عالم بزرگوار در دوران جوانی به دلیل فشارهای پهلوی اول بر روحانیت، به نجف اشرف مهاجرت نمود و پس از کسب درجه اجتهاد و همزمان با سقوط رضاخان به شیراز بازگشت. ایشان ابتدا در مسجد باقرخان که پدرش حجت الاسلام سید محمد تقی دستغیب در آن نماز می گذارد اقامه نماز می کرد، ولی پس از مدتی به دلیل کثرت نمازگزاران و کمبود فضا به فکر بازسازی و مرمت مسجد جامع عتیق افتاد و با احیای این مسجد تاریخی، پایگاه اصلی این شهید بزرگوار و یکی از مهم ترین مراکز انقلاب اسلامی در شیراز شکل گرفت. از دیگر اقدامات ارزشمند ایشان مرمت و احیای مدرسه تاریخی حکیم بود. شهید دستغیب جزو معدود کسانی است که در شیراز در جریان ۱۵ خرداد سال ۴۲ دستگیر و به تهران اعزام شد. با اوج گیری نهضت در سال ۵۶ فعالیت های انقلابی شهید دستغیب نیز اوج گرفت و با پیروزی انقلاب اسلامی، از سوی امام خمینی (ره) به عنوان امام جمعه شیراز برگزیده شد. ایشان سرانجام در تاریخ ۲۰ آذر سال ۶۰ در حالی که به قصد اقامه نماز جمعه از خانه خارج شده بود توسط یکی از عوامل منافقین به شهادت رسید. پیکر پاک این شهید بزرگوار در آرامگاه خاندان دستغیب در حرم حضرت سید میر محمد (ع) به خاک سپرده شد.

خانه و مقتل شهید دستغیب: خانه شهید دستغیب در محله اسحاق بیگ و در کوچه مسجد گنج (شمال مدرسه خان) واقع شده است. این خانه محل رفت و آمد انقلابیون شیراز در طول سال‌های نهضت بوده و در شامگاه ۱۵ خرداد ۴۲ مأموران رژیم شاه به این خانه حمله کردند و چون شهید دستغیب فرصت فرار یافت، پسرش حجت‌الاسلام سیدمحمدهاشم دستغیب را دستگیر کردند و پس از دو روز با دستگیری شهید دستغیب، هر دو را به تهران اعزام نمودند. بر دیواری که شهید دستغیب در مقابل آن به شهادت رسید نقاشی بزرگی از این شهید عزیز ترسیم شده است.

مسجد حبیب: در روز ۲۸ آبان ۵۷ به مناسبت عید غدیر در این مسجد مراسمی برپا شد و در حین سخنرانی آقای علی‌اکبر مکارم (رضوانی) که به دعوت آیت‌ا... کرامت‌ا... ملک حسینی، امام جماعت مسجد حضور به هم رسانده بود، مأموران رژیم با جمعیت حاضر در مسجد که به ۳ هزار نفر بالغ می‌شد درگیر شدند و پس از مدتی، درگیری چنان بالا گرفت که بالگرد و خودروهای ارتش مردم را به گلوله بستند و ۳ نفر از حضار به شهادت رسیدند و ۷ نفر زخمی شدند. همچنین ۳۰ فروند تانک نیز محل را محاصره کرده بود.

آیت‌ا... سیدمحمد ذوالانوار مشهور به امام (۱۳۷۳-۱۲۹۰) فرزند آیت‌ا... سیدآقا مقدس، از علمای بزرگ شیراز بود که تولیت حرم حضرت علی بن حمزه (ع) را بر عهده داشت. ایشان از جمله علمای فارس بود که پس از مبارزه امام خمینی (ره) با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، بیانیه‌ای در حمایت از مواضع امام امضا نمود. همچنین پس از دستگیری امام خمینی (ره) در ۱۵ خرداد ۴۲، آیت‌ا... ذوالانوار به همراه چند تن از علمای شیراز به تهران مهاجرت کرد و خواستار آزادی امام گردید. ایشان همچنین ریاست جامعه روحانیت شیراز را بر عهده داشت. پایگاه آیت‌ا... ذوالانوار و محل اقامه نماز ایشان در مسجد حضرت زینب (س) (واقع در کوچه سید ذوالفقار)، مسجد آقاباباخان و حرم حضرت علی بن حمزه (ع) بود. سرانجام در سال ۱۳۷۳ در حالی که ایشان مشغول اقامه نماز ظهر بود جان به جان آفرین تسلیم کرد و پس از تشییع مردمی در جوار ضریح حضرت علی بن حمزه به خاک سپرده شد.

آیت‌ا... سیداحمد پیشوا (۱۳۸۴-۱۳۱۱) از خاندان بحرالعلوم طباطبایی در کازرون دیده به جهان گشود. ایشان پس از گذراندن تحصیلات دینی در نجف اشرف به کازرون بازگشت و از بزرگان جامعه روحانیت کازرون گردید. با آغاز نهضت امام خمینی (ره) آیت‌ا... پیشوا مردم کازرون را با حضرت امام آشنا نمود. پس از واقعه ۱۵ خرداد ۴۲ و دستگیری امام خمینی (ره)، آیت‌ا... پیشوا به نمایندگی از علمای کازرون جهت

اعتراض به تهران سفر نمود. در سال ۴۳ پیرو تصویب مخفیانه کاپیتولاسیون، آیتا... پیشوا که از طریق یکی از خویشاوندش در مجلس از قضیه مطلع شده بود به عنوان اولین نفر خبر را به حضرت امام (ره) منتقل نمود که منجر به سخنرانی طوفانی امام علیه شاه و به تبع آن تبعید امام به ترکیه در ۱۳ آبان ۴۳ گردید. آیتا... پیشوا در سال ۴۸ به شیراز نقل مکان نمود و امام جماعت مسجد نو شد. ایشان با حضرت امام (ره) در سال‌های تبعید در ارتباط بود و هر از گاهی سخنرانی‌های انتقادی علیه رژیم مطرح می‌کرد. اما اوج نطق‌های انقلابی آیتا... پیشوا به مرداد ۵۷ بازمی‌گردد که پس از چند سخنرانی، نهایتاً به واقعه خونین ۵ رمضان در مسجد نو منجر شد. پس از پیروزی انقلاب، آیتا... پیشوا نخستین نماز جمعه شیراز را در مسجد نو اقامه نمود. پس از سال ۶۴ آیتا... پیشوا به بیت‌المهدی که از سال ۵۵ اقدام به احداث آن نموده بود نقل مکان کرد و تا پایان عمر در آن جا به اقامه نماز و تدریس پرداخت. وی سرانجام در روز ۲۳ بهمن ۸۴ دار فانی را وداع گفت و در بیت‌المهدی به خاک سپرده شد.

مسجد شمشیرگرها: در گذشته کوچه‌ای در محله درب مسجد به نام شمشیرگرها وجود داشت و مسجدی به همین نام در آن کوچه تأسیس شده بود. از سال ۴۲ تا ۵۱ آیتا... محیی‌الدین حائری شیرازی به دعوت گروه مبارزاتی مهندس رجبعلی طاهری به امامت این مسجد اشتغال داشت و تعداد زیادی از دانش‌آموزان و دانشجویان از جلسات ایشان که صبغه مذهبی و سیاسی داشت استفاده می‌کردند. همچنین آیتا... سیدعلی‌اصغر دستغیب نیز در این مسجد سخنرانی‌های سیاسی انجام می‌داد. اما با بازداشت اعضای گروه مهندس طاهری و آیتا... حائری شیرازی در سال ۵۱ مدتی فعالیت‌های مسجد دچار اختلال شد.

آیتا... محی‌الدین حائری شیرازی (۱۳۹۶-۱۳۱۵): از علمای بزرگ انقلابی در شیراز است. ایشان پس از گذراندن تحصیلات خود در قم به شیراز بازگشت و در مسجد شمشیرگرها به نماز و برگزاری جلسات معرفتی و سیاسی پرداخت. در سال ۴۶ با دختر آیتا... سیدنورالدین حسینی الهاشمی ازدواج کرد و در سال ۵۱ دستگیر شد و به زندان افتاد. ایشان بارها دستگیر و زندانی شد و پس از آخرین زندان که با شکنجه‌های بسیار همراه بود، به فومن تبعید شد و در خانه خواهر آیتا... العظمی بهجت مستقر گردید. با پیروزی انقلاب اسلامی، آیتا... حائری شیرازی به عنوان نماینده اولین مجلس شورای اسلامی از شیراز انتخاب شد. با شهادت آیتا... دستغیب در سال ۶۰، ایشان از طرف امام به امامت جمعه شیراز انتخاب گردید و تا سال ۸۷ این سمت را بر عهده داشت. این عالم بزرگوار سرانجام در ۲۹ آذرماه ۹۶

دار فانی را وداع گفت و در حرم حضرت معصومه (س) به خاک سپرده شد.

مسجد جامع شهدا (نو): در ۱۶ خرداد ۴۲ مردم ابتدا در این مسجد تجمع نمودند و سپس به سمت سه راه احمدی به حرکت درآمدند و حوادث آن روز تاریخی را رقم زدند. همچنین در چند روز آغازین ماه رمضان سال ۵۷ نمازگزاران این مسجد پس از سخنرانی‌های آیتا... پیشوا به بیرون از مسجد می‌آمدند و با مأموران شاه درگیر می‌شدند، تا این که در روز ۵ رمضان، حدود ۸۰۰۰ نفر از نمازگزاران این مسجد به سمت فلکه احمدی و شاهچراغ تظاهرات کردند که با سرکوب شدید مأموران مواجه شدند و ۳ تن از مردم در این حادثه به شهادت رسیدند و پس از این واقعه مسجد نو به مسجد شهدا مسمی گردید.

میدان امام حسین (ع): میدان امام حسین (ع) به دلیل قرار گرفتن در مجاورت ستاد ارتش به فلکه ستاد شهره بود. این میدان محل تجمع و گذر راهپیمایان در ماه‌های پایانی انقلاب بود و در روز ۲۱ دی ۵۷، ۳ روز پس از پایان حکومت نظامی در شیراز، مردم با فتح برخی مراکز حکومتی از جمله ساواک، مجسمه شاه را که در وسط این میدان بود پایین کشیدند.

میدان شهدا: فلکه شهرداری از اماکن مهم در اجتماعات و تظاهرات سال ۵۷ از جمله روز عاشورا محسوب می‌شود و معمولاً محل خواندن اعلامیه‌ها و قطعنامه‌های پایانی راهپیمایی‌ها بوده است. این میدان به دلیل درگیری روز ۲۲ بهمن ۵۷ میان مأموران شهربانی و مردم و شهادت بیش از ۵۰ نفر از مردم در محدوده میدان، به میدان شهدا تبدیل شد.

خیابان پیروزی: مردم در ۲۲ بهمن ۵۷ در کوچه‌های خیابان نمازی سنگر گرفتند و به نیروهای شهربانی مستقر در ارگ تیراندازی می‌کردند و بسیاری از شهدای روز آخر انقلاب در این خیابان به شهادت رسیدند و از آن جایی که وقایع این خیابان منتهی به پیروزی انقلاب شد، خیابان نمازی را به خیابان پیروزی تغییر نام دادند. همچنین نام خیابان شاپور در سمت شرق ارگ کریم خان به یاد این روز تاریخی به خیابان ۲۲ بهمن تغییر یافت.

ارگ کریم خان: به دلیل قرار گرفتن ساختمان شهربانی در مجاورت ارگ کریم‌خانی، در روز ۲۲ بهمن ۵۷ مردم پس از تسخیر کلانتری‌ها و دستیابی به اسلحه، به سمت آخرین سنگر نیروهای شاه یعنی شهربانی هجوم آوردند و پس از جنگی طولانی میان مردم و مأموران شهربانی که روی پشت بام ساختمان شهربانی و در ارگ کریم‌خان سنگر گرفته بودند، بالاخره در ساعت ۴ عصر شیراز به طور کامل آزاد شد.

بافت تاریخی
شهر شیراز
ومحلات آن



بافت تاریخی شهر شیراز



بافت تاریخی شیراز و محلات آن^۱

برای بحث در مورد محلات شهر شیراز در ازمنه قبل تا به امروز می بایست منظور داشت که در هر کدام از دوران ها، نوع نامگذاری محلات، گذرها و میادین و دروازه ها و کوچه ها به گونه خاص خودش بوده است. همانطوری که در تمامی این دوران نوع معماری و مصالح به کار رفته در ساختمانها، مدارس، حمام ها، مساجد، کوچه ها و به طور کلی هویت شهری متفاوت بوده است. اما با همه این تفاوت ها از زمانی که شیراز دارای کوچه های باریک و پرپیچ و خم از طرفی و برج و بارو از طرف دیگر بوده، از یک شیوه معماری سنتی درون گرا برخوردار بوده که تا به حال که دارای معماری متأثر از غرب و تراکم ساختمانی و باغ شهرها و ... شده یک چیز را نمی توان دور از نظر داشت و آن فرهنگ ایرانی است که در تمام جوارح و شریانهای این شهر جاری و ساری بوده است.

در دوران پیش از پهلوی بنا به حکم ضرورت و ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی معماری شهری را به سمت و سویی سوق می داد که می بایست خانه ها از ضریب امنیتی بالایی برخوردار باشند و به آسانی به همه چیز از جمله آمد و شد

۱. منبع اصلی اطلاعات این بخش برگرفته از کتاب خیابان های شیراز (۱۳۵۷-۱۳۰۵) تألیف علی اکبر دهقانی می باشد که توسط انتشارات فرهنگ پارس در سال ۱۴۰۳ منتشر شده است.

از دروازه ای به دروازه دیگر یا استفاده از حمام های عمومی، مساجد، حسینیه ها و با بازارها دسترسی داشته باشند.

در سال ۱۱۸۰ هجری قمری که کریم خان زند شیراز را به عنوان پایتخت خود معین کرد تا زمان مرگ کریم خان زند یعنی ۱۱۹۳ هجری قمری (۱۳ سال) را به عنوان یکی از شکوهمندترین دوران های شهرسازی شیراز می توان نام برد. چرا که در همین مدت بسیار کوتاه زمانی بود که احداث مجموعه دیوانی، حکومتی، تجاری، مذهبی و ... توسط وی آغاز گردید و آن طوری که در گزارش سوم سازمان نظام مهندسی استان فارس آمده است:

«فضایی که کریم خان برای احداث بناهای خود برگزید، محل کاخ ها و باغ های دوران صفویه بود که طی این سال ها بر اثر حملات افغان ها و نادرشاه به ویرانه تبدیل شده بود. اندرون کوچک کریم خان در محل کاخ صفوی ساخته شد. باغ شاهی صفوی به باغ نظر تبدیل گشت و در قسمت دیگری از باغ های دوران صفوی، ارگ کریم خان و میدان توپخانه بنا شد. مسجد وکیل در مکان مسجدشاه ساخته شد. پیشینه تاریخی این مسجد به پیش از دوران صفویه می رسد و تاریخ نویسان مکان مسجد جنازه را در همین حوالی حدس می زنند».

قسمت دیگری از بناهای کریم خانی که شامل بازار و کاروانسراهای آن بوده است که در محل خانقاه و قبرستان شیخ ابوعبدالله خفیف (شیخ کبیر) ساخته شد. در عهد کریم خان بهترین و زیباترین قسمت شهر، محوطه ای بوده است که بناهای مجموعه کریم خان در آن برپا شده بود. این ناحیه در قسمت شمال شهر قرار داشته و شامل قسمتی از محلات درب شاهزاده و میدان شاه می شده است. به این شکل که پس از ورود به شهر، از دروازه اصفهان وارد بازار وکیل می شدند، در طرف غرب این بازار میدان وسیعی قرار داشت که قسمت شرقی آن را میدان نقاره خانه می نامیدند و در زیر نقاره خانه، یکی از دو آب انبار مشهور وکیل احداث شده بود. در طرف غرب نقاره خانه، عمارت دیوان خانه ساخته شده بود که کریم خان اغلب در آن جابر تخت می نشست و به کارهای مملکت رسیدگی می کرد. در طرف غرب میدان، عمارت عظیم ارگ و خندق اطراف آن وجود داشت. در قسمت جنوبی میدان، باغ نوبنیاد کریم خان، موسوم به باغ نظر و عمارت کلاه فرنگی آن احداث شده بود. کمی دورتر به سمت شرق، بین بازار و باغ مقابل میدان نقاره خانه، مسجد وکیل به صورت نیمه تمام قرار داشت و در طرف غرب این مسجد به فاصله یک کوچه حمام و آب انبار وکیل ساخته شده بود. در طرف قبله مسجد وکیل قسمت های اصلی مدرسه ای را بنیاد نهاده بودند که هنگام مرگ کریم خان هنوز به اتمام نرسیده

بود در جنوب باغ به فاصله یک کوچه حرمسرای کریم‌خان ساخته شده بود که آن را اندرون کوچک می نامیدند. در سمت شمال غرب اندرون کوچک چند خانه بزرگ احداث شده بود که متعلق به برادران و فرزندان کریم‌خان بود. در سمت غرب باغ نظر، اصطبل و زندان کریم خان قرار داشت.

محلات، جزیی از پیکره شهر را تشکیل می دادند که در تعامل با هم بوده و به لحاظ دارا بودن مختصات خاص خودشان یعنی بازارچه، حمام، مسجد، قبرستان، مدرسه و دیگر تاسیسات اجتماعی از نام به خصوصی برخوردار بوده که این اسامی می توانسته نام افراد شاخص محله، کلاتران محله و یا به سبب موقعیت اجتماعی یا موقعیت اقتصادی و یا موقعیت های تاریخی و جغرافیایی نامگذاری شوند از آن جمله اند:

محله سنگ سیاه	تاریخی
محله بازار مرغ	اقتصادی
محله لب آب	جغرافیایی
محله اسحاق بیگ	افراد
محله کلیمیان	مذهبی

در اینجا ضروری به نظر می رسد که جهت اشراف بر روی محلات که قبل از دوره پهلوی (دوره قاجاریه و قبل از آن) وجود داشته اند توضیحاتی به اختصار ارائه گردد. هر چند در هریک از این محلات آثاری همچون کاروانسرا، باغ، مسجد، آرامگاه، بازار و ... وجود دارد. چنانکه در کتاب «هویت شهری شیراز» در تائید این مطلب چنین می خوانیم:

«بیشتر کارهای عمرانی و فرهنگی انجام شده در عصر قاجار به دست ثروتمندان محلی و با هزینه آنان صورت می گرفت. برخی از این ثروتمندان در آبادانی محله خود کوشیدند و برای رفع نیاز مردم به ساختن مسجد، حسینیه، حمام، آب انبار و بازارچه در محلات همت گماشتند و در کنار این ها چنان که گفته شد تجارت خانه و کاروانسرا هم ساختند. مسجد نصیرالملک، مسجد مشیر، مسجد حاج باقر تاجر شیرازی، مسجد حاج میرزا محمد تاجر شیرازی، مسجد آقا باباخان، مدرسه و حسینیه حاجی قوام، مدرسه سید علاء الدین حسین و بناهایی از این دست به همت برخی از متمولان ساخته و یا تعمیر شد. بعضی از این افراد باغ های بزرگ و خانه های پرشکوهی نیز در بیرون بافت تاریخی و خارج شهر ساختند که از جمله مشهورترین آنها می توان به باغ ارم، باغ گلشن (عقیق آباد)، باغ منشی باشی و باغ نو مشیری اشاره کرد.

یکی از مهمترین ویژگی های شهر شیراز ساختار منظم شهری در عهد قاجار است

که آن را از سایر شهرهای بزرگ کشور متمایز و متفاوت می سازد. این نظم شهری را می توان در نقشه تفصیلی شهر شیراز که در سال ۱۸۵۰ میلادی (۱۲۲۹ هجری شمسی) توسط سروان پرسکوریاف (که از سپاه نقشه برداری روس بود) تهیه شده را مشاهده نمود. این نقشه نشان می دهد که شیراز در آن زمان به وسیله باروهای دفاعی محصور و دارای شش دروازه بوده که راه های کاروان رو بدانها منتهی می شده است. همچنین در عهد قاجار شهر دارای یازده محله شهری بوده که به وسیله شبکه معابر از یکدیگر جدا می شده اند و مجموعاً بافت مرکزی شهر را دربرمی گرفته اند. مرکز شهر شیراز که از دو عنصر متمایز شامل مجموعه بناهای ارگ و محله های مسکونی تشکیل می شد، به صورت گسترده و موزونی در تمامی جهات توسعه یافته بود. مرکز شهر از نظام سلسله مراتبی برخوردار بوده و شبکه های اصلی هر کدام دارای حوزه نفوذ خاص خود بوده اند و محلات مسکونی را پوشش می دادند. براساس نقشه تهیه شده در ترکیب طراحی مرکز تاریخی شهر، ورودی ها و مسیر بناهای رسمی با خطوط شبکه های اصلی شهر منطبق بود»

حال اگر از مجموع محلات شیراز، محله کلیمیان را خارج نمائیم که البته بعداً به بررسی آنها خواهیم پرداخت، با ده محله روبه رو می شویم که در حقیقت به دو دسته پنجگانه «حیدری و نعمتی» تقسیم می شدند که این محلات یعنی حیدری ها و نعمتی ها منحصر به شهر شیراز نبوده و در اکثر شهرهای بزرگ ایران وجود داشته اند و آنچه مسلم است اختلاف و منازعات بین این دو دسته از زمان صفویه رواج بیشتری پیدا نموده تا بدانجا که رقابت و نزاع مستمر و شدید این گروه ها نزاع را به اوج خود می رساندند. پهلوانان و اعضاء زورخانه های هر محله به خیابان ها می ریختند و اوضاع شهر را به سختی آشفته می کردند. محلات نعمتی در غرب شهر به محلاتی اطلاق می شد که ساکنان خود را منسوب به شاه نعمت... ولی (وفات ۸۳۴ ه.ق) شاعر و عارف مشهور که سلطان دراویش ایران لقب گرفته بود می پنداشتند و این محلات (پنج محله) که به نعمتی خانه موسومند عبارتند از:

سرباغ، سنگ سیاه، درب مسجد، لب آب و سردرک

و محلات حیدری (در شرق شهر) به محلاتی اطلاق می شد که ساکنین خودشان را منسوب به شخصی به نام شیخ حیدر پدر شاه اسماعیل صفوی می دانند و این محلات پنجگانه به نام حیدری خانه موسومند که عبارتند از:

اسحاق بیگ، درب شاهزاده، بالاکفد (بالاکفت)، میدان شاه و بازار مرغ

و محله کلیمیان جزو محلات بی طرف بوده و کاری به منازعات و درگیری های بین حیدری ها و نعمتی ها نداشته است. اما برای اینکه بیشتر در جریان موقعیت این

محلات قرار بگیریم بهتر است توضیحاتی به اختصار در مورد آنها داشته باشیم:

محله بازار مرغ

این محله متشکل از دو محله شاهچراغ (ع) و محله بازار مرغ بوده است. در گذر زمان قسمتی از این محله جزء محله شاهچراغ (ع) بود و قسمتی از بازار مرغ فروشان و پرنده فروشان و خانه های اطراف آن را محله بازار مرغ می گفتند. این محله تقریباً در مرکز شهر کهنه قرار گرفته و بقاع متبرکه شاهچراغ (ع)، سیدمیر محمد (ع) و مسجد جامع عتیق را در دل خود جای داده است. بازار مرغ، بازاری در حدود یک کیلومتر بود که سقف آن پوشیده و کف آن گود و نور آن بسیار کم و تاریک بوده است. این محله به محله اسحاق بیگ و محله درب شاهزاده و محله لب آب و میدان شاه و محله سردزک و نیز محله درب مسجد و کلیمیان محدود بوده است

محله سنگ سیاه

از زمان کریم خان زند که محلات را کمتر و کوچکتر و حصار شهر را تنگ تر کردند، محله دروازه کازرون که خود محله ای جداگانه بود ضمیمه این محل شد و روی هم رفته به هر دو محله «سنگ سیاه» می گفتند. نام این محله از نام دانشمند بزرگ «عمرو بن عثمان»، ابوالبشر معروف به «سیبویه» (متوفی سال ۱۸۰ یا ۱۹۴ ه.ق) گرفته شده است. قبر این نحوی بزرگ در این محله و در یک حجره کوچک و متروک و به وضعی نامطلوب قرار گرفته بود و بر روی قبر وی سنگی سیاه قرار داشت که به مرور محله به نام «سنگ سیاه» مشهور شده است. این محله به محلات میدان شاه، سرباغ، سردزک و باروی مغربی شهر محدود بوده است. از بقاع و ابنیه قدیمی در این محله بقعه معروف به سید حاجی غریب (سید تاج الدین غریب) و مسجد سیاوشان و مسجد علی داد و حسینییه کردها و قبر سیبویه و مسجد و حسینییه مشیر است.

محله درب مسجد

این محله به نام درب مسجد نو معروف بوده است. نام این محله به سبب مسجد بزرگ و کهنی است که در این محل قرار دارد. این بنا از ساختمان های دوران اتابکان است و چون نسبت به مسجد عتیق، جدیدتر بوده به مسجد نو معروف شده است. از بناهای شاخص این محله، می توان به مسجد نو و مسجد فتح اشاره نمود. این محله به محلات سرباغ، کلیمیان، میدان شاه و بازار مرغ محدود بوده است.

محله لب آب

در گذشته قسمت عمده آب های قنات ها که از ناحیه ییلاقی قصرالدشت وارد شهر می شده از وسط این محله گذر کرده و باغات متعددی را که در محله کناری (بالاکفت) قرار داشته آبیاری نموده و چون خانه های این محله در کنار و لب جویهای آب ساخته شده بود از این جهت به نام محله «لب آب» معروف گردید. در ایام قدیم بخش بزرگ این محله به محله سراجان و بخش دیگر آن به محله دشتک مشهور بود ولی کریم خان زند تمام آنها را یک کاسه کرده و آن را به همان لب آب خواندند. محله لب آب از سوی جنوب به باروی شهر و دروازه درب سلم و از طرف شمال و شمال غربی به ترتیب به محلات بالاکفد و اسحق بیگ و سردزک محدود می شود. از آثار قدیمه در این محله بقعه علمدار و مدرسه منصوریه و مساجد قدیمی دیگری مانند مسجد آقار و مسجد آتشی ها است. بقعه امامزاده ابراهیم و مدرسه دارالشفاء که در زمان شاه شجاع محل تدریس میرسیدشریف جرجانی بوده و بعدها به صورت مدفن آن دانشمند درآمد، در همین محل قرار دارد. محلی که اکنون مسجد و بقعه علمدار در آن واقع شده سابقاً راسته ای بوده است به نام محله پالانگران و علمداران از سرداران اعراب مسلمان است که نام اصلی او شیخ ابوسعید محمدبن هیثم بوده است.

محله سردزک

وقتی که کریم خان زند حصار شیراز را کوچکتر کرد و محلات را درهم ادغام نمود محله سردزک و محله دشتک به صورت یک محله درآمد که هر دو سردزک نامیده شدند، چون سابقاً در این محل دژ کوچک باستانی ای قرار داشته به همین منظور این نام بر این محله مانده است.

از اراضی دشتک در زمان آق قویونلوها ده هزار ذرع زمین خریدند و مدرسه منصوریه که مخصوص تعلیم طلاب علوم دینی بود ایجاد گردید و قسمتی از محله دشتک که منصوریه هم جزء آن بود ضمیمه محل لب آب شد و اکنون هم مدرسه منصوریه جزء محله لب آب است. این محله به محلات بازار مرغ، سنگ سیاه، سرباغ، لب آب و حصار جنوبی شهر محدود بوده است و از ابنیه قدیمی واقع در این محله مسجد حاج باقر و مسجد بغدادی است.

محله اسحاق بیگ

نام این محله از نام شاه شیخ جمال الدین ابواسحاق اینجو پسر محمودشاه اینجو

گرفته شده است. این امیر، با لیاقت و قابلیت‌هایی که داشت بر مدعیان حکومت فائق آمد و خود، حکومت فارس را به دست گرفت و تا سال ۷۵۴ ه. ق شیراز را اداره کرد. مردم شیراز به پاس دادگری و اهمیت وی نسبت به آبادی شیراز نام او را بر این محله گذاشتند.

بخشی از این محله را محله بیات تشکیل می‌داده که ترک زبان بوده و همراه ایل قشقایی از دشت قیقچاق به ایران آمده‌اند. از بناهای شاخص محله اسحاق بیگ می‌توان به مدرسه خان، مسجد نصیرالملک و مسجد حاج میرزا کریم صراف اشاره نمود. در قدیم این محله به محله درب شاهزاده و محله لب آب و محله بالاگفت (بالاکفت) و محله بازار مرغ محدود بوده است.

محله درب شاهزاده

نام این محله از نام شاهزاده منصور گرفته شده و هنوز هم مقبره شاهزاده منصور در همین محله است. این محله در اوایل به محله درب اصطخر و درب شیخ کبیر (شیخ ابوعبدالله محمدبن خفیف شیرازی) معروف بوده و بعدها قسمت شرقی آن به محله شیادان شهرت یافت. تذکره نویسان محل سکونت خواجه حافظ را در محله شیادان نوشته‌اند. قسمت غربی محله درب شاهزاده، محله موردستان نام دارد. در زمان کریم‌خان زند هر دو محله شیادان و محله موردستان در هم ادغام شده آن را درب شاهزاده نامیده‌اند.

محله درب شاهزاده محدود است به حصار شمالی شهر و محلات اسحق بیگ و بالاگفت و بازار مرغ و میدان شاه. بازار نو و بازار وکیل و عمارت دیوانخانه (عمارت پست و تلگراف) و ارگ کریم‌خانی و بقاع شاهزاده منصور و سید ذوالفقار در همین محله قرار دارد. محله موردستان که در سمت مغرب و شمال ارگ واقع شده در زمان کریم‌خانی به بزرگان خاندان زند که کریم خان آنها را به شیراز کوچانده بود اختصاص داده شد ولی در منازعات لطفعلی خان زند و آغامحمدخان قاجار، حاجی ابراهیم کلانتر از لطفعلی خان بریده و به خان قاجار پیوسته و شیراز را به تصرف درآورده بود. پس از اینکه آغامحمدخان شیراز را تصرف کرد خانه‌های افراد این محله نیز غارت و ویران شد. در زمان حکومت حسینعلی میرزا فرمانفرما فرزند فتحعلی شاه بر فارس جمعی از بزرگان بلوک نور مازندران برای اداره لشکر به شیراز اعزام شدند. اینان پس از ورود به شیراز این محله را مسکن خود قرار داده با احداث خانه و باغ و حمام به آبادی آن پرداختند. ارگ کریم‌خان، مسجد شکراله خان نوری، مسجد سپهسالار (امام خمینی)، خانه محتشم و باغ فتح آباد در این محله قرار دارد.

محلۀ بالاکفد (بالاکفت)

کفد یا کفت یا کت در زبان و لهجه مردم قدیم شیراز به قسمت های باغستانی و باغات بزرگ گفته می شده و این محلۀ شامل باغ های بزرگی مانند: باغ سالاری، باغ کلاتری، باغ دستغیب، باغ نو، باغ قتلغ و باغ های کوچکتری بوده است. چون مدفن حضرت سیدعلاءالدین حسین (ع) در این محلۀ قرار دارد، بنابراین بخشی از این محلۀ را محلۀ آستانه نیز گفته اند و هنوز هم به آن «درب آستانه» می گویند. بخش دیگر این محلۀ به دلیل وجود قبر شیخ روزبهان به محلۀ درب شیخ معروف است. از زمانی که پادشاه عصر، کریم خان زند، حصار شیراز را کوچک کرد محلۀ باغ نو و درب آستانه را درهم ادغام نمود و همه را «بالاکفد» نامید. بقعۀ سیدعلاءالدین حسین (ع) و بقعۀ شیخ روزبهان و مزار شیخ ابوذرعه اردبیلی و بناهای معروف به نارنجستان و حسینیۀ قوام و خانۀ زینت الملک در این محلۀ قرار دارد. محلۀ بالاکفت با محلات درب شاهزاده، اسحاق بیگ و لب آب همسایه است.

محلۀ میدان شاه

کریم خان زند در زمان فرمانروایی خود بر شیراز، ساختمان های وسیعی را در قسمت شمال شیراز احداث کرد که از جمله می توان به میدان بزرگی موسوم به میدان کریم خانی اشاره نمود که به مرور، این میدان تخریب شد و به جای آن ساختمان های امروزی بانک ملی، شهربانی، دبیرستان ابوذر (شاپورسابق) و بانک سپه احداث گردید.

قبل از ساختن این میدان بزرگ، میدانی در مجاورت آن نزدیک به دروازه باغشاه (چهارراه زند کنونی) ساخته شده بود که از بناهای معروف دوره صفوی بود و محل استقرار سپاه و زدن خیمه پادشاه و امرا و سپاهیان آن زمان بود و به این میدان، «میدان شاه» می گفتند. در مجاورت این میدان، خانه هایی تاسیس و ساخته شده بود که محلۀ ای را تشکیل می داد که به نام همان میدان شاه نامیده می شد. این محلۀ به محلۀ سنگ سیاه، درب شاهزاده و نیز محلات کلیمیان، بازار مرغ، سرباغ و درب مسجد محدود بوده است. باغ و مسجد ایلخانی و بقعۀ و حمام بی بی دختران در این محلۀ قرار دارد.

محلۀ سرباغ

این محلۀ چنان که از نام آن مشهود است محلۀ ای بوده که در مجاورت باغ بزرگ عضدی قرار داشته است. این باغ به دستور عضد الدوله دیلمی ساخته شده بود

که در نوع خود بی نظیر بوده، در کنار این باغ، خانه‌هایی ساخته شد و محله سرباغ به وجود آمد ولی بعداً و در طول زمان، این باغ از رونق افتاد و به صورت اراضی محدودتری تقسیم شد و هم‌اکنون اثری از آن باغ برج‌ان نیست و به جای آن ساختمان‌هایی را پدید آورده‌اند. این محله در زمان قدیم به محله سنگ سیاه، محله درب مسجد، محله سردزک و محله میدان شاه محدود بوده است. در منتهی‌الیه این محله قسمتی که حد فاصل این محله و سنگ سیاه است گذر کوچکی است که آن را محله ارمنی‌ها می‌گویند. در محله ارمنی‌ها کلیسای کوچکی متعلق به این قوم وجود دارد که قدمت آن به دوره صفویه می‌رسد.

محله کلیمیان

این محله بین محله میدان شاه، محله بازار مرغ و محله درب مسجد قرار داشت و اکثر کلیمی‌ها در آن زمان به کارهای طلاسازی و طلافروشی اشتغال داشتند و بازار زرگرها که منشعب از بازار مرغ بود از میان محله کلیمی‌ها می‌گذشت که هنوز بازار زرگرها باقی مانده و اکثر ساکنان آن کلیمی‌ها هستند. در این محله مکان‌هایی مانند حمام، مکتب خانه، بازار و مسجد مخصوص کلیمی‌ها (کنیسه) وجود داشته است. مرکز این محله همان مسجد مخصوص کلیمی‌ها بوده است.

فصل سوم

محمد کریم خرمایی

گردشگری و زیارت در
شهر شیراز





فارس شیرازه فرهنگ و تمدن ایران زمین

استان فارس یکی از استان‌های جنوبی کشور است که با مساحتی در حدود ۱۳۳ هزار کیلومتر مربع وسعت، تقریباً ۸/۱ درصد مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد. این استان با جمعیتی بالغ بر ۵ میلیون نفر، چهارمین استان پرجمعیت ایران به‌شمار می‌رود (براساس مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۰) و بر اساس تقسیمات کشوری دارای ۳۷ شهرستان می‌باشد و از شمال به استانهای اصفهان و یزد، از غرب به استانهای بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد، از جنوب به استان هرمزگان و از شرق به استان کرمان محدود می‌شود.

فارس در طول تاریخ، همواره یکی از مراکز شکوفایی و گسترش تمدن پارسی در جهان بوده است. پیش از اسلام، دو پادشاه بزرگ ایرانی به نام‌های کورش و اردشیر بابکان، از این ناحیه برخاستند و به ترتیب سلسله‌های بزرگ هخامنشی به پایتختی پاسارگاد و ساسانی به پایتختی فیروزآباد را پدید آوردند. پس از اسلام نیز مرکز سلسله‌های دیلمیان (آل بویه)، اتابکان (سلغریان)، آل اینجو و آل مظفر و زندیه بوده و در دوران قاجار هم یکی از مراکز مهم حکومتی بوده است. این استان در طی قرن‌ها بین سلسله‌های بسیاری دست به دست شده که آثار باستانی و تاریخی فراوانی از دوران آنها بر جای مانده است. هریک از این آثار امروزه میراثی جهانی و ارزشمند به شمار می‌روند که بازگو کننده تاریخ بخشی از ایران زمین و خاورمیانه هستند.

از میان آثار با ارزش فراوانی که در این منطقه وجود دارد، ۵ اثر به ثبت جهانی رسیده که از این رو استان فارس را به یکی از قطب های مهم تاریخی و گردشگری کشور تبدیل کرده است. آثاری چون مجموعه جهانی تخت جمشید، مجموعه میراث جهانی پاسارگاد، باغ جهانی ارم، منظر ساسانی فارس شامل: آتشکده یا کاخ اردشیر، شهر گور و قلعه دختر (در شهرستان فیروز آباد)، کاخ ساسانی (در شهرستان سروسن)، شهر تاریخی بیشاپور، غار و مجسمه شاپور و تنگ چوگان (در شهرستان کازرون) و کاروانسرای ایزدخواست (صفوی) از مجموعه کاروانسراهایی که در کشور در فهرست جهانی یونسکو ثبت شده اند و همچنین چند اثر دیگر از جمله مجموعه زندیه شیراز (شامل ارگ، حمام، بازار و ...) نیز در نوبت ثبت جهانی هستند. این استان از حیث ثبت آثار جهانی در کشور مقام اول را به خود اختصاص داده است. فارس با دارا بودن بیش از ۳۰ درصد از آثار باستانی و ثبت بیش از ۳۱۰۰ اثر ملی، نخستین استان از نظر تعداد و ثبت آثار ملی در کشور است. بنای تاریخی تخت جمشید و آرامگاه های سعدی و حافظ، سه شاخص مهم تمدن فارسی می باشند که باعث اعتبار و افتخار استان فارس در سطح جهانی شده اند و هر ساله بیشترین بازدیدکننده را در کشور به خود اختصاص داده اند.

گردشگری، نخستین و پُردرآمدترین صنعت در فارس به شمار می رود؛ به طوری که سالانه چندین میلیون نفر از این استان دیدن می کنند. اما صنعت نیز در فارس از جایگاهی مطلوب برخوردار بوده و رو به رشد می باشد.

استان فارس یکی از مراکز مهم کوچ نشینی کشور به شمار می رود. کوچ نشینان ساکن در این استان، به طور کلی حدود ۳۰ درصد جمعیت کوچ نشینان کشور را تشکیل می دهند که این خود یک پتانسیل در صنعت گردشگری می باشد.

فارس یکی از حاصلخیزترین استان های ایران از نظر کشاورزی محسوب می شود. این استان در تولید گندم، انار و مرکبات، مقام اول تا سوم کشور را به خود اختصاص داده است و در تولید انجیر و صادرات آن نیز در سطح جهان، دارای مقام اول می باشد. این استان به دلیل داشتن آب و هوای متنوع، سرزمینی پهناور و منابع آبی مناسب، از گذشته دارای اهمیت ویژه ای بوده؛ به طوری که آن را ایران کوچک نامیده اند.

شیراز خال رخ هفت کشور

شیراز یکی از شهرهای مهم ایران از لحاظ تاریخی است که قدمت آن بر اساس بسیاری از متون تاریخی به دوران هخامنشی می‌رسد. اما در پی کند و کاوهایی که در یکی از تپه‌های جنوب شیراز (تپه پوستچی) در چند سال گذشته انجام گرفته است، مقداری سفال شکسته مربوط به هزاره‌های سوم پیش از تاریخ به دست آمده که این نشانگر مجد و عظمت شیراز در دوره‌های پیش از تاریخ و اسلام بوده است. بر اساس این یافته‌ها باستان شناسان معتقدند شیراز بیش از ۷۰۰۰ سال پیشینگی دارد. این شهر از دوران باستان تاکنون پیوسته وارث فرهنگ و تمدن ایران و زادگاه بسیاری از بزرگان دین، دانش، هنر، حکمت و عرفان بوده و در طی چند دهه اخیر، توسعه و گسترش قابل توجهی یافته و به یکی از شهرهای مهم و زیبای ایران تبدیل شده است.

امروزه نام شیراز از یک مرز جغرافیایی فراتر رفته و در سطح ایران و جهان، به عنوان یک قطب در بیشتر عرصه‌ها مطرح شده است. پزشکی، گردشگری و ادبیات از جمله بارزترین وجهه‌های شهر شیراز هستند.

شهر شیراز دارای آب و هوای معتدل و کوهستانی می‌باشد و در حال حاضر با بیش از ۱/۹۰۰/۰۰۰ نفر جمعیت (چهارمین کلانشهر کشور براساس آمار سال ۱۴۰۰) به عنوان پایتخت فرهنگی و سومین شهر مذهبی ایران، شناخته می‌شود.

هر ساله جشنواره های ملی و بین المللی زیادی در شهر شیراز برگزار می شوند که عبارتند از جشنواره بزرگداشت روز شیراز که ۱۵ اردیبهشت می باشد و در تقویم نیز نامگذاری شده است و گاهی این جشنواره تا پایان ماه نیز ادامه دارد. هدف از برپایی این مراسم آشنایی گردشگران با فرهنگ، تاریخ، هنر، آداب و رسوم و آئین های شهر تاریخی شیراز است.

- ۲۰ مهر ماه گرامی داشت یاد روز حافظ شیرازی است که هر ساله برنامه های زیادی بصورت بین المللی در آرامگاه این شاعر بنام برگزار می شود. لحظه تحویل سال نو نیز مسافران و شیرازی های زیادی در این آرامگاه گردهم می آیند و شروع سال جدید را جشن می گیرند.

- اول اردیبهشت ماه هر سال گرامی داشت یاد روز سعدی شیرازی این شاعر پر آوازه جهانی است که بصورت بین المللی در شهر شیراز برگزار می گردد.

- ۶ ذی القعدة روز گرامی داشت حضرت شاهچراغ (ع) برادر گرامی امام رضا (ع) می باشد که در تقویم جلالی نیز به ثبت رسیده و هر ساله در این روز برنامه های متنوعی به صورت ملی برگزار می گردد.

- شیراز به دلیل وجود بقاع متبرکه و آرامگاه های متعدد امامزادگان صحیح النسب و واجب التکریم، به عنوان سومین حرم اهل بیت علیهم السلام در ایران محسوب می گردد.

- شیراز با ۸ شهر جهان دارای پیوند خواهر خواندگی می باشد: دوشنبه (تاجیکستان)؛ نیکوزیا (قبرس)؛ چونگ کینگ (چین)؛ وایمار (آلمان)؛ مالاکا (مالزی)؛ شهرهای رامسر و خوی (ایران) و پیچ (مجارستان)

- شهر شیراز یکی از قطب های پزشکی کشور به ویژه در زمینه پیوند اعضا به شمار می رود.

- شیراز پس از تهران، در زمینه چاپ نشریات محلی، دارای مقام دوم می باشد و این امر نشان دهنده تنوع سلیقه و فرهنگ مردم به مطالعه نشریات است.

- در زمینه طرح توسعه و پیشرفت سریع، شهر شیراز را می توان بهار فرصت های سرمایه گذاری خواند؛ به طوری که هر ساله بسیاری از پروژه های سرمایه گذاری در این شهر زیبا به مرحله اجرا در می آید.

- شیراز از گذشته تا حال به شهر گل و بلبل معروف بوده و گواه آن نیز، وجود باغ های زیبا و سرسبز همراه با صدای دل انگیز پرندگان در این شهر می باشد.

- در لابه لای متون فارسی و تاریخی نیز شیراز را به نام های مختلفی همچون دارالعلم، شهر هزار مزار، برج اولیا، شهر عرفان، شهر شاعران، دیار عاشقان، شهر گل و بلبل،

مدفن سعدی، تربت حافظ، مهد عشق، شهر نیک مردان، شهر راز، ملک سلیمان،
خال رخ هفت کشور و... خوانده اند.

- محیط مساعد شیراز در ادوار گوناگون، دانشمندان، سخنوران و نویسندگانی بزرگ
همچون سعدی، حافظ، ملاصدرا، میرزای شیرازی و... را در دامن خود پرورانده است.



آرامگاه حافظ، شاعر پرآوازه ایران

شعر شهر شیراز، شهر شاعران

شیراز از جمله شهرهای معروفی است که به خاطر شعرای بزرگی چون حافظ و سعدی و... که در این شهر زیستند، از شهرهای مهم ادبی محسوب می گردد. این شهر در قرن های هفتم و هشتم هجری شاعرانی را در خود پرورانده که اشعار و حکایت هایشان مورد توجه خاص و عام بوده و دوستداران آنها جهان را در بر گرفته و به عبارتی آرامگاهشان زیارتگه رندان جهان شده است. چند سالی است که خواسته مردم شیراز، فعالان حوزه ادبیات و گردشگری ادبی این است که شهر شیراز به عنوان شهر خلاق گردشگری ادبی ثبت گردد که نیازمند یک عزم ملی می باشد. در ادامه به معرفی آرامگاه های برخی از شاعران و عارفان شهر شیراز می پردازیم.

آرامگاه حافظ

خواجه شمس الدین محمد، متخلص به حافظ و ملقب به لسان الغیب شاعر و غزلسرای نامدار ایرانی می باشد که در سال ۷۲۶ ه. ق در شیراز به دنیا آمد و در همین شهر نیز به کسب علم و دانش مشغول گردید. حافظ از شاعران بنام و پر آوازه ای است که با گذشت قرن ها از مرگ وی هنوز دیوان او به زبان های مختلف در سراسر جهان چاپ می گردد. دیوان او متجاوز از شش هزار بیت است که شامل قصیده، غزل، رباعی و قطعه می باشد و عمده شاهکار حافظ غزلیات اوست. این

شاعر نامدار در سال ۷۹۱ ه. ق چشم از جهان فرو بست و او را در گورستان مصلی شیراز به خاک سپردند.

پس از به خاک سپردن حافظ در مصلی تا مدتی قبر او بدون ساختمان بود. ۶۵ سال پس از آن بر فراز قبر حافظ ساختمانی گنبدی شکل و جلو آن نیز حوض بزرگی ساخته شد. این بنا در زمان سلطنت شاه عباس تعمیر گردید. در دوره کریمخان زند او ساختمانی اساسی بر روی آرامگاه ساخت و سنگ قبری بر روی مزار نصب کرد که هنوز هم باقی مانده است. اما ساختمان کنونی حافظیه در سال ۱۳۱۷ شمسی به کوشش علی اصغر حکمت و آندره گدار معمار و باستان شناس فرانسوی طرح و نقشه آن تهیه و به مرحله اجرا در آمد. از آن پس تا کنون نیز بارها تعمیراتی در آن صورت گرفته است. ۲۰ مهر به عنوان یادروز حافظ نیز بهانه ای است برای گرامی داشت و گردهمایی ادیبان و دوستداران این شاعر شیرازی.

آرامگاه سعدی

شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی که یکی از ستارگان معروف آسمان ادب فارسی می باشد، در اوایل سده هفتم هجری قمری (۶۰۶ ه. ق) در شیراز در میان خاندانی که از عالمان دین بودند، متولد و در دوران کودکی توسط پدر تعلیم و تربیت شد. او مقدمات علوم ادبی و شرعی را در شیراز آموخت و برای تکمیل تحصیلات به بغداد رفت. سفر به آن شهر، سرآغاز جهانگردی و تجربت آموزی او شد، وی بعد از پایان دوران تحصیلاتش در بغداد، سفری طولانی را به هند، ترکستان، لبنان، روم، شام و حجاز آغاز کرد. از شهرهای مختلف و ملت های گوناگون از بغداد تا شمال آفریقا دیدن کرد و با طبقات مختلف مردم اختلاط نمود. این شاعر جهانگرد، بعد از سفرهای طولانی با کوله باری از تجربه به شیراز بازگشت و دو کتاب «بوستان» و «گلستان» را تدوین کرد. وی، بزرگترین شاعری است که پس از فردوسی در آسمان ادب فارسی درخشیده است و هنوز نیز می درخشد. او از معدود شاعرانی است که شهرت خود را در زمان حیات دید. سعدی این شاعر شیرین کلام، در سال ۶۹۰ ه. ق در خانقاه خود، واقع در محلی که اکنون آرامگاه او قرار دارد جان به جان آفرین تسلیم کرد. از زمان درگذشت وی تا به امروز آرامگاه او را افراد بسیاری تعمیر و بازسازی کرده اند. کریم خان زند در سال ۱۱۸۷ هجری قمری بنای ارزشمندی بر قبر او ساخت و سنگ مزاری را فراهم و بر آن نصب کرد. اما بنای کنونی آرامگاه در سال ۱۳۲۷ خورشیدی ساخته شده است. آرامگاه سعدی از دیرباز تاکنون زیارتگاه عارفان و دوستداران او می باشد. هر ساله، در روز اول اردیبهشت ماه مراسم باشکوهی در آرامگاه

او برپا می شود و این روز را با عنوان «یادروز سعدی» گرامی می دارند. مجسمه این سخن پرداز نامی نیز در میدان گلستان (در نزدیکی آرامگاه وی) قرار دارد.

آرامگاه خواجوی کرمانی

یکی از مکان های گردشگری در اطراف دروازه قرآن، آرامگاه خواجوی کرمانی شاعر بنام سده هشتم هجری قمری است. وی که در شعر به «خواجو» تخلص می کرده در سال ۶۸۹ هجری قمری در کرمان متولد شد، سپس در جوانی دیار کرمان را ترک و به شیراز آمد و در همین شهر هم (در سن ۶۴ سالگی) درگذشت و در این مکان (محل کنونی) به خاک سپرده شد. آرامگاه این شاعر بزرگ که در مجاورت دروازه قرآن قرار گرفته و توسط شهرداری شیراز بهسازی و زیباسازی شده است، یکی از گردشگاه های مهم و دیدنی شیراز است که هر روز گردشگران زیادی را برای گذراندن یک روز فوق العاده و در فضایی سرسبز و زیبا به آنجا می کشاند.

آرامگاه شاه شجاع

شاه شجاع یکی از بزرگترین پادشاهان آل مظفر در فارس به شمار می رود که علاوه بر شجاعت و سلحشوری، دانشمند، ادیب و ادب پرور نیز بوده است. حافظ، بیشتر دوران شاعری اش را در مصاحبت با این پادشاه گذرانده و در غزلهایش او را مدح گفته است. شاه شجاع در حدود ۳۳ سال بر فارس حکومت کرد و در اثر بیماری سختی در شیراز درگذشت و در همین شهر به خاک سپرده شد. آرامگاه وی که در بلوار هفت تنان، جنب پارک کوهپایه قرار دارد، دارای ۴ ستون مورب می باشد که گنبدی در بالای آن قرار گرفته است. سنگ قبر آرامگاه نیز از دوره زندیه بر جای مانده است.

آرامگاه سیبویه

آرامگاه ابوبشر عمروابن عثمان ابن قنبر مشهور به سیبویه، عالم معروف ایرانی در نحو زبان عربی و مؤلف کتاب مشهور «الکتاب» (نخستین و معتبرترین کتاب در نحو) کمی بعد از مسجد مشیرالملک قرار دارد. این آرامگاه به مناسبت دوازدهمین قرن درگذشت وی در سال ۱۳۳۶ شمسی توسط انجمن آثار ملی ساخته شده است. درباره واژه سیبویه تعبیرات مختلفی شده است. گروهی بر این باورند که این کلمه مرکب از «سیب» و «بوی» است که روی هم رفته بر بوی سیب دلالت دارد و برخی نوشته اند که این ترکیب، معرف کسی است که زیاد خوشبو بوده و از وی بوی خوش به مشام میرسیده است. گروهی هم ظرافت و لطافتی که سیبویه داشته را

دلیل لقب او می‌دانند. در حال حاضر نیز شهرداری شیراز اجرای طرح‌های مرمتی این مجموعه را در دست اقدام دارد.

آرامگاه روزبهان

آرامگاه شیخ روزبهان که از دانشمندان نامی و عارفان قرن ششم ه.ق می‌باشد در میان خیابان درب شیخ قرار دارد. شیخ ابومحمد روزبهان بن ابی نصر که در سال ۵۲۲ه.ق در شهر فسا متولد شده، یکی از دانشمندان نامی و عارف می‌باشد که در رشد و تکامل اندیشه والای بشری سهمی بسزا داشته است. شیخ روزبهان در عرفان و تصوف آنچنان مقام شامخی داشته که سعدی در شعری برای حفاظت از شهر شیراز، خدا را به او قسم داده است. شیخ روزبهان در سال ۶۰۶ه.ق در شیراز درگذشت و او را در خانقاه خود به خاک سپردند. در گذر زمان به تدریج این خانقاه و قبرستان اطراف آن از بین رفت و قسمت بسیار کوچکی از آن باقی ماند، تا اینکه در سال ۱۳۴۵ شمسی به سفارش انجمن آثار ملی، بر روی قبر شیخ و فرزندان او بنایی ساخته شد. آرامگاه وی به صورت دو طاق و طاق‌نمایی کوچکتر می‌باشد که در یکدیگر قرار دارند و زیر آن ۶ سنگ قبر در کنار هم وجود دارد که یکی از قبور متعلق به شیخ روزبهان و ۵ قبر دیگر مربوط به فرزندان و نوادگان او است.

آرامگاه عبدالله خفیف (شیخ کبیر)

ابوعبدالله شیخ محمد بن خفیف معروف به شیخ کبیر، از عرفای بزرگ و دارای کرامات بسیار بوده است. وی در محلی که اکنون مدفن اوست، خانقاهی داشته که به ارشاد و راهنمایی مردم می‌پرداخته است. علت شهرت او به خفیف، این است که دارای روح، غذا و دنیایی سبک بوده است. شیخ علاوه بر ریاضت و عبادت، در علم و دانش و فضیلت نیز مقامی شاخص داشته و کتاب‌هایی تألیف کرده است. در سال ۱۳۳۷ خورشیدی، اداره باستان‌شناسی فارس شروع به ساخت بقعه شیخ نمود و در حیاط آن به سبک جدید، چهار طاقی زیبایی به وسیله آجر ایجاد کردند. در شمال حیاط آرامگاه، کتابخانه‌ای زیبا نیز ساخته شده که یکی از کتابخانه‌های عمومی شیراز می‌باشد. این بقعه، در پشت بازار و کیل (بازار نو) قرار دارد و در حال حاضر طرح احیاء مجموعه زندیه در مغرب آن در حال انجام است.

آرامگاه باباکوهی

در سلسله جبال شمالی شهر شیراز، در سمت چپ دروازه قرآن، کوه باباکوهی قرار دارد که به دلیل وجود قبر یکی از بزرگان و مشایخ اواخر قرن چهارم هجری قمری، به نام باباکوهی، در آن به این نام خوانده می‌شود. این بقعه در دامنه کوه قرار دارد و برای رفتن به این مکان باید از بلوار جمهوری اسلامی، راه خاکی و سربالایی را در پیش گرفت تا به آنجا رسید. در این مکان، چندین اتاق و یک حوض سنگی ساخته شده و درختان کهن موجود در آن، از قدمت این تفریحگاه حکایت می‌کنند. در سمت بالاتر تفریحگاه، آرامگاه باباکوهی قرار دارد که در سال‌های اخیر توسط اداره اوقاف بازسازی شده است. در این کوه، چشمه آب باریکی نیز روان است که حوض آنجا را پر می‌کند. شیخ ابوعبدالله بن عبدالله شیرازی مشهور به باباکوهی که لقب «بابا» را به دلیل سالک بودنش گرفته، در سال ۳۳۷ ه.ق به دنیا آمد و در سال ۴۴۲ ه.ق درگذشت.

آرامگاه شاه داعی الی‌الله

شاه داعی الی‌الله، که نامش محمود، لقبش سید نظام‌الدین و تخلصش در شعر داعی می‌باشد، در سال ۸۱۰ ه.ق دیده به جهان گشود. چون وی، مردم را به سمت توحید و خدا راهنمایی می‌کرد، به شاه داعی الی‌الله معروف گردید. شاه داعی به القاب و نام‌های دیگری نیز هم چون قطب‌العارفین - سیدی فاضل - سالک راه حق و حقیقت - معتمدی کامل - عالمی روحانی - پیری مبارک نفس و ... در کتاب‌های تذکره نویسان ستایش شده است. وی سرانجام در سال ۸۷۰ ه.ق، پس از ۶۰ سال عمر پربرت، رحلت نمود و پس از مرگ او را در خانقاهش به خاک سپردند. در ابتدا، شاگردان و دوستداران وی، بقعه‌ای کوچک بر قبر او ساختند؛ اما بعدها این بقعه بر اثر گذشت زمان و زلزله‌های پی‌درپی، رو به ویرانی گذاشت. تا اینکه در زمان زندیه، «کریم‌خان» این آرامگاه را از پایه بازسازی کرد و ساختمانی نیکو بر قبر او بنا نمود. وی همچنین سنگ قبر شاه داعی را که شکسته شده بود، عوض کرد و به جای آن سنگی بزرگ و خوش‌نگار به کار گذاشت که آن سنگ تاکنون باقی‌مانده و بر قبر او قرار دارد. در چند دهه قبل، انجمن آثار ملی و اداره کل اوقاف فارس، با همکاری و پیگیری تعدادی از علاقمندان، اقدام به ساخت بنایی جدید بر مقبره شاه داعی الی‌الله نمود.

گنبد حرم مطهر شاهچراغ (ع)



شیراز سومین شهر زیارتی ایران

شیراز علاوه بر شهری تاریخی، فرهنگی و ادبی، یکی از مهم‌ترین شهرهای زیارتی ایران نیز به شمار می‌رود؛ شهری که مقام معظم رهبری آن را سومین حرم اهل بیت (ع) و سومین شهر مذهبی ایران اسلامی نامیده‌اند. بی‌شک، حضور امامزادگان بزرگ و واجب‌التکریم در شیراز و مرقد مطهر آنان در این شهر بر عظمت و معنویت آن افزوده و سفر سالیانه صدها هزار نفر از هموطنان از دورترین نقاط کشور و کشورهای هم‌جوار به منظور زیارت بارگاه حضرت احمد بن موسی (ع) نشانی بزرگ از معنویت شهر شیراز است. در ادامه به معرفی اماکن مقدس و مساجد تاریخی شهر شیراز می‌پردازیم.

بارگاه حضرت شاهچراغ (ع)

بارگاه حضرت سید میراحمد بن موسی الکاظم (ع)، برادر امام رضا (ع) معروف به حضرت «شاهچراغ» (ع) در نزد مردم شیراز دارای شکوه و قداست خاصی است و به همین مناسبت همیشه زیارتگاه عاشقان اهل بیت بوده است. بنای این حرم در طی سال‌ها تعمیرات بسیاری را به خود دیده است. حرم مطهر شاهچراغ (ع) دارای موزه و کتابخانه‌ای ارزشمند با اشیای تاریخی و کتاب‌های نفیس و خطی بسیاری می‌باشد. این آرامگاه همواره زیارتگاه اهل دل و حاجت‌مندان از سراسر ایران و کشورهای هم‌جوار بوده است.

بارگاه سید میر محمد (ع)

سیدمیر محمد(ع) برادر سیدمیر احمد (شاهچراغ)، دیگر فرزند امام موسی الکاظم(ع) است که با حضرت شاهچراغ، از یک مادر به نام ام احمد می‌باشند. بارگاه «سیدمیر محمد»، در ضلع شمال شرقی حرم «حضرت احمدبن موسی(ع)» قرار دارد که از زیارتگاه‌های مهم شیراز به شمار می‌رود و زیارت این مکان مقدس نیز از شرایط تشریف به حرمین احمدی و محمدی (ع) می‌باشد.

در بنای این حرم از سال‌های اولیه ساخت تاکنون، تعمیرات زیادی صورت گرفته و به ویژه در سال‌های اخیر تعمیرات مفصلی، از همه جهت بر روی این بقعه انجام شده است.

بارگاه سید علاء الدین حسین (ع)

بارگاه سید علاء الدین حسین(ع) از دیگر برادران حضرت شاهچراغ(ع)، یکی از زیارتگاه‌های معروف این شهر است که شیرازی‌ها آن را با نام آستانه می‌شناسند. بنای این آرامگاه در طی سال‌ها، بارها تعمیر و بازسازی شده است. آخرین بار در دوران قاجار، مشیرالملک وزیر فارس بارگاه این امامزاده جلیل‌القدر را از نو ساخت و محمدرضا خان قوام‌الملک نیز درون حرم را آیینی‌سازی کرد و در سال ۱۳۳۱ هجری نیز گنبد جدیدی با اسکلت فلزی بر روی آرامگاه نصب شد. این مکان همواره زیارتگاه اهل دل و حاجت‌مندان است. این بارگاه دارای کتابخانه و موزه نقیسی نیز می‌باشد که دیدن از آنها خالی از لطف نیست.

امامزاده سید تاج الدین غریب (ع)

در انتهای محله سنگ سیاه، بقعه امامزاده سید تاج الدین غریب (ع) قرار دارد که زیارتگاه حاجتمندان می‌باشد. کاشیکاری‌های سر در ورودی این امامزاده از زیبایی خاصی برخوردار است که چشم هر رهگذری را به سوی خود جلب می‌کند. تصاویری از بهشت، کربلا، طبیعت فرشتگان و ... به وسیله کاشی هفت رنگ ایجاد شده است. گنبد نیلوفری و بلند این مکان مقدس نیز از میان پشت بام‌های قدیمی محله سنگ سیاه به زیبایی می‌درخشد.

آرامگاه امامزاده ابراهیم (ع)

بقعه این امامزاده در یکی از کوچه‌های منشعب از بلوار سیبویه قرار گرفته و ساختمان آن از دو صحن شمالی و جنوبی تشکیل شده است. امامزاده ابراهیم (ع) از امامزادگان

واجب التعظیم شیراز و ذریه امام موسی کاظم (ع) است. در صحن شمالی این امامزاده که در محله لب آب واقع است، سنتوری بسیار زیبایی با کاشی‌های هفت‌رنگ و نقاشی‌های حاج باقر جهانمیری وجود دارد که صحنه‌های مربوط به عاشورا و امام حسین (ع) را به نمایش گذاشته است.

بقعه بی بی دختران

آرامگاه بی بی دختران، از دیگر بقاع متبرکه شیراز است که در ابتدای گذر سنگ سیاه (محله میدان شاه) قرار گرفته و آن را مقبره «بی بی خدیجه ام عبدالله» مشهور به بی بی دختران می‌دانند. گورستانی هم در پیرامون آن بوده که اکنون فضای صحن بقعه است.

ساخت اولیه بنا به قرن هشتم و بازسازی آن توسط محمدقلی خان ایلخانی قشقایی به عصر قاجار می‌رسد.

مسجد جامع عتیق

مسجد جامع عتیق، کهن‌ترین مسجد شیراز است که به آن مسجد جمعه، مسجد آدینه و مسجد جامع نیز گفته می‌شود. این مسجد در شرق حرم شاهچراغ (ع) قرار دارد و از داخل حیاط شاهچراغ (ع) راهی به آن وجود دارد. این مسجد که در دوره ۲۰ ساله سلطنت عمرو لیث صفاری (در سال ۲۸۱ هجری قمری) ساخته شده است، در طی هزار سال اخیر چندین بار، از جمله در زمان اتابکان، در زمان سلطان ابراهیم میرزا پسر شاهرخ گورکانی، در دوره صفویه و همچنین در سال ۱۳۱۵ شمسی توسط عده‌ای از مردم نیکوکار و با همکاری اداره باستان‌شناسی تعمیر و بازسازی شده است. در وسط صحن مسجد جامع، بنایی مکعب شکل همانند خانه کعبه از گچ و سنگ ساخته شده که به دارالمصحف، بیت المصحف و خدای خانه خوانده می‌شود.

مسجد نصیرالملک

مسجد نصیرالملک یکی از زیباترین مسجدهای تاریخی دوران قاجار در شیراز است که از لحاظ کاشی‌کاری، ارزنده‌ترین مسجد ایران به شمار می‌رود. این مسجد که به نام مسجد صورتی نیز نامیده می‌شود دارای صحنی وسیع، دو ایوان شمالی و جنوبی، دو شبستان شرقی و غربی و سردر ورودی زیبایی می‌باشد. این مسجد دارای حیاطی وسیع است که حوضی مستطیلی و بزرگ در آن قرار دارد. در سمت شمال



مسجد وکیل

حیاط نیز طاق بلند و بسیار زیبایی وجود دارد که به طاق مروارید مشهور است. شبستان اصلی مسجد در غرب حیاط ساخته شده است که دارای هفت در چوبی بزرگ مزین به شیشه های رنگی و ۱۲ ستون سنگی یکپارچه با شیارهای مارپیچ در دو ردیف شش تایی به نیت دوازده امام است. این مسجد از دیدگاه ساختمان سازی به ویژه کاشی کاری و مقرنس کاری، بی مانند است.

مسجد وکیل

این مسجد که به آن «مسجد سلطانی» نیز می گویند، در شرق عمارت کلاه فرنگی، بین حمام و بازار وکیل قرار دارد و از شاهکارهای هنر معماری دوره زندیه به شمار می آید. بنای مسجد با مساحتی در حدود ۱۱۰۰۰ متر مربع دربرگیرنده سردر مجلل، صحن، ایوان های شمالی و جنوبی، شبستان های جنوبی و شرقی، رواق های شرقی و غربی و حیاط کوچک کناری می باشد. شبستان مسجد وکیل با کاشی کاری های زیبا، ستونهای حجاری شده و منبر چهارده پله یکپارچه مرمرین آن، از شاهکارهای دوران زندیه به شمار می رود. این منبر به نشانه چهارده معصوم، چهارده پله دارد و سنگ آن از مراغه به شیراز آورده شده است. محراب مسجد نیز با سنگ مرمر و کاشی های هفت رنگ با نقش های گل و بوته آراسته شده و در سقف آن نیز، مقرنس کاری زیبایی انجام شده است.

مسجد مشیرالملک

این مسجد از بناهای دوران قاجاریه می باشد که در محله قدیمی «سنگ سیاه» شیراز، قرار گرفته است. ساخت این مسجد ده سال به طول انجامید و این مسجد از دید استحکام و معماری مانند مسجد وکیل است. ساختمان مسجد دارای چند شبستان و چند حجره دو طبقه می باشد. در ناحیه غربی مسجد، طاق نمایی بلند وجود دارد و در پشت آن، شبستان اصلی مسجد قرار دارد. در بالای این تاق، ساعتی زیبا دیده می شود که هنوز هم سالم مانده است.

دروازه قرآن که روزگاری دروازه‌ای برای ورود به شهر شیراز محسوب می‌شد، امروزه به نمادی برای این شهر تبدیل شده است.



آثار تاریخی و دیدنی شهر شیراز

دروازه قرآن

هر مسافری که با خودرو شخصی یا اتوبوس از شمال و مرکز کشور وارد شیراز می شود، اولین چیزی که در بدو ورود خواهد دید بنایی زیبا و معروف به نام دروازه قرآن است که بنای اولیه آن مربوط به دوران پادشاهی دیلمیان بوده است. در آن زمان عضالدوله دیلمی طاقی بلند به صورت دروازه، در وسط تنگ الله اکبر (محل کنونی دروازه قرآن) ساخت. بعد در دوران زندیه بنا مجدداً بازسازی شد و به دستور کریم خان زند، قرآنی بزرگ بر بالای آن قرار دادند تا کاروانها به سلامت از زیر آن گذشته و به راه خود ادامه دهند. از آن زمان تا کنون این بنا به دروازه قرآن مشهور شد و اکنون نیز به همین نام باقی مانده است. اما بنای کنونی دروازه قرآن در سال ۱۳۲۷ شمسی به کوشش یکی از بازرگانان نیکوکار شیرازی ساخته شده است. هم اکنون این دروازه به عنوان یکی از نمادهای زیبای شیراز در دنیا معروف است. در نزدیکی دروازه قرآن هم میدانی با گلهای رنگارنگ و تندیس از طاووس ساخته شده است که گویی به هر مسافر تازه واردی خوش آمد می گوید.

هر ساله نیز طی مراسمی خاص توسط شهرداری از قرآن بالای این دروازه غبارروبی و یا تعویض می گردد (آخرین بار به مناسبت روز شیراز در سال ۱۴۰۳ این کار انجام پذیرفت.



یکی از برج های ارگ کریم خانی

تکیه مشرقی و مقبره عمادالدین محمود کرمانی

در جبهه غربی آرامگاه خواجه و چند متر بالاتر از سطح آرامگاه یک طاق ضربی وجود دارد که به تکیه مشرقی مشهور است و قبر عمادالدین محمود کرمانی وزیر معروف شیخ ابواسحاق اینجو در زیر آن قرار دارد. در کنار این طاق نیز دو نقش کنده کاری شده است که یکی از آنها به نبرد رستم با شیر (دوره قاجار) اشاره می‌کند و دیگری نقش فتحعلی شاه و دو نفر از پسرانش می‌باشد.

گهواره دید

درست روبروی دروازه قرآن بر بالای نوک غربی کوه چهل مقام، اتاقی در اندازه ۴×۴ متر از سنگ و ساروج، به صورت گنبدی وجود دارد که نخستین سازنده آن را عضدالدوله دیلمی می‌دانند.

وی هنگام ساختن دروازه قرآن، این چهار تاقی را نیز بر فراز کوه مشرف به تنگه ساخت تا جایگاه دیده بانان و سربازانی باشد که بر رفت و آمد کاروان‌ها و شاهراه ورودی شمال شهر نظارت داشته باشند. هم اکنون در پیرامون این مکان درختکاری شده و یکی از گردشگاه‌های زیبای شیراز می‌باشد. برای رفتن به آنجا باید از بوستان کوهپایه یا پلکان‌های سیمانی که در سینه کش کوه (مقابل دروازه قرآن) قرار دارد به آنجا رفت.

چاه مرتاض علی

بعد از رسیدن به گهواره دید و حدود ۷۰۰ متر پیاده روی به سمت مشرق به آنجا خواهید رسید. چاه مرتاض علی دارای چند طاق و ساختمانی قدیمی به سبک دوره صفویه است. در زیر این طاق‌نماها چاه و سردابه‌ای است که در دل کوه ایجاد شده و در انتهای آن نیز محوطه‌ای تقریباً باز و خنک وجود دارد.

ارگ کریم خانی

ارگ کریمخانی، مهمترین و بزرگترین بنا از دوران زندیه است که در سال ۱۱۸۰ هجری قمری به دستور کریمخان زند ساخته و به عنوان قصر سلطنتی و مرکز حکومت زندیه بود. این ساختمان با زیر بنای ۴۰۰۰ متر مربع و در زمینی به گسترده‌گی ۱۲۸۰۰ متر مربع در مرکز شهر، به صورت چهارگوش بنا شده است که روی بدنه دیوارها و چهار برج آن نقش و نگارهایی ساده و زیبا به وسیله آجر به ارتفاع حدوداً ۱۵ متر به چشم می‌خورد که هر بیننده‌ای را نسبت به حکومت پر عظمت

کریم خان زند به تفکر و می دارد. در بالای در ورودی ارگ، صحنه نقاشی از کشته شدن دیو سفید به دست رستم پهلوان بر روی کاشی هفت رنگ به چشم می خورد. حیاط ارگ نیز به صورت مستطیل و دارای ۱۲۰ متر طول و ۱۰۰ متر عرض می باشد. در این حیاط درختان نارنج بسیاری دیده می شوند که عمر برخی از آنها به چند دهه هم می رسد. ارگ دارای سه شاه نشین در شمال مخصوص زمستان، در غرب مخصوص بهار و در جنوب مخصوص تابستان می باشد. ارگ کریمخانی از سال ۱۳۱۵ تا ۱۳۴۵ به زندان شهربانی تبدیل شد که همین امر باعث گشت همه آثار نقاشی ها و مقرنس کاری های آن با گچ پوشیده شوند و اتاق ها و تالارهای آن با سقف و دیوار بسیار، به صورت سلول های کوچک زندان در آیند. ارگ پس از سالها مرمت و بازسازی، هنوز بسیار زیبا و مجلل پابرجاست و در مرکز شهر شیراز چشم هر رهگذری را به خود معطوف می کند.

مدرسه خان

مدرسه خان یکی از مدارس قدیمی شیراز است که ساخت آن (در عصر صفویه) در زمان اللهوردی خان آغاز و در زمان پسرش امام قلی خان در سال ۱۰۲۴ هجری قمری به پایان رسید.

اللهوردی خان با نوشتن نامه هایی به ملاصدرا، وی را به شیراز دعوت کرد تا در این مدرسه علوم مختلف را تدریس کند. ملاصدرا مدرسه خان را به یک دانشگاه واقعی تبدیل کرد. مدرسه خان با مساحت ۳۹۲۶ متر مربع از نظر کاشی کاری، مقرنس کاری و کتیبه های زیبا به خط ثلث از شاهکارهای معماری دوران صفویه به شمار می آید.

بازار وکیل

بازار وکیل یکی دیگر از شاهکارهای معماری و بی مانند دوران زندیه است. این بازار در حدود سالهای ۱۱۸۰ هجری قمری به شکل صلیب و به سبک بازار قیصریه لار (مربوط به دوران صفویه) ساخته شد. بازار وکیل دارای ۷۴ طاق ضربی و خوش سیما است که سقف طولانی بازار را پوشش می دهد و از بیرون (پشت بام بازار) چشم انداز جالبی همانند کوهان شتر را پدید آورده است. ارتفاع بیش از ۱۰ متر سقف و نورگیری طاق ها که در زمستان هوای بازار را گرم و در تابستان خنک نگه می دارد، از دیگر ویژگی های این بازار می باشد. در آن زمان، حرفه هایی چون سراجی، کلاهدوزی، نمد مالی، زرگری، خاتم سازی، شمشیرگری، عطاری و ... در این بازار وجود داشته است که هنوز نیز کم و بیش به چشم می خورد. مغازه های

این بازار در حال حاضر بیشتر به بزازي، فرش فروشي، پارچه فروشي، عطاري، صنايع دستي، سوغات و فروش منسوجات مشغول هستند.

سرای مشیر یا بازار سنتی صنایع دستی

این بازار در کنار درب جنوبی بازار وکیل و در سمت چپ آن قرار دارد. این بازار که یکی از مهمترین نقاط تولید و عرضه صنایع دستی به شمار می رود، مربوط به دوران قاجار بوده و از ساخته های میرزا ابوالحسن خان مشیرالملک در سال ۱۲۸۸ هجری قمری است. سرای مشیر دارای حیاط وسیعی است که در میان آن حوض سنگی زیبایی قرار دارد. دور تا دور این حیاط نیز حجره هایی در دو طبقه برای عرضه صنایع دستی فارس مانند منبت، خاتم کاری، قلم زنی، نقره سازی و ... می باشند. در کنار این سرا بازاری کوچک وجود دارد که به همین نام «بازار مشیر» معروف است. بازار و سرای مشیر یکی از جاهای دیدنی شیراز است که محبوبیت زیادی در میان گردشگران داخلی و خارجی دارد.

موزه پارس به عنوان اولین موزه شیراز و دومین موزه در ایران در سال ۱۳۱۵
خورشیدی در عمارت کلاه فرنگی باغ نظر راه اندازی شده است.



موزه ها و خانه های تاریخی شیراز

امروزه توجه به میراث فرهنگی و پاسداشت آن، یکی از شاخصه های توسعه به شمار می رود و موزه ها به عنوان حافظ و نماد هویت ملی و مذهبی هر کشور شناخته می شوند. در این میان، شیراز یکی از نخستین شهرهایی بود که صاحب موزه شد و در حال حاضر نیز این شهر زیبا و تاریخی به عنوان «شهر موزه» معرفی شده است. در صفحات گذشته به برخی از موزه های شیراز اشاره شد و در ادامه نیز برخی دیگر از مهم ترین موزه ها معرفی می گردند.

باغ نظر – موزه پارس

باغ نظر یکی دیگر از شاهکارهای دوران زندیه می باشد که در حال حاضر به عنوان موزه پارس شناخته می شود. این باغ که روی ارگ کریم خانی قرار دارد به نام های باغ موزه، باغ حکومتی، عمارت کلاه فرنگی و آرامگاه کریم خان زند نیز مشهور می باشد. درون این باغ عمارتی هشت ضلعی وجود دارد که در زمان کریم خان زند محل پذیرایی میهمانان داخلی و خارجی و بعنوان مرکز عمده تشریفات سیاسی مورد استفاده قرار می گرفته است. البته گفته می شود کریم خان این ساختمان را که به شکل هشت ضلعی است، برای آرامگاه خود ساخته بود که پس از درگذشت، او را در همین ساختمان دفن کردند. اما آقامحمدخان قاجار وی را نبش قبر و جسد وی را به کاخ گلستان در تهران منتقل کرد.

این بنا از سال ۱۳۱۵ خورشیدی تاکنون تبدیل به موزه شده و در آن اشیاء تاریخی

و موزه ای از سده های قبل به ویژه دوره زندیه به نمایش درآمده است. برخی از اشیایی که در این موزه نگهداری می شوند، عبارتند از: شمشیر کریم خان زند، تابلوهای نقاشی، ظروف متعلق به دوره صفویه، قرآن خطی منسوب به خط حضرت علی (ع) و ...

حمام وکیل - موزه گرمابه

حمام وکیل یکی از زیباترین و کاملترین انواع حمام های خزینه ای ایرانی است که در نیمه های حکومت کریمخان زند با مساحت ۱۳۵۰ متر مربع ساخته شد. در سقف این حمام، نقشهای برجسته مذهبی و اسطوره ای به شکل زیبایی و با ظرافت آهک بری شده است. صحنه دیدار شیرین و فرهاد، صحنه به چاه انداختن و بیرون آوردن حضرت یوسف از چاه، شمایل حضرت علی (ع) و ذوالفقارایشان، صحنه قربانی کردن حضرت اسماعیل به دست حضرت ابراهیم (ع) و ... از جمله این نقش برجسته ها می باشد.

در این حمام که هم اکنون به موزه گرمابه تبدیل شده است به وسیله مجسمه های زیبا آداب و رسوم و فرهنگ مردم شیراز در موقع حمام رفتن در زمان های مختلف به نمایش گذاشته شده است.

باغ موزه نارنجستان قوام

باغ یا نارنجستان قوام محل حکومت خاندان قوام الملک بوده است. این باغ در زمان قاجاریه به عنوان «دیوانخانه» و محل مراجعه رعیت ها و دیگر مردم و همچنین برای نشست های بزرگان و اشراف مورد استفاده قرار می گرفته است. صنعت آینه کاری، نقاشی، گچبری، کاشیکاری و منبت کاری زیبای موجود در نارنجستان، این مکان را به یکی از شاهکارهای دوره قاجاریه تبدیل کرده است. حیاط این ساختمان نیز بسیار دلنواز و فرح بخش می باشد و محیطی زیبا را به وجود آورده است. علت نامگذاری این مکان به نارنجستان نیز به دلیل داشتن درختان نارنج فراوان در حیاط بزرگ آن است. عمارت نارنجستان دربرگیرنده دو طبقه بنا و یک طبقه زیرزمین است که به عنوان موزه مورد بازدید گردشگران قرار می گیرد.

موزه تاریخ طبیعی و تکنولوژی

موزه تاریخ طبیعی و تکنولوژی شیراز که در ابتدای خیابان آزادگان قرار دارد شامل بخشهای جانوری، گیاهی، زمین شناسی، حشره شناسی، نجوم، تکنولوژی، آناتومی،

تمبر و سکه، صنایع دستی و کارگاه تاکسیدرمی است. این موزه از دیدگاه معماری و رعایت نکات ایمنی برای نگهداری نمونه‌ها، از کم نظیرترین موزه‌ها در ایران به شمار می‌رود.

خانه زینت الملک - گنجینه تاریخ فارس

در ضلع غربی نارنجستان قوام، عمارت زیبایی قرار دارد که به خانه زینت الملک مشهور است. این خانه محل سکونت زینت الملک قوامی (دختر قوام الملک چهارم) بوده است. این بنا به شکل زیبایی ساخته شده به طوری که با توجه به موقعیت فصلی، کاربرد خاص خود را داشته و مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این ساختمان دارای زیرزمین وسیعی می‌باشد که هم اکنون به موزه گنجینه و تاریخ فارس تبدیل شده و در آن تندیس‌هایی مومیایی از بزرگان و دانشمندان فارس به نمایش گذاشته شده است.

خانه فروغ الملک (موزه هنر مشکین فام)

این بنا متعلق به اسماعیل قوامی ملقب به «فروغ الملک» و پدرش است که از بستگان قوام شیرازی بوده و در سال ۱۳۱۰ قمری برای سکونت وی ساخته شده است. این خانه از سال ۱۳۸۱ خورشیدی پس از بازسازی، به موزه آثار هنرمندان فارس در رشته‌های مختلف هنرهای تجسمی از جمله نقاشی، خوشنویسی، عکاسی، مجسمه، هنرهای سنتی، صنایع دستی، معماری و... تبدیل گردید. فضای داخلی موزه، مثل همه خانه‌های اعیانی قدیمی زیبا است با همان پنجره‌های مشبک و کاشی کاری و حیاط‌های اندرونی و بیرونی و هشتی و یک اتاق هم با مبلمان قدیمی خانه.

موزه بین المللی مطبوعات

این موزه نخستین موزه بین المللی مطبوعات در ایران است که با هدف معرفی و آشنایی مردم با رسانه‌های مختلف جهان ایجاد شده است. این موزه در ساختمان روزنامه خبر واقع در تقاطع صورتگر و هدایت واقع شده و بازدید از آن با هماهنگی قبلی از ساعت ۱۰ تا ۱۴ امکان پذیر است.

موزه تجارت جندی شاپور

این موزه نیز خصوصی است و در آن آثاری از دوره‌های پیش از میلاد تا دوره‌های

قاجار و پهلوی به چشم می خورد. تنوع اشیاء فلزی، سفالی و آبگینه و همچنین مجموعه سکه های تاریخی، نسخه های خطی کمیاب، زیورآلات و آثار فلزی در این موزه بسیار دیدنی و بی نظیر است. در حال حاضر بازدید از این موزه برای عموم فراهم نیست.

موزه فرهنگی تاریخی کرباسی

این موزه دربرگیرنده مجموعه آثار فرهنگی و اشیاء تاریخی است که طی ۲۶ سال جمع آوری، دسته بندی و مرمت شده اند. از جمله اشیاء تاریخی در این موزه می توان به یک منبر از دوره زندیه اشاره کرد که دارای زیبایی خاصی می باشد. مجموعه قالب های طلا سازی، گنجینه های قفل و زیورآلات دوره های مختلف، مجموعه ادوات آشپزخانه، مشاغل، عکس ها و مهرهای قدیمی، مجموعه بی نظیر شیرهای قدیمی آب، گنجینه خودروهای کلاسیک و... بخشی از آثار دیدنی این موزه خصوصی است.

موزه گل و مرغ شیراز

موزه گل و مرغ شیراز از موزه های زیبا و تازه تأسیس در یکی از خانه های جدید شیراز است. این مجموعه دارای بخش هایی چون تالار مقرنس، تالار آینه، حوض خانه گل و مرغ و ظروف چینی و بشقاب های گل و مرغ مربوط به دوران صفویه تا به امروز است. این موزه در یکی از خانه های خارج از بافت تاریخی شیراز برقرار است که این به جذابیت آن می افزاید. هنرهایی چون کاشیکاری، خاتم کاری، آینه کاری، و نقاشی های گل و مرغ که در این بنا استفاده شده است، برگرفته از مکتب شیراز هستند. این موزه در بلوار میرزای شیرازی، کوچه پانزدهم، قرار دارد.

خانه سعادت

این خانه تاریخی که از خانه های دوره قاجاریه در شیراز می باشد، بعد از خانه فروغ الملک و قبل از مسجد مشیرالملک است. خانه سعادت پس از بازسازی های ارزنده ای که در آن انجام شد از سال ۱۳۸۴ به منظور حفظ و احیای هنرهای سنتی و صنایع دستی ایران، تبدیل به کارگاه های آموزشی صنایع دستی از جمله خاتم سازی، انگشتر سازی، منبت کاری و ... شد. بازدید از این خانه تاریخی با هماهنگی امکان پذیر می باشد.

موزه جهان نما

باغ جهان نما از قدیمی ترین باغهای شیراز است که بازدیدکنندگان بعد از دیدن زیباییهای آن با اشتیاق وارد عمارت کلاه فرنگی می‌شوند. در این مکان زیبا که در حال حاضر به موزه تبدیل شده است، آثاری ارزشمند از دوره‌های مختلف را می‌توان دید. تنوع بسیار آثار در نگاه اول مورد توجه بازدیدکنندگان قرار می‌گیرد و با کمی قدم زدن در موزه و شنیدن سخنان مدیر موزه بازدیدکننده‌ها پی می‌برند این آثار مجموعه‌ای از آثار شخصی کسی است که با اشتیاق تمام سعی در معرفی بخشی از تاریخ کشور را دارد. در این موزه حدود یک هزار شی از دوره ایلخانی تا معاصر در معرض دید عموم قرار دارد.

موزه دلگشا

در میانه باغ دلگشا که از زیباترین گردشگاههای شیراز به شمار می‌رود و هوای همیشه بهاری و غروب زیبای آن زبازد مردم شیراز است، عمارتی زیبا و تاریخی قرار دارد که چند سالی است به همت شهرداری شیراز بهسازی گردیده و تبدیل به موزه سکه و اشیاء تاریخی شده است.

این موزه که توسط بخش خصوصی در عمارت کلاه فرنگی این باغ زیبا راه اندازی شده است، به شما این فرصت را می‌دهد که همزمان با لذت بردن از زیباییهای معماری این ساختمان، از اشیاء تاریخی نیز دیدن کنید.

در طبقه اول موزه، مجموعه‌ای از سکه‌های باستانی مانند سکه ۲ دریکی هخامنشی تا اسکناس دوره پهلوی به نمایش درآمده است. یک قرآن ارزشمند نوشته شده بر پوست آهو متعلق به دوره سلجوقی، لباس، تابلو فرش، ظروف، تمبر، کبریت، دوچرخه‌های قدیمی و نقشه‌های ایران متعلق به دوره‌های مختلف تاریخ، دیگر اشیای به نمایش درآمده هستند. برای موزه‌گردها بخش جذاب و کمی عجیب این موزه مجموعه رادیوهاست. شما در طبقه دیگر موزه از مجموعه با ارزش ۵۰ تایی رادیوها بازدید می‌کنید که هر کدام متعلق به نسلی از فناوری ساخت این نخستین رسانه ارتباط جمعی بشر هستند.

موزه آب

موزه آب شیراز در آب انبار وکیل واقع در ضلع شرقی ارگ کریمخان قرار دارد. این آب انبار که از ساخته‌های کریمخان زند می‌باشد تا سال ۱۳۳۱ که آب مورد نیاز مردم شهر شیراز لوله کشی گردید، مورد استفاده قرار می‌گرفت. از آن پس رفته

رفته استفاده از آب انبار کاهش یافت و به تدریج دهانه آن به وسیله خاک و سنگ پوشانده شد تا اینکه در اواسط دهه ۸۰ توسط میراث فرهنگی فارس، مرمت و بازسازی گردید و در بهمن ماه ۱۳۸۸ به موزه «سازه های آبی فارس» تبدیل شد. در این موزه ماکت های برخی از سازه های آبی فارس به نمایش درآمده است.

عمارت هفت تنان (موزه سنگ)

تکیه هفت تنان یا موزه سنگ از بناهای دوره کریم خان زند است که در شمال شیراز و در دامنه کوه چهل مقام، در محله ای که امروز آن را هفت تن می نامند، واقع شده است.

به گفته مردم و ساکنان این محل، وجه تسمیه آن به هفت تنان، به دلیل وجود قبر هفت عارف گمنام است که در این محل مدفون شده اند. در مجاورت این تکیه که به عمارت دیوانخانه در مجموعه زندیه بسیار شبیه است، کاروانسرای وجود دارد که تبدیل به موزه سنگ و کاشی های تاریخی شده است. گنجینه ای از سنگ های تاریخی که در آن می توانید سنگ های متعلق به سده های سوم تا یازدهم هجری قمری را ببینید. این سنگ ها به انواع خطوط کوفی، ثلث، نستعلیق دیوانی، توقیع، تعلیق - نسخ و... مزین هستند و علاقه مندان را به سوی خود می کشانند.

سنگ هایی از پاسارگاد، تخت جمشید، خانه زینت الملوک، تابوت های سنگی پیش از تاریخ، سنگ قبرهای باستانی، پایه ستون های قصر ابونصر، آثار سنگی دوران ساسانیان تا دوره قاجار و ... از جمله آثاری هستند که در این موزه به نمایش درآمده اند.

موزه فرهنگ

موزه فرهنگ فارس تجلی بخشی از آثار هنرمندان بزرگ فارس در زمینه کتابت، خوشنویسی و نقاشی است. آثار این موزه که همگی متعلق به گنجینه سازمان اسناد و کتابخانه ملی مرکز فارس است، در برگیرنده قلمدان های نفیس دوره های زندیه و قاجاریه است. کتاب جنگ ادبی به خط و انتخاب ملاصدرا و آثار کتابت و تذهیب و خوشنویسی برآمده از قلم هنرمندانه فتحعلی خان حجاب شیرازی، وصال شیرازی، احمد نیریزی، لطفعلی شیرازی، محمود مذهب شیرازی، تابلو نقاشی از کمال الملک و نیز اسناد و فرمان های تاریخی فارسی بخشی از آثار این موزه است.

موزه مردم‌شناسی و نمایشگاه کتاب انتشارات نوید شیراز

در این موزه ۴۰۰ عروسک از ملیت‌های مختلف با لباس‌ها و پوشش محلی هر کشور در کنار تابلوها و نگاره‌هایی از شیراز قدیم و شهرستان‌های استان فارس به نمایش گذاشته شده است. همچنین در این نمایشگاه تمامی کتاب‌های چاپ‌شده در طول فعالیت ۵۰ ساله انتشارات نوید به صورت آرشیو و نمایشگاه و بخش فروش کتاب با حدود ۳۵ هزار عنوان در معرض دید و استفاده عموم قرار گرفته است. در این نمایشگاه همچنین چند کتاب چاپ سنگی مجموعه انتشارات نوید نیز در کنار دستگاه‌های صنعت چاپ از قدیم تا نمونه‌های متأخر برای آشنایی بازدیدکنندگان با صنعت چاپ به نمایش گذاشته شده است.

بازدید از این موزه رایگان است و هر هفته برای تشویق مردم به کارهای فرهنگی برنامه حافظ و گلستان خوانی، آموزش رایگان صحافی، اجرا می‌شود. این موزه در ابتدای خیابان حافظ (دروازه اصفهان) قرار دارد.

موزه عفیف آباد

توضیح این موزه در بخش باغ موزه عفیف آباد آورده شده است.



باغ جهانی ارم

باغ‌های تاریخی شیراز

شیراز به شهر شعر، باغ و گل و بلبل معروف و از قدیم به داشتن باغ‌های بسیار و زیبا مشهور بوده است. شیراز از دوران باستان، باغ‌های فراوانی داشته و همین باعث شهرت جهانی‌اش در دنیا شده است. این شهر با داشتن بیش از یک‌هزار و پانصد هکتار باغ و ده‌ها هکتار بوستان، از جمله کلان‌شهرهای سرسبز کشور است که با داشتن آب و هوای معتدل در طول سال بخصوص فصل تابستان و ایام نوروز گردشگران بسیاری را از نقاط مختلف و حتی کشورهای دیگر پذیرا می‌باشد. در حال حاضر برخی از باغ‌های شیراز از لحاظ تاریخی اهمیت زیادی دارند و به عنوان مراکز مهم گردشگری به شمار می‌آیند که در ادامه، به چند نمونه از این باغ‌ها و بوستان‌های دیدنی شیراز اشاره می‌شود.

باغ ارم

باغ ارم یکی از زیباترین باغ‌های شیراز و ایران است که در شمال شیراز و در خیابان ارم جای دارد و درختان سروناز آن شهرت جهانی دارند. پیشینه این باغ به دوران سلجوقی بازمی‌گردد و در تمام دوران آل اینجو پا برجا بوده است و در دوران زندیه نیز کریمخان در سازندگی و بهسازی این باغ اقداماتی انجام داد. در روزگار پادشاهی



باغ عقیق آباد

ناصرالدین شاه قاجار عمارتی سه طبقه و زیبا به سبک قاجاریه در آن ساخته شد که از نظر معماری، نقاشی، کنده کاری، کاشیکاری و گچبری از شاهکارهای این دوره است. این باغ هم اکنون در اختیار دانشگاه شیراز می باشد و تبدیل به باغ گیاه شناسی شده است.

باغ موزه عفیف آباد

یکی از قدیمی ترین و زیباترین باغهای شیراز، باغ عفیف آباد است که آن را باغ گلشن نیز می نامند. این باغ با گستره ای بیش از ۱۲۷۰۰۰ متر مربع، در انتهای خیابان عفیف آباد قرار دارد. درون باغ کاخ بسیار زیبایی قرار دارد که با کاشیکاری های زیبا و ستون های سنگی همانند ستون های تخت جمشید تزیین شده است. هم اکنون از این عمارت به عنوان موزه نظامی ارتش و موزه عبرت استفاده می شود. در طبقه زیرین این موزه مجموعه ای از سلاح های سرد و گرم، شمشیر، زره، نیزه و گونه های مختلف مسلسل نگهداری می شود که پیشینه ای از روزگار کهن تا امروز را دارا هستند. در طبقه دوم این بنا نیز موزه عبرت قرار دارد که شامل اتاقهای همایش، رختکن، نشیمن، مطالعه و ... بازمانده از دوران پهلوی می باشد. این باغ همچنین دارای حمام خزینه ای و قهوه خانه سنتی زیبایی می باشد.

باغ جهان نما

در چند قدمی آرامگاه حافظیه و کمی بالاتر از باغ ملی، باغ جهان نما یکی دیگر از باغهای تاریخی و زیبای شیراز قرار دارد که دیوارهای آجری و محکم آن با وجود کج شدن، همچنان پابرجا ایستاده است. این باغ که در ضلع شمالی چهارراه حافظیه قرار دارد، در طول سالها تعمیرات بسیاری را به خود دیده است. در سال ۱۱۸۵ هجری قمری به دستور کریمخان زند عمارتی هشت ضلعی همانند عمارت کلاه فرنگی (باغ نظر) در آن ساخته شد که تاکنون پابرجاست و در حال حاضر موزه ای با آثاری ارزشمند از دوره های مختلف در آن راه اندازی شده است.

باغ دلگشا

باغ دلگشا در نزدیکی آرامگاه سعدی و در غرب خیابان بوستان جای گرفته است. برخی از پژوهشگران، پیشینه این باغ را به دوران حکومت ساسانیان نسبت می دهند. این باغ یکی از زیباترین گردشگاه های شیراز به شمار می رود و هوای همیشه بهاری و غروب زیبای آن زبازد مردم شیراز است. در این باغ درختان نارنج بسیاری

وجود دارد که در فصل بهار منظره ای بهشت گونه را ایجاد می کند. باغ در طی سال ها بارها و بارها تخریب و دوباره بازسازی شد تا اینکه در پایان سلطنت فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۲۳۶ هجری قمری، شاهزاده رضاقلی میرزا حاکم فارس پس از بهسازی، کاخی با شکوه در آن ساخت و نام آن را «فین» یا «کلاه فرنگی» گذاشت. اکنون با مرمت این بنا، در ساختمان آن موزه ای ارزشمند با اشیاء تاریخی بسیاری برپا است.

باغ جنت

باغ جنت از جمله باغ های دوره قاجار است که در سمت غرب شهر شیراز، اول جاده بوشهر قرار گرفته است. در این باغ سابقاً عمارتی زیبا از بناهای مشیرالملک وجود داشت که از بین رفته است.

در این باغ فضای بسیار وسیع و سبزی از درختان سرو و کاج وجود دارد، سروهای بلند و زیبایی که در فواصلی مشخص قرار گرفته اند. از ویژگی های بارز این باغ زیبا، آبناهای سراسری، سروهای بلند و زیبا، چمنکاری و گلکاری در سراسر باغ است که همه این ها در کنار هم باعث به وجود آوردن فضایی دلنشین شده اند. در قسمتی از باغ نیز کمپ نوروزی ایجاد شده است.

فصل چهارم

حسن دهقان

فرهنگ و هنر در
شهر شیراز





سروهای باغ ارم

دیبای منقش^۱ شهری که دوستش می‌دارم

تا نام شیراز به میان می‌آید، در ذهن هر شنونده‌ای جز مهربانی و مدارا، معنویت و مَدَنیت و زیبایی و هنر چیزی نقش نمی‌بندد؛ خواه از میان ده‌ها کتاب و رساله دانه‌ای از دیرینه این دیار دیرپا برچیده یا از گذر خاطرات سفر به شیراز دل در گرو این شهر شورانگیز داشته باشد که «بی‌شک برای سجع و قافیه نبوده که شیراز را جنت‌طراز گفته‌اند.» (بهشتی، ۱۳۹۹، ص ۵۷).

فرهنگ در تار و پود فرش هزار نقش شیراز تنیده و آنچه شهر را از دیگران متمایز ساخته فرهی و سرفرازی فرهنگ آن است؛ فرهنگی که ریشه در قرن‌ها تاریخ دارد و اینک چون درختی ستبر و بالنده در باغ باشکوه ایران، سر به آسمان می‌ساید. باید پذیرفت، مقبول‌ترین تعریف فرهنگ را «ادوارد بارنت تیلور»^۲ ارائه داده و آن را «مجموعه‌ای از دانش‌ها، باورها، هنرها آداب و رسوم اجتماعی و عادت‌های افراد» توصیف می‌کند. بی‌اغراق و مدهانه شیراز در همه عناصر بیان شده در این تعریف مختصر از سرآمدان روزگار بوده و هست. از دلبرانه‌های «برم دلک»، گِل مَهرهای «تخت ابونصر» و سفالینه‌های «تپه‌های پوستچی» تا سروهای به فلک کشیده و گنبد‌های فیروزه‌ای، گواه گرهِ خورَدگی شیراز با شور و شعر و اندیشه‌اند.

۱. خاک شیراز چو دیبای منقش دیدم (سعدی شیرازی)

2. Edward Burnett Tylor.



خیابان زند سال ۱۳۰۷ خورشیدی

شیرازیان شهر آشوب «خلق و خوی مردم شیراز به گواه تاریخ»

این مردمان شیراز بوده‌اند که در طول تاریخ، نام شیراز را بلندآوازه کرده‌اند؛ شیرازیانی که به قول فرصت‌الدوله شیرازی، «صاحب‌ذوق» هستند و «اکثر دارای فراست و اندیشه [و] غالب اهل صنعت و هنرپیشه». این جهانگرد و اندیشمند بزرگ شیراز که با گذر از نقاط مختلف کشور، کشکولی از فرهنگ و تاریخ ایران را در کتاب گران‌سنگ «آثار عجم» فراهم آورده است، اهل شیراز را «راغب به خواندن علوم» توصیف می‌کند و به باور او این خصلت شیرازی‌ها موجب شده است «این بلد را دارالعلم خوانند». شاید در میان نوشته‌های تمام شیرازنامه‌ها این تعریف «فرصت» از مردمان شیراز بیش از همه به دل بنشیند: «مردمانش اگرچه قلیل البضاعه‌اند ولی غنی الطبع‌اند؛ همه درویش‌نهاد و پاک‌اعتقاد؛ بدین سبب آنجا را برج اولیاء نامند.» (فرصت، ۱۳۶۳، ص ۴۲۷).

«شیراز نه فقط مکان زیبایی است بلکه سکنه آن بین ایرانی‌ها، از همه خوش‌ذوق‌تر، اجتماعی‌تر و بانشاط‌تر می‌باشند» (براون، ۱۳۴۴، ص ۳۵۳). این توصیف «پروفسور ادوارد براون» ایران‌شناس نامی در ابتدای سفرنامه کوتاهش به شیراز، بیش از هر چیزی مبین سبک زندگی مردمان شیراز است و با گذشت حدود ۱۵۰ سال از نگارش این سطور، هنوز به شهادت همگان این خصایص در وجودشان رنگ نباخته است. «محمد بهشتی» در کتابی که به شایستگی آن را «شیراز؛ شعر شهر» نام

نهاد، می نویسد: «سکونت در شیراز لطفی نداشت اگر اهالی شیراز تا این اندازه لطیف طبع و شاعر مسلک نبودند.» (بهشتی، ۱۳۹۹: ص ۶۰).

به عقیده «عبدالرحیم ثابت» که البته گویی همه با او در این خصوص هم‌داستان‌اند: «آسان‌گیری، گریز از سخت‌گیری و تعصب، مروت و مدارا با دوست و دشمن، طنزاندیشی در گفتار، شادباشی و میل و به تفرُّج و گلگشت در گلزار، از جمله ویژگی‌هایی است که در شخصیت و منش مردم شیراز پررنگ‌تر می‌نماید.» (ثابت، ۱۳۹۱: ص ۱۴). بارزترین نمود این لطافت را در اشعار روح‌انگیز حافظ و سعدی شیرازی می‌توان دید؛ شاعران بزرگی که هر یک به‌تنهایی نماد و نمونه‌ای از مردم و «به‌نوعی مَبین روح شیرازند. رأفت و باریک‌بینی، جهت‌گیری‌های تساهل‌آمیزی که دارند، رام کردن تناقض‌ها، عیش‌گرایی در محیط نه‌خالی از تعصب.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶: ص ۱۳۸).

خدامحوری و معنویت یکی دیگر از خصلت‌های شیرازی‌هاست. به باور فرصت‌الدوله، شیراز شهری است که «هرگز به سبب بت‌پرستی پلید نشده» است و پس از ورود اسلام به ایران نیز آغوش مردم به روی معنویت گشوده بوده و هست. وجود مساجد تاریخی بزرگ و کم‌نظیری همچون مسجد هزارساله عتیق، مسجد نو یا اتابکی که هم سن و سال سعدی است و ده‌ها مسجد به یادگار مانده از دوران زندیه و قاجاریه همچون وکیل، عبدالکریم صراف، مشیر، نصیرالملک، بغدادی و... از اهتمام شیرازیان به دین حکایت دارد؛ اما «بی‌تردید از عوامل تأثیرگذار در دین‌داری ایرانیان و اهتمام اقوام ایرانی به ارزش‌ها و باورهای دینی، وجود زیارتگاه‌ها و مرقدهای مطهر بزرگانی از نسل پیامبر گرامی اسلام (ص) و خاندان پاک آن حضرت در نقاط گوناگون این مرز و بوم است. (کلانتری، ۱۳۹۰: مقدمه)

حرم زیبا و آسمانی حضرت شاه‌چراغ(ع) در قلب شیراز در همسایگی حرم سید میرمحمد(ع) و کمی آن‌سوتر آستان‌های حضرت سید تاج‌الدین غریب(ع)، حضرت سید علاءالدین حسین(ع)، حضرت علی‌ابن‌حمزه(ع) و سایر امامزادگان و از سوی دیگر عشق و علاقه مردم شیراز به ایشان زیاندار بوده است؛ امامزادگانی که حرم آن‌ها در طول تاریخ بارها با شور و اشتیاق توسط شیرازیان احداث یا بازسازی شده و همواره در بزنگاه‌های مذهبی و حتی سیاسی و اجتماعی ملجأ و مکانی امن برایشان بوده است.

تساهل و تسامحی که ریشه در فرهنگ شیراز دارد، آغوش شهر را به روی هر اندیشه و مرامی گشوده است چنانچه کلیسا و کنیسه، مسجد و آتشکده در یک کوچه نه آن‌چنان مَطول، در کنار هم سر به آسمان آورده‌اند. به قول دکتر ندوشن: «شیراز شهری است که اقلیت در آن کم نبوده است؛ و... به همین علت می‌توانسته است پنجره‌هایی رو به عوالم دیگر گشوده داشته باشد.» (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۶: ص ۱۳۶). همین احترام به تفاوت‌ها و ویژگی آزادمنشی است که شیراز را به‌ویژه در قرن ۳ و

۴ هجری به پایگاهی برای عرضه اندیشه‌های مختلف به‌ویژه عرفان اسلامی تبدیل می‌کند. کتاب «تذکره هزار مزار» که دربرگیرنده زندگینامه و محل دفن صدها عارف و اندیشمند اسلامی از نحله‌های مختلف فکری در آرامستان‌های تاریخی شیراز است، به این منش و سلوک شیرازیان گواهی می‌دهد.

«دل‌به‌نشاطی» و «تفرج» هم در قاموس فرهنگ مردم جایگاهی درخشان دارد. گشت‌وگذار در باغ‌ها و تفرجگاه‌های محلی که «صحرا» خطابش می‌کردند، از عادت‌های دیرین مردمان این دیار است. وجود باغ‌های نزهت‌آفرین، دشت‌های خوش‌منظر در قلب و اطراف شیراز شاید دلیل این روحیه شیرازی‌هاست. علینقی بهروزی در کتاب «بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز» به باوری زیبا در این خصوص اشاره می‌کند: «در شیراز توده مردم ۴۰ روز بعد از عید نوروز را که دهم اردیبهشت باشد تیرماه نامند و معتقدند که از آن روز به بعد کسی نباید زیر تیر سقف بخوابد (بهروزی، ۱۳۵۴: ص ۴۰).

از بوستان‌های زیبایی که سعدی در فصل بهار در آن می‌آرمیده و آب رکن‌آبادی که دل از حافظ ربوده است تا آسیاب سه‌تایی و تفرجگاه‌هایی که کهن‌سالان شیرازی هنوز از آن‌ها خاطره دارند و اکنون نیز باغ‌های خیابان شهید چمران، شهید رضائی، شهید مصلی‌نژاد و باقی‌مانده‌های باغات قصرالدشت، هنوز شیرازی‌ها را به خود می‌خوانند. گرچه افسوس به قول دکتر علی سامی: «از بسیاری از آن دیدگاه‌های زیبا و سُکر‌آور به جای خود نمانده و به خانه و خیابان تبدیل شده‌اند.» (سامی، ۱۳۶۳: ص ۱۰).

این حال و هوا را که حکایت از روحیه ویژه ساکنان شیراز دارد دکتر ندوشن در بیان خاطرات سفرش به این شهر چنین بیان می‌کند: «نمی‌دانم هوای شیراز این اقتضا را داشته و یا تلقین حافظ و سعدی این روش را برقرار کرده است.»

شاید محمد بهشتی بهتر از همه به وصف آن قلم زده است: «گلگشت فرصتی فراهم می‌کرده برای قسمی نظرورزی حکیمانه. به سخن دیگر، رفتن به باغ و صحرا و حتی نشستن بر لب جوی، تَنَبُّه و تذکری نیز به همراه داشته که حتی کنج کتابخانه نیز مناسب آن نبوده است. این گونه که بنگریم گوهر و حاصل زندگانی و عمر آن اوقاتی است که با موافقان و در گلگشت سپری می‌شود و باقی همه حشو و زوائد است و بی حاصلی و بی خبری.» (بهشتی، ۱۳۹۹: ص ۵۴).

چه زیباست که با این جملات سحرانگیز از کتاب «شیراز شهر جاویدان» این سخن کوتاه از مشرب شیرازیان شهر آشوب را به پایان بریم: «دیاری که به مهمان‌نوازی و خوش‌مشربی و نشاط‌آوری و دامن‌گیری، نامبردار جهان گردیده و آوای دل‌انگیز مرغان خوش‌الحانش، با نغمه‌های نشاط‌آفرین بلبل‌های سرمستش به مسافران این دیار جان و توان تازه‌ای می‌بخشد.» (سامی، ۱۳۶۳: ص ۱۰).



جمعی از ادبا و شعرای شیراز در دوره قاجار

شمعی در هزاران انجمن^۱

نگاهی به تاریخچه چهار صدساله انجمن های ادبی شیراز

گردهمایی شاعران در شیراز را اگر به معنای انجمن های ادبی مرسوم بر اساس اسناد مکتوب بدانیم به اواخر قرن دهم هجری برمی گردد؛ آنجا که تقی الدین اوحدی بلیانی در تذکره «عرفات العاشقین» حضور خود را در جمع شاعران یک محفل ادبی به تفصیل شرح داده و حتماً تشکیل این محافل سابقه ای دیرین تر داشته است. «حسن امداد» پژوهشگر و فارس شناس در کتاب «انجمن های ادبی شیراز» به طور کامل به شرح احوال این محافل ادبی پرداخته است. او با ریشه یابی انجمن های ادبی به قرن هفتم و به کاخ اتابک ابوبکر بن سعد زنگی می رسد که مجد همگر، ملک الشعرا دربار به اصلاح اشعار شاعران می پرداخته یا جلسات شاه شجاع با شاعران که حسن امداد احتمال می دهد حافظ نیز در برخی از آن ها حضور داشته است.

با این حال مهم ترین سند مکتوب به همان سال ۹۸۸ هجری و جلسه ای در دکان میر محمود طرحی برمی گردد که شاعران نام آشنایی همچون عرفی شیرازی، عارف لاهیجی، قدری، غیرتی و قیدی هر سه با پسوند شیرازی در آن حضور داشته اند و دیوان بابا فغانی را تتبع می کرده اند. بی توجهی دربار صفوی به شعر، شاعران

۱- عقل چون پروانه گردید و نیافت / چون تو شمع در هزاران انجمن (سعدی شیرازی)

ایران و شیراز را راهی دربار ادب دوست گورکانی در کشور هندوستان کرد که عرفی شیرازی یکی از معروفترین ایشان بود. دوره صفوی را شاید بتوان دوره رخوت و فترت شعر فارسی دانست که نام و نشانی از انجمن‌های ادبی نیز در این دوران در میان نیست. با ظهور حکومت زندیه پیروان سبک «بازگشت ادبی» که از اصفهان آغاز شده بود به شیراز پایتخت زندیان آمدند و از آن پس بار دیگر محافل ادبی رونق خود را باز یافتند. این رونق پس از سه قرن در اوایل قاجاریه موجب تجدید حیات ادبی شعر را که به ورطه سردی، مضمون بافی و ابهام در غلتیده بود، گردید و باز هم وصال و قآنی شیرازی از سرآمدان این دوره هستند. پس از انجمن «طرحی» ، انجمن «معنی» در دوران شاه سلیمان صفوی، انجمن «صباحی» در دوران حکومت کریم‌خان زند و انجمن «وفا» در دوران لطفعلی‌خان زند، محافل ادبی هستند که در تذکره‌ها و منابع تاریخی تا قبل از دوران قاجاریه از آن‌ها یاد شده است.

انجمن‌های «عالی»، «سخنوران بسمل»، «سخنوران وصال»، «یزدانی»، «خلف شیرازی»، «داور»، «فرست»، «دارالادب شوریده»، «سالار» و «ادب فارس» در دوران قاجار میزبان شاعران و اهل ادب شیراز بودند و انجمن «حافظیون» که در قهوه‌خانه مجاور آرامگاه حافظ تشکیل می‌شد، در این دوران شکل گرفت و تا سال ۱۳۱۱ شمسی و اوایل پهلوی اول ادامه داشت اما با مرگ عنایت‌الله دستغیب متخلص به «روحی» تعطیل شد. در این میان، انجمن «سخنوران وصال» پایدارترین انجمن ادبی شیراز بود که جلساته‌اش تا حدود ۱۵۰ سال در خاندان وصال شیرازی تداوم داشته است. انجمن‌های متعددی در دوران پهلوی اول و دوم تا ظهور انقلاب اسلامی و تا دهه ۷۰ شمسی فعالیت جدی داشتند که «شب‌های شیراز»، «دانش پارس»، «فریدون»، «حافظیه»، «شاعران انقلاب اسلامی»، «فروغ ادب»، «خواجو»، «کانون ادب و هنر فارس»، «یاران یکشنبه» و «داستان شیراز» از شناخته‌شده‌ترین آن‌ها هستند. از این انجمن‌ها اکنون فقط جلسات «یاران یکشنبه»؛ محفلی با حضور جمعی از اهالی ادب، هنر و اندیشه شیراز و «داستان شیراز» که با گردهمایی جمعی از داستان‌نویسان شیراز شکل گرفته، برگزار می‌شود. در اواخر دهه ۱۳۹۰ شمسی، وزارت فرهنگ، نسبت به شناسه‌دار کردن انجمن‌های ادبی اقدام کرد که در سال ۱۴۰۱ متوقف شد؛ باین حال این موضوع موجب ثبت ۱۶ انجمن ادبی در شیراز شد که با احتساب انجمن‌های محفلی و گردهمایی‌های که در این سامانه ثبت‌نام نکرده‌اند اکنون حداقل ۳۰ انجمن ادبی فعال در شیراز به‌طور منظم جلسات خود را تشکیل می‌دهند. جلسات انجمن‌های باغ شاعران، سعدی، بهار نارنج، اهل قلم فارس، انگشت جادویی، باغ جنت، بی‌شوخی، بانوی غزل، طنز فارس، شعر زنان و ... اکنون به‌طور منظم برگزار می‌شود.

پاکانِ خاک نهاد^۱ مفاخر و اندیشمندان شیراز

پروفسور ا.ج. آربری^۲ خاورشناس شناخته‌شده درباره جایگاه شیراز بی‌اغراق حجت را تمام کرده است آنجا که در مقدمه کتاب ارزشمند «شیراز مهد شعر و عرفان» می‌نویسد: «در میراث این شهر از مادیات خبری نیست بلکه همه و به یک‌باره معنویت است و هنر...» (آربری، ۱۳۶۵: ص ۱). میراثی که این ایران‌شناس از آن یاد کرده است با اندیشه بزرگان و مفاخر شهر رقم خورده و با خردورزی و هنرنمایی این تبار، اعتبار یافته است.

اینان فرزندان شیرازند؛ «فرزندانی که نه تنها سرمایه معنوی و جاوید شیراز و فارس و ایران بلکه سراسر جهان بشریت‌اند. چراکه به حق از آنان چنان سهمی در ابراز و ارائه بخش عظیمی از فرهنگ و هنر جهان معاصر خویش داشته‌اند که جز این نمی‌توان داوری کرد و نام شیراز چنان با نامشان درآمیخته که تفکیک‌ناپذیر می‌نماید.» (همایونی، ۱۳۵۳: ص ۴).

بزرگان شیراز گرچه از دیرباز در تمام شئون و عرصه‌ها از پیش‌قراولان کاروان فرهنگ و هنر ایران زمین بوده‌اند اما در این میان جایگاه شعر در زبان و ادب پارسی بی‌بدیل به نظر می‌رسد.

۱- چو پاکان شیراز، خاکی نهاد/ ندیدم، که رحمت بر این خاک باد (سعدی شیرازی)

2- Arthuv Jahn Arberry.

«ابن مقفع» در قرن دوم هجری «کلیله و دمنه» را از پهلوی به عربی بازگرداند و «ابوالمعالی نصرالله بن محمد» که اصالتاً شیرازی است، آن را به فارسی ترجمه و یکی از شاهکارهای نشر فارسی را خلق کرد تا اولین چراغ‌ها را به عنوان خوبان پارسی‌گوی شیرازی در آسمان درخشان ادبیات ایران روشن کنند.

جایگاه «شیخ مصلح الدین سعدی شیرازی» و «لسان‌الغیب حافظ شیرازی» نیازی به توصیف و تمجید ندارد؛ قله‌های غزل توسط این دو شاعر بزرگ فتح شد و گلستان سعدی مرزهای نشر را نه تنها در ایران بلکه در جهان درنور دیده است. نقش شاعران بزرگی همچون «عرفی شیرازی» و «بابا فغانی شیرازی» در سبک هندی با شاهبازی حافظ و سعدی در عرصه سبک عراقی شعر فارسی برابری می‌کند و «بواسحاق اطعمه‌ی شیرازی» با طرحی نو که در نقیضه سرایی با سرودن به اشعار سمبولیک و بهره‌گیری از غذاها و خوراکی‌های ایران و شیراز در انداخت، بر تارک زبان و ادبیات فارسی درخشیدن گرفت.

«هلی شیرازی» در میدان «قصیده» و «غزل» کاری کرد، کارستان و «لیلی و مجنون» «مکتبی شیرازی» شاخص‌ترین تتبع از شاهکار نظامی است.

در تذکره‌های شاخص همچون «مرآت الفصاحه»، «دریای کبیر» و «شعاعیه» که نویسندگان شیرازی دارند و تذکره‌های ملی چون «حدیقه الشعراء» و «جمع الفصحاء» صدها شاعر شیرازی با نمونه آثارشان از گذشته تا اواخر قاجار فهرست شده‌اند و در میانه این میدان نام «شوریده شیرازی»، «وصال شیرازی» و «قآنی شیرازی» جلوه‌ای شورانگیز دارند. نام «فرصت شیرازی» علاوه بر طبع آزمایی در عالم شعر در موسیقی، خوشنویسی، نقاشی و تذکره‌نویسی تکرارناشدنی است.

«سیمین دانشور» نویسنده‌ی شهیر شیرازی را «مادر داستان‌نویسی ایران» می‌دانند و «ابراهیم گلستان» از پیش‌قراولان داستان کوتاه در ایران پس از محمدعلی جمال‌زاده است. داستان در شیراز امروز نیز درخشش بی‌مانندی دارد و «ابوتراب خسروی»، «محمد کشاورز»، «امین فقیری»، «احمد اکبرپور» و «اکبر صحرایی» نمایندگان شایسته شیراز در این هنر معاصر ایران هستند؛ چنان‌که «مهدی حمیدی شیرازی»، «لطفعلی صورتگر»، «علی محمد مزده»، «منصور اوجی»، «پرویز خائفی»، «صدرا ذوالریاستین»، «احد ده‌بزرگی» و هر کدام در گونه مورد علاقه خود در کنار ده‌ها شاعر جوان و پیشکسوت دیگر میراث‌دار چراغی هستند که در دوران متقدم شعر شیراز افروخته شده بود.

«جعفر مؤید شیرازی»، «منصور رستگار فسایی»، «محمد یوسف نیری»، «کاووس حسن‌لی»، «علی اکبر نحوی»، «غلامرضا کافی» و ... از سرآمدان روزگار معاصر در آموزش و پژوهش دانشگاهی زبان و ادبیات فارسی‌اند و «عبدالعلی دست‌غیب»، «ابوالقاسم

فقیری»، «علی نقی بهروزی»، «انجوی شیرازی»، «حسن امداد»، «سیروس رومی»، «عبدالرسول خیراندیش»، «مصطفی ندیم» و ده‌ها پژوهشگر دیگر مرزهای پژوهش و نقد را درنور دیده‌اند.

و اما خوشنویسی و خطاطی؛ هنری که با ادبیات و معنویت گره خوردگی ناگسستنی دارند و آثاری که بزرگان شیراز در این عرصه خلق کرده‌اند از دیرباز تاکنون زینت‌بخش موزه‌های ایران و جهان است. «خاندان وصال شیرازی» در دوران قاجار نقش مهمی در توسعه خوشنویسی ایفا کردند به‌نحوی که اکنون بزرگ‌ترین موزه‌های ایران میزبان قرآن‌های کم‌نظیری به خط «محمد شفیع شیرازی» متخلص به وصال با امضای «میرزا کوچک» است. شاهنامه داوری به خط «محمد داوری» چهارمین فرزند وصال در موزه «رضا عباسی» تهران جلوه‌گری می‌کند و دیگر فرزندان از جمله «محمود شیرازی» متخلص به حکیم، «فرهنگ شیرازی» و «یزدانی شیرازی» همچون پدر علاوه بر شعر، آثاری کم‌نظیر در هنر خطاطی خلق کرده‌اند و دیوان‌های شعر «وقار شیرازی» و «توحید شیرازی» نیز که همه در آرامگاه شاه‌چراغ (ع) مدفون هستند اکنون در شعر دوره قاجار جایگاه ارزشمندی دارد.

«علی نقی شیرازی»، «میرعلی شیرازی»، «صیرکاتب شیرازی»، «شمس‌الدین علی کاتب شیرازی» و «سلطان علی شیرازی» از نام‌آشنایان هنر خطاطی شیرازند و خط «امانت خان» از خوشنویسان شهر شیراز در کتیبه‌های «تاج‌محل» جلوه‌گری می‌کند. یکی از زیباترین نمونه‌های نستعلیق را نیز «محمدحسین شیرازی» خلق کرده و در دوران معاصر «حمید دیرین» و «علی شیرازی» در نستعلیق، «مجید چیزفهم دانشمندیان» در خط شکسته و «محمد نعمتی» در خط نسخ از چهره‌های شناخته‌شده ایران هستند. در هنرهای تجسمی و هنرمندان گذشته‌های دورتر این رشته در شیراز در سطرهای بعد به تفصیل سخن خواهیم گفت اما نام‌هایی مثل محمد علی شیوایی (کاکو)، نقاش مدرنیست ایرانی در شیراز و علی‌اصغر تجویدی هنرمند نگارگر که به سبک ویژه خود نگارگری می‌کند، در این هنر زبانزد دوران معاصر هستند. غلامحسین صابر، حسن مشکین‌فام، علیرضا عطروش و احمد علامه دهر نیز تاکنون در هنر نقاشی آثار برجسته‌ای تولید کرده‌اند و محمدحسن گلبن حقیقی هم با ابداع هنر «گلیم‌آ»، هنر دست‌بافته‌های ایرانی را با نقاشی‌هایش در آمیخت و تابلوهایی بدیع خلق کرد. نام «صدرالمآلهین ملاصدرای شیرازی» بنیان‌گذار «حکمت متعالیه» به‌تنهایی در میدان فلسفه ایران یکه‌تازی می‌کند؛ بزرگ‌مردی که پس از درک بزرگانی همچون شیخ بهایی در اصفهان و دوران پرماجرای تبعید در روستای «کهک» قم به شیراز بازگشت و در «مدرسه‌ی خان» با یکصد حجره، آموزش صدها مشتاق علم و فلسفه را بر عهده گرفت.

«قطب‌الدین محمود شیرازی» به‌راستی چهره تکرارناشدنی تاریخ پرشکوه شیراز است؛ کتاب «دره‌التاج» او به‌تنهایی نمایانگر تسلط او بر موسیقی است و «تجوم»، «پزشکی» و «علم سیاست» مثل موم در دستانش بود. «سیبویه شیرازی» نیز در «الکتاب» بنیاد و قاعده‌ای شگرف به زبان عربی نگاشت و در عالم ادبیات عرب شهره شد.

«چون پای عرفان به میان آید چهره مردان شیراز چنان می‌درخشد که دیده را از هر چیز باز می‌دارد» (همایونی، ۱۳۵۳: ۸) پاکان خاکی نهادهی که نام و نشان‌شان در تذکره هزار مزار اثر «معین‌الدین ابوالقاسم جنید شیرازی» رخ‌نمایی می‌کند. در این میان «ابن خفیف شیرازی» معروف به «شیخ کبیر» که آثار مرجع و شگفتی‌آفرینی در حوزه عرفان خلق کرد و «شیخ روزبهان» با کتاب «عبر‌العاشقین» جلوه‌ای دیگرگون دارند. آن‌چنان که نمی‌توان نام «ابوحیان توحیدی» و «ابوالحسن دیلمی» را از قلم انداخت.

«شهاب‌الدین عبدالله و صاف شیرازی» نیز نگذاشت جای شیراز در تاریخ‌نگاری خالی باشد و با نگارش «تاریخ و صاف» اثری سترگ در تاریخ و نشر متکلف دوران به یادگار گذاشت. روزنامه‌نگاری را نیز که از نمادهای بزرگ فرهنگی دوران معاصر است، یک شیرازی به‌نام «میرزا صالح شیرازی» با روزنامه‌ی «کاغذ اخبار» در سال ۱۲۵۳ هجری قمری بنیان نهاد.

فرهنگ مردم شیراز

فرهنگ عامه شیراز که می‌توان آن را «فرهنگ مردم» یا «فرهنگ عامیانه» نیز نامید میراث کهنی است که سینه‌به‌سینه از نیاکان برای نسل‌های بعد به یادگار مانده است. برای پی بردن به روحیه هر ملت مطالعه اندکی در فرهنگ شفاهی می‌تواند بخش‌های مهمی از روحيات، افکار و باورهای آن را روشن کند.

فرهنگ مردم که در «سنت‌ها»، «ترانه‌های محلی»، «قصه‌ها و افسانه‌ها»، «لالایی‌ها»، «ضرب‌المثل‌ها»، «متل‌ها»، «آداب و رسوم»، «باورها»، «غذاهای بومی»، «بازی‌ها»، «پوشش و لباس» و ... جلوه‌گری می‌کند، امانت گران‌بهایی است که باید در حفظ آن کوشید و آن را به نسل بعد هدیه داد.

اگرچه «گسترش سریع و شتاب‌زده رسانه‌های گروهی به‌خصوص رادیو، تلویزیون و سینما [و البته اکنون شبکه‌های اجتماعی] و نیز توسعه و ایجاد شبکه‌های راه‌های زمینی و هوایی و تماس ساکنین شهرستان‌ها با مرکز نشینان و [دنیا]، سبب شد فرهنگ مردم، با آن سابقه طولانی دچار پاره‌ای تغییرات و در بعضی موارد نابودی گردد. (خدیش، ۱۳۸۵: ص ۵).

شاید بتوان گفت توجه مردم، این زخم کهنه و نگرانی عمیق و به‌حق را در خصوص فرهنگ عامه در چند سال اخیر اندکی التیام بخشیده است اما هنوز راه زیادی تا احیاء فرهنگ عامه شیراز در پیش داریم.

آداب، رسوم، سنت‌ها، عادت‌ها و باورها مهم‌ترین جلوه از فولکلور یا فرهنگ مردم است که در هر ملت دارای اشتراکاتی هستند اما آداب و سنت‌هایی نیز هستند که منحصرأ در یک نقطه از کشور اجرا می‌شود.

باورهای مربوط به تولد و بچگی، پرورش فرزند و بازی‌هایشان، خواستگاری و نامزدی، عقد و عروسی، درمان بیماری‌ها، مرگ، شادیانه‌ها مثل نوروز و یلدا و آیین‌های معنوی در شیراز ریشه‌ای کهن دارد که با وجود همه ناملایمات و سیل بنیان‌کن مدرنیته، کماکان خون آن‌ها در رگ‌های کوی و برزن شهر جاری است. تعدادی از این باورها که در رفتار مردم نیز جلوه‌گر شده است در گذشته ریشه در عدم دسترسی به علم و دانش داشته و رنگ خرافه به خود گرفته است اما در فرهنگ عامه شیراز اغلب باورها و کنش‌ها و واکنش‌های مربوط به آن‌ها برگرفته از ریشه‌های هویتی و روحیاتی است که پیش‌تر به تفصیل از آن سخن به میان آمد. اغلب آیین‌ها در فرهنگ مردم شیراز نماد و نمودی از دستگیری از یکدیگر، مهربانی، نشاط خانوادگی و اجتماعی، هم‌بستگی و مدارا است.

یکی از جلوه‌های مهم فرهنگ عامه شیراز که در علاقه و میل وافر مردمانش به تفرج دارد، می‌توان «گلگشت‌های آیینی» دانست؛ زمانی که شیرازیان در مناسبت‌ها و بهانه‌های مذهبی یا آیینی به دل طبیعت می‌زدند. به‌عنوان مثال مردم شیراز هفدهم رجب را هر سال که بنا به گفته‌های برخی مورخین مصادف با مرگ مأمون عباسی، عامل اصلی شهادت امام رضا (ع) و حضرت شاه‌چراغ (ع) و بسیاری از برادرانشان است، به شادی و مسرت استقبال می‌کردند و در مکانی که اکنون «دست خضر» نامیده می‌شود به بهانه ادای نذر آتش رشته و حلوا گرد هم می‌آمدند. این آیین گرچه دیگر به قوت سابق باقی نیست اما هنوز غبار فراموشی نپذیرفته و اندک شیرازیان هفدهم رجب مهمان این مکان که به اعتقادشان نظرخانه حضرت خضر نبی (ع) است، می‌شوند (ثابت، ۱۳۹۱: ص ۴۱ و ۴۲) (نیری، ۱۳۷۶: ص ۱۰۳ و ۱۰۴).

یکی دیگر از گلگشت‌های آیینی را که دیگر از آن نشانی نیست اما احیاء آن با اندکی فعالیت رسانه‌ای ممکن است، علی‌نقی بهروزی چنین نقل می‌کند: «مردم بانشاط شیراز، از همان زمان سلطنت کریم‌خان وکیل، عادت کرده بودند که روزهای اول هر ماه قمری به تنگ الله‌اکبر رفت و زیر طاق آن عبور کنند و با این کار هم به تفریح و هواخوری بپردازند و هم از زیر قرآن گذشته و سلامتی یک‌ماهه خود را تأمین کنند.» (بهروزی، ۱۳۴۷: ۹۲).

یکی از سنت‌های معنوی مردم شیراز، زیارت قبور امامزادگان است که در زمان‌های خاصی از هفته انجام می‌شود و در اصطلاح شیرازی‌ها به «شب زیارتی» یا «شب

وخمه» موسوم است. شب‌های جمعه حرم حضرت شاه‌چراغ (ع)، شب‌های سه‌شنبه حرم حضرت علی بن حمزه (ع) و شب‌های دوشنبه حرم حضرت سید علاءالدین حسین (ع) از گذشته‌های دور تاکنون میزبان شیرازی‌های مؤمن است و شاید وجود همین امامزادگان واجب‌التکریم بوده است که در برخی منابع تاریخی شیراز را «دارالزیاره» نیز نامیده‌اند. پذیرایی با آجیل مشکل‌گشا در حرم سید علاءالدین حسین (ع) در روز زیارتی ایشان قدمتی دیرینه دارد که هنوز هم در میان مردم رواج دارد. «امامزاده‌ها به‌عنوان پناهگاه مردم به شمار می‌آیند، آن‌ها از این امامزادگان خواستن شفای بیماری، گشایش کسب‌وکار، گشایش بخت دختران، بچه‌دار شدن زنان نازا و بسیاری از نیازهای دیگر را می‌خواهند.» (گلشنی ۱۳۸۸: ص ۱۵۲).

این درخواست‌ها اغلب به‌صورت نذر انجام می‌شود که شاید معروف‌ترین آن را نذر نادرشاه افشار برای دفع افغان‌ها در ساخت چلچراغ حرم شاه‌چراغ (ع) دانست یا ساخت اولین گنبد حرم ایشان توسط تاشی خاتون مادر ابواسحاق اینجو.

در این میان حضرت احمد بن موسی (ع) در فرهنگ مردم شیراز از جایگاه برجسته‌تری برخوردار است و سنت‌ها و باورهای متعددی را رقم زده است. شیرازی‌ها در گذشته هنگام ورود به حرم این امامزاده واجب‌التکریم پس از زیارت‌نامه این ترانه محلی را نیز می‌خواندند: «الله و نور و رحمتی، افتاده‌ام به زحمتی، شاه‌چراغ کن همتی، دستم بگیر بی محنتی». در شب عاشورا هیئت‌های عزاداری و دسته‌های سینه و زنجیرزی به حرم می‌روند و طبق کش‌ها و علامت پرها در مقابل گنبد تعظیم می‌کنند که جلوه‌ای زیبا دارد. سابق بر این رسم بود بعد از ۴۰ روز نوزاد را به زیارت ایشان می‌بردند و در طول راه به فقرا و صدقه می‌دادند و جالب این که در این مسیر از مقابل مغازه‌های رنگرزی عبور نمی‌کردند تا کودک «بوقلمون صفت» نشود! هنوز هم بسیاری از خانواده‌ها قبل از زیارت اماکن مقدس در شهرها و کشورهای دیگر به‌ویژه حرم امام رضا (ع) به حرم شاه‌چراغ (ع) رفته و از ایشان رخصت می‌گیرند. شاه‌چراغ (ع) در ترانه‌های محلی و شیرازی هم دیده می‌شود و قسم راست شیرازی‌ها هنوز است «به سر شاه‌چراغ (ع)» است.

آرامگاه «شیخ ابو عبدالله محمد بن عبدالله» معروف بابا کوهی در کوه «صبوی» یکی دیگر از گردشگاه‌هایی است که در گذشته اغلب دل‌بستگان به باورهای صوفیانه در سایه‌سار درختان و خنکای صحن کوچک و حوض دل‌انگیزش آرام می‌گرفتند. این مکان که ورودی آن اکنون در حاشیه بلوار جمهوری اسلامی است کماکان از مردم شیراز پذیرایی می‌کند گرچه رنگ‌وبوی معنوی گذشته دیگر در آن رنگ باخته و بیشتر به تفرجگاهی صبحگاهی مبدل شده است. آرامگاه سعدی و حوض ماهی

و قنات آن در گذشته تفرجگاهی آیینی بود و هنوز هم مردم از آن یاد می کنند. شستشوی بدن در لحظه تحویل سال و یا چهارشنبه سوری از رسوم زنانه قدیم است و آن را باطل السحر می دانسته اند. آب حوض ماهی هم به عقیده شیرازیان متقدم بخت گشا بود و زیارت آرامگاه سعدی نیز هم در همسایگی و سایه سار سروهای ناز خانقاه سعدی از آیین هایی است که مردم شیراز به آن پایبند مانده اند؛ همان گونه که سکه دیدار با حافظ شیرازی در خاک مصلی در شیراز از رونق نیفتاده است!

سنت هایی همچون «عروسی درخت نارنج» نمادی از نیک اندیشی، مدارا و مهربانی مردمان شیراز است. درخت نارنجی که بار و بهار نمی دهد در شیراز نه تنها مورد بی مهری قرار نمی گیرد بلکه در سال بی باری، برایش عروسی می گیرند تا از قهر درآید و سال بعد شکوفه دهد! توری سفید برایش فراهم می کنند و نقل و شیرینی روی شاخ و برگش می پاشند؛ با نوازش ترانه های محلی.

مراسم عروسی در فرهنگ عامه شیراز آداب و رسوم بسیار ویژه و پرطمطراقی دارد که اکنون نیز بسیاری از آن ها اجرا می شود گرچه سایه تجملات و تشریفات بر این آیین ها و سنت ها اکنون سنگینی می کند.

ماجرای خواستگاری شروع می شود؛ قبل از آن مادر و خواهر و چند نفر از نزدیکان پسر، به «دلایگی» می روند تا مزه دهان خانواده دختر را قبل از خواستگاری رسمی بدانند! در قدیم اگر در این مراسم با شربت از خانواده پسر پذیرایی می شد پاسخ مثبت بود و در غیر این صورت، یاران داماد باید در پی دختر دیگری باشند. پس از دریافت پاسخ مثبت اولیه، مراسم خواستگاری رسمی با حضور بزرگان فامیل و داماد شکل می گیرد. پس از آن آیین «بله و برون» را برگزار می کنند که علاوه بر آشنایی بیشتر در خصوص مسائل مالی مثل مهریه و طلا و جواهرات و بقیه موارد تا حصول توافق، سخن به میان می آید که در گذشته های دورتر در قبل از آن خانواده عروس میزبان آیین «مهر برون» به صورت مستقیم برای تعیین مهریه می شدند. آیین «رخت برون» که سنت های مخصوص خود را داشته و دارد برای تأمین لباس های نامزدی و عقد و عروسی با حضور زن های خانواده داماد که به آن ها سوری می گویند انجام می شود. مادر داماد به همراه لباس و پارچه و احياناً حتی یک خیاط، یک قطعه طلا یا «گل» برای عروس هدیه می آورد و بازار واسونک خوانی هم داغ است. «واسونک» که علاوه بر عروسی در سایر آیین های شاد شیرازی ها اغلب توسط زنان و دختران خوانده می شود، ترانه هایی بومی است و ریتم و ملودی ویژه ای دارد.

زمان عقد نزدیک و در گذشته آیین های «حمام رفتن»، «بند اندازون» و «وسمه گذاری»

برای عروس به دعوت خانواده‌ی داماد اجرا می‌شد که اکنون جای خود را به آرایشگاه‌های آن‌چنانی داده است! سفره عقد از جنس پارچه ترمه معمولاً رو به قبله و در بالای آن جانمازی زیبا گسترده می‌شود و چهار لاله کاسه‌دار با شمع‌های روشن آن را زینت می‌دهد. عروس در حالی که یک جلد قرآن با صفحات گشوده‌ی سوره مریم و یا یوسف مقابلش گشوده شده و دو کله قند را روی سرش می‌سایند، «بله» را به عاقد و داماد می‌گوید. باورها و آداب و رسوم هنگام عقد شیرازی‌ها هم در نوع خودش جالب است. در این زمان چراغی که با عسل و روغن می‌سوزد، روشن می‌کنند با این امید که عروس و داماد تا همیشه مثل این عسل و روغن با هم بجوشند. در عقدکنان گردنبندی از ابریشم است سبز به گردن عروس می‌اندازند که همیشه بختش سبز باشد و عروس و داماد حتماً از ماستی که با «تربت» متبرک شده، می‌خورند. عروسی نیز آداب رسوم و سنت‌های مخصوص خود همچون «حنابندون»، «حجله برون» و بعد آن هم مهمانی‌های «پاگشا» دارد که تا چند هفته عروس و داماد در سرخوشی این وصلت روزگار می‌گذرانند! (همایونی، ۱۳۵۳: ص ۶۳ تا ۱۱۸). بازی‌های کودکان شیراز هم حال و هوای ویژه‌ای دارد و اغلب بدون تشریفات و ابزار آن‌چنانی اجرا می‌شود. جالب است که «اتل متل توتوله» در این شهر شعر مخصوص خودش را دارد. «پر یا پوک»، «ثرونه تو خط»، «جُمبون جُمبون هبیزه»، «حموم شاه»، «قوطور (ریگ بازی) یا یک قل دو قل» و «گرگم به هوا» از بازی‌هایی است که در گذشته بچه‌ها با آن سر خود را گرم می‌کردند و حالا به جز برخی، بقیه در هیاهوی اسباب‌بازی‌های مدرن و رنگارنگ، جلوه ندارند.

اما عید نوروز که نزدیک می‌شود بیشترین جلوه‌ای از فرهنگ عامه شیراز را می‌توان در کوی و برزن مشاهده کرد. «خانه‌تکانی» یا «رفت و رو»، «سبز کردن گندم، عدس یا تربیزک»، «خرید لباس نو» و «پختن نان شیرین» چند هفته قبل از عید آغاز می‌شود.

شب چهارشنبه آخر سال را مثل بسیاری از نقاط ایران «چهارشنبه‌سوری» می‌گویند. در این سنت علاوه بر رسوم مشترک همه ایرانیان یعنی «پریدن از روی آتش» و «قاشق‌زنی» شیرازیان آیین‌های ویژه‌ی خودشان نیز دارند. زنان شیراز در گذشته عقیده داشتند که در این شب باید حتماً به سعدی رفت و در قنات آن آب‌تنی کنند یا فال گوش ایستادن در معابر هم که بیشتر مخصوص زنان بود، در شیراز رواج داشت؛ به این ترتیب که در معبری به نحوی که کسی آن‌ها را نبیند می‌ایستادند و به گفتگوی عابرین گوش می‌دادند. اگر از عابرین سخنان امیدبخشی می‌شنیدند، به فال نیک گرفته می‌شد و نوید آن بود که سالی نیکو و پر از شادی و سرور در

پیش است. لحظه تحویل سال هم گردهاگرد سفره هفت‌سین شامل سماق، سبزی، سیب، سنجید، سمنو، سکه و سبزی می‌نشستند و «هفت‌میم» هم برای برکت در آن می‌گذاشتند؛ مدنی که نوعی از مرکبات است، مرغ، ماهی، میگو، مسقطی، ماست و مویز.

چند شمع به تعداد افراد خانواده و یک شمع هم برای سلامتی حضرت صاحب‌الزمان (عج)، تخم‌مرغ رنگی به‌اندازه‌ی افراد خانواده، قرآن، اسپند، آب، برنج، آینه، طلا و اخیراً دیوان حافظ یا شاهنامه فردوسی هم در سفره عید قرار می‌دهند. شیرازی‌ها معتقد بودند شمع سفره هفت‌سین را نباید خاموش کرد تا این که بسوزد و تمام شود. در گذشته بسیاری از شیرازیان لحظه تحویل سال را در حرم حضرت شاه‌چراغ (ع) سپری می‌کردند که تا امروز این رسم ادامه دارد. در سال‌های اخیر عده‌ای هم تحویل سال را در آرامگاه حافظ می‌گذرانند. «عیدی بردن برای تازه‌عروسان»، «دید و بازدید عید» و «سیزده بدر» هم از سنت‌های فروردینی مردم شیراز است که هنوز به قوت خود باقی است. در گذشته در صورتی که عید نوروز در ماه محرم قرار می‌گرفت، عید مبارکی در اعیاد قربان و غدیر انجام می‌شد و عیدی نوعروسان را هم در عید غدیر می‌فرستادند. در نوروز سفره مختصری شامل قرآن مجید، سبزی، آینه و میوه انداخته می‌شد؛ اما از سایر تشریفات، چشم‌پوشی می‌کردند. (همایونی، ۱۳۵۳: ص ۵۹ تا ۱۷۲).

شیرازی‌ها در ماه مبارک رمضان هم آیین‌های زیبایی دارند که به فرهنگ عامه آنها جلوه‌ای زیبا بخشیده است. یکی از این آیین‌ها «کلوخ اندازون» یا «کلوک اندازون» است.

در گذشته مردم آخرین جمعه ماه شعبان را به این عنوان می‌نامیدند و این روز را در گلگشت می‌گذرانند. در پایان روز کلوخی به زمین می‌زدند تا شکسته شود و آن را نماد از بین رفتن کدورت‌ها و پلییدی‌ها در آستانه رمضان می‌دانستند. خانواده عروس هم در اولین ماه رمضان وصلت دخترشان، افطاری کاملی برای او می‌فرستند که به «روز والون» موسوم است. آخرین جمعه ماه مبارک رمضان هم «جمعه الوداعی» نام دارد و گذر میان مسجد جامع و مسجد فتح شیراز مملو از زنان و دختران حاجتمند بود که اکنون نیز این آیین تا حدودی اجرا می‌شود. سینه زنی قطاری که در فهرست میراث ناملموس ایران ثبت شده است مهمترین جلوه فرهنگ مردم شیراز در عزاداری ماه محرم است و هنوز در مسجد بغدادی اجرا می‌شود. «طبق کشی»، «تعزیه خوانی» و «پرده خوانی» نیز از آیین‌های ویژه مردم شیراز در ایام عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین (ع) است.

چشمه‌های زاینده^۱ هنر و هنرمندان در آینه تمدن شیراز

شیراز «زادگاه فرهنگ و هنر ایرانیان، دیاری که نوابغ این ملک را در مهد خود پروریده و محراب عشق و حکمت ایرانیان» است. همین چند توصیف ادوارد براون از جایگاه شیراز شاید کافی باشد تا وجوه تمایز این شهر مشخص شود. هنر در شیراز از نگاره‌های باستانی پاسارگاد و استخر گرفته تا گل و مرغ‌های سقف تالار آینه‌ی نارنجستان حکایتی از سال‌ها دلدادگی و هنرنمایی مردمانش دارد. گرچه هنر در جای جای سرزمین کهن ایران زمین ریشه دوانیده اما شیراز، بسیاری از هنرهای اصیل و ممتاز وطن را در دامن پرمهرش پرورانده است؛ شهری که دوران پرتلاطم قوم خردسوز مغول و جانشینانش، بیرق هنر را در ایران به دست گرفت و با زایش مکتب هنری شیراز اول و دوم، اجازه نداد چشمه‌های زاینده هنر ایرانی به‌ویژه در نگارگری خشک شود راهی که سعدی و حافظ برای شعر و ادب پارسی در پیش گرفته‌اند و عرفی شیرازی و یارانش با هجرتی بزرگ به هند در دوران صفویه نه آن‌چنان دوستدار ادب، ادامه دادند تا این گنجینه بزرگ به دست ما برسد. سخن از هنر در شیراز بدون شک در این مقال مختصر نمی‌گنجد لیکن بیان کوتاهی از امتیازهای ویژه زادگاه فرهنگ و هنر، خالی از لطف و بهره نیست.

۱. هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده (گلستان سعدی)

هنرهای نمایشی^۱

گرچه در اسناد و مدارک تاریخی قطعاً به پیشینه هنرهای نمایشی در ایران و شیراز کم‌لطفی شد، با این حال چنان‌که بهرام بیضایی در کتاب «نمایش در ایران» اشاره کرده است: «یکی از قدیمی‌ترین اسناد مکتوب درباره گذشته نمایش در ایران مربوط به فارس و شیراز است که نشان می‌دهد نمایش «کوسه بر نشین» از دوران باستان تا قرن چهارم و پنجم هجری در شیراز اجرا می‌شده است.» (بیضایی، ۱۳۴۴: ص ۴۰). با این حال تعزیه به‌عنوان شاخص‌ترین هنر نمایشی ایران اگرچه در نقاط مختلف کشور رواج داشته است اما صادق همایونی در پژوهشی مفصل با عنوان «شیراز، خاستگاه تعزیه» با بهره از اسناد تاریخی گواهی داده است که این هنر شکل اصلی خود را در شیراز به دست می‌آورد. تعزیه در هند هم توسط دو تعزیه‌گردان شیرازی بنام‌های «میرزا تقی» و برادرزاده‌اش «میرزا باقر» شکوهمندی خود را پیدا می‌کند و نخستین کسانی هستند که «معین‌البکاء» و «ناظم‌البکاء» لقب می‌گیرند.

تعزیه شیراز اکنون در فهرست میراث معنوی ایران ثبت شده و هنوز در ماه محرم، و سایر مناسبت‌های مذهبی خوشبختانه رواج و رونق خود را از دست نداده است. از سوی دیگر گرچه تاریخ دقیق نمایش تخته حوضی را نمی‌دانیم اما این گونه نمایش که به آن سیاه‌بازی و گاه شاه‌بازی هم می‌گفتند دارای قدمتی بیش از سایر شهرستان‌های ایران است. قدیمی‌ترین دسته‌ای که کهن‌سالان شیراز از آن یاد می‌کنند، «ملا آقاتی» نام داشته و کمی بعد دسته معروف «چالانچی خان» که آهنگ آشنای «مهر علی» معرفش بوده است. «دسته آقا بالا» با هنرنمایی «جلال تارزن»، دسته «جلال چشم بالا» و «کهوراث» به‌مرور در پهلوی اول شکل می‌گیرند و پس از آن «سید رزاق» به همراه برادرش «سید محمود» دسته «سید رزاق» را تشکیل می‌دهند که در شیراز و حتی نقاط مختلف فارس شهره می‌شود. «اصغر محمدی» به خاطر اجراهای زن پوشش دسته «اصغر ماتیکی» را شکل می‌دهد و شهرت ویژه‌ای کسب می‌کند. او اولین کسی است که یک زن به‌نام «مهرانگیز» را به عرصه‌ی نمایش‌های سنتی شیراز وارد کرده است. قرار دادن تخته روی حوض‌خانه‌های قدیمی و اجرای نمایش بر روی آن، وجه تسمیه این نمایش است که سال‌ها طرب و شادی مجالس شادی شیرازیان را رقم می‌زده و افسوس که جای خود را به موسیقی‌های رقت‌انگیز داده‌اند!

تئاتر به شیوه‌ی غربی در شیراز تا مدتی «تعزیه» و نمایش‌های سنتی مثل تخته‌حوضی را به دلیل خفیف‌نگری روشن‌فکران و ناآشنایی با پیدایش و تحول

۱. منبع اصلی اطلاعات این بخش کتاب تاریخ تئاتر فارس نوشته احمد سپاسدار است.

هنر نمایش در جهان، به انزوا کشاند اما به هر حال جایگزین این نمایش‌ها شد و به مرور جایگاه خود را در هنر ایران پیدا کرد. لطفعلی معدل ملقب به معدل السلطنه یکی از شهرداران شیراز را که چند دوره نیز نماینده مردم در مجلس شورای ملی بود، بنیان‌گذار تئاتر در شیراز می‌دانند. «معدل باور داشت که به وسیله‌ی تئاتر می‌توان فرهنگ مردم را متعالی ساخت.» او حتی در سال ۱۳۰۴ شمسی در نمایشی با عنوان «سرحد کمال» نقش اصلی را ایفا می‌کرد و پس از آن چندین نمایش را نیز رهبری نمود.

بنابراین تئاتر به شیوه جدید در شیراز قدمتی بیش از یک قرن دارد و پرچمی که معدل به دست گرفت و عطاءالله زاهد، اخلاقی، نوذری، حسین هاتف، محمود خاقانی، عباس خلعت آرا و اکبر جنتی در کنارش بودند، پس از آن در تماشاخانه‌های متعدد و سپس مدارس توسط محی‌الدین لایق، جعفر توکل، رحیم هودی، عزت‌الله و محبوبه مقبلی، عین الشریعه پیران و... برافراشته ماند.

مهدی فقیه، محمدجواد بخشی زاده، احمد سپاسدار، محمود پاک‌نیت، عباس و مجید افشاریان، کاظم صراطی، کاظم تعبیدی، حبیب دهقان نسب، محمدحسن زارعی، حمید مظفری، جعفر بابا ملک، اصغر همت، قدرت‌الله پایدار، نادر شهسوار، قاسم پور شکیبایی، محمد فیلی، جمشید اسماعیل خانی، گوهر خیراندیش، حبیب بختیاری، کاظم روزی‌طلب، حسن پور شیرازی، امین تارخ، مجید شناور، علی نقی رزاقی، قاسم امین بی‌طرف و بسیاری از هنرمندانی دیگر نسل‌های بعدی تئاتر شیراز را نمایندگی کردند. اکنون نیز گروه‌های مختلف تئاتر از نسل جوان جایگاه ویژه‌ای در هنرهای نمایشی ایران دارند.

شعر گویشی

شعر گویشی شیراز که دیرینه‌ای به درازای یک هزاره دارد یکی از مصادیق فرهنگ عامه و از سوی دیگر نمادی از هنری اصیل در این شهر است.

گویش شیرازی اساساً دنباله زبان پهلوی یا فارسی میانه است اما آنچه شیرازیان بدان سخن می‌گویند، با گویش گفتاری معیار، نزدیکی فراوان دارد با این تفاوت که دارای ویژگی‌های گویشی خاص خود است. گویش شیرازی از شاخه‌های «گویش دری» در امتداد تاریخ ۱۲۰۰ ساله‌اش بود که از قرن ۹ هجری جایگزین «گویش قدیم شیراز» شده است. نمونه‌های گویش قدیم شیراز از قرن هفتم تا نهم هجری را می‌توان در «مثلثات و ابیاتی از سعدی»، «مثنوی کان ملاحه» از «شاه داعی‌الله»، ابیاتی از ابواسحاق اطعمه شیرازی، چند مصراع از غزل حافظ و غزلی از قطب‌الدین

شیرازی مشاهده کرد؛ اما بیشترین نشانه‌ها در دیوان «شمس پُرس ناصر» دیده می‌شود. تمام اشعار این شاعر قرن هشتم هجری به گویش شیرازی است. از زمان آل‌بویه تا قاجار فقط یک گونه لهجه شیرازی وجود داشته که هم‌اکنون به‌نام شیرازی اصیل شناخته می‌شود، اما در کل لهجه‌های شیرازی را به «شیرازی میانه»، «شیرازی پودونکی» و «شیرازی قصرالدشتی» تقسیم می‌کنند که تفاوت آن‌ها به وجود اصطلاحاتی خاص است که در لهجه‌های منشعب وجود دارد.

همان‌طور که دیدیم نام و نشان و اسناد موجود از گویش و لهجه شیرازی در آثار شاعران این شهر دیده می‌شود اما پس از ابیات موجود در کتاب «کان ملاح‌ت» شاعر و عارف قرن نهم شیراز اثر چندانی از شعر گویشی در دست نیست تا این که دکتر بیژن سمندر در سال ۱۳۵۴ با کتاب «شعر شهر» و پس از آن ۱۳۵۵ با کتاب «شعر شیراز» در این عرصه گام نهاد و با اقبالی درخور از سوی جامعه ادبی و عموم مردم مواجه شد.

این شاعر گرچه در ترانه‌سرایی، موسیقی و خوشنویسی از چهره‌های نام‌آشنای هنر معاصر شیراز است اما نامش با شعر گویشی شیرازی پیوند خورده و می‌توان او را بنیان‌گذار سرودن شعر به گویش شیرازی در دوران معاصر دانست. «شیراز از گل به‌ترو» یکی از بهترین آثار بیژن سمندر در این حوزه است و هنوز کسی نتوانسته اثری به استواری آن در این‌گونه خلق کند.

از دهه ۷۰ شاعرانی همچون «یدالله طارمی» با کتاب‌های «شمیم نسترن»، «بهار نارنج» و «نسیم دلگشا»، «حبیب دادرس»، «احد دهبزرگی» با کتاب «آفتاب جنگ شیراز»، «مهدی مباشر»، «غلامعلی خوشبخت» با کتاب‌های «ساعت گل» و «باغ آینه»، «حسن هاشمی» با کتاب «خاک شیراز» و «مریم دانشفرد» با کتاب «کاکو شیرازی» در حوزه شعر شیرازی گام‌های خوب و مؤثری برداشته‌اند که خوشبختانه در انجمن‌هایی همچون «بهار نارنج» به‌صورت تخصصی به پرورش شاعران بومی‌سرا نیز پرداخته می‌شود.

صنایع دستی و هنرهای سنتی شیراز

شیراز در سال ۱۳۹۸ شمسی از در زمره یکی از شهرهای جهانی صنایع دستی قرار گرفت که این عنوان نمادی از گستردگی و تنوع این گونه‌ی هنری در این شهر است. صنایع دستی و هنرهای سنتی محصولاتی هستند که از جلوه‌ای فرهنگ عامه نیز به شمار می‌روند و سینه‌به‌سینه از نسل‌های گذشته به یادگار مانده‌اند؛ تمام مراحل ساخت آن‌ها با دست انجام می‌شود و شکل، فرم ساخت و نقوش آن‌ها ریشه در سنن و فرهنگ و تمدن هر ملت دارد (مشکین فام، ۱۳۹۶: مقدمه).

اغلب این هنرها گرچه روزگاری صنعت به شمار می‌رفت و برای تأمین ابزار و آلات مورد نیاز زندگی و کار شکل گرفتند اما ظرافت و ابتکاری که صنعتگر در تولید آن به خرج می‌داد آن‌ها را در زمره هنر گنجانند. بسیاری از این هنرها به دلیل منسوخ شدن مشاغل از یاد رفته‌اند و امروزه بیشتر جنبه تزیینی دارند لیکن هنوز برخی به حیات خود ادامه می‌دهند. کمیته ملی یونسکو در ایران برای حفظ این یادگار بزرگ گذشتگان، آن‌ها را در فهرست میراث معنوی یا ناملموس کشور ثبت می‌کند که تلاشی در مسیر ادامه راه صنایع دستی و هنرهای سنتی بشمار می‌رود. هنر «جوک کاری» یکی از اصیل‌ترین هنرهای سنتی و صنایع دستی شیراز است که می‌توان آن را مادر هنر «خاتم» نیز دانست.

شیرازی‌ها در «قلم‌زنی» هم دارای مکتب ویژه خود هستند و در «معرق کاری» و «مشبک کاری» و «شیشه‌گری» نیز حرف‌های زیادی برای گفتن دارند. شیراز در فرش نیز به دلیل حضور گاه و بی‌گاه قشقایی‌ها در شیراز ابتکارات ویژه‌ای دارد و سه فرش «فیلی»، «بولوردی» و «ده بزرگی» از نگاره‌های خاص برخوردارند.

خاتم کاری

هنر خاتم کاری شیراز در این میان از شهرتی ویژه برخوردار است. خاتم کاری منبر مسجد جامع عتیق با قدمتی چند صد ساله و بسیاری شواهد دیگر گواه برخاستن هنر خاتم کاری ایران از شیراز است و حتی دوران شکوفایی خاتم در دوران صفویه را به دلیل حضور خاتم کاران شیرازی در پایتخت می‌دانند. هنرمندان شیرازی دوران زندیه و قاجار با حمایت حاکمیت، شاهکارهای مهمی همچون صندوق خاتم حرم حضرت علی (ع) و درهای حرم حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) را خلق کردند و پیشینه‌ی خاندان‌های خاتم‌ساز همچون «گلریز خاتمی» به چند قرن می‌رسد. «محمد صنیع خاتم» در سال ۱۲۷۰ در خانواده‌ای متولد شد که چند نسل خاتم‌ساز بودند. او را می‌توان احیاکننده هنر خاتم در ابتدای پهلوی دانست که در طول ۸۰ سال عمر خود آثار متعددی در بقاع متبرکه با همکاری استادان خاتم‌ساز تولید و ده‌ها مدال و نشان هنری در زمینه این هنر از ایران و کشورهای آمریکا، عراق، سوریه، لبنان و... دریافت کرد.

اکنون نیز هنر خاتم خوشبختانه با ابتکار هنرمندان و خلق آثار هنری متناسب با نیاز جامعه رونق دارد و کارگاه‌های متعددی همچون غلامی، کلاهی، اطمینان، گلریز خاتمی، کشتی‌آرای، ستایش، لک، سلطانی، داناپور، فلاح‌پور، حقیقت، وثوقی، سبکی، نصیری، فرزانه، اوجی و صالحه در نقاط مختلف شیراز به‌ویژه بافت تاریخی فعالیت می‌کنند.

کاشی‌نگاری

کاشی‌نگاری یا کاشی کاری یکی از هنرهای اصیلی است که ریشه‌های آن را حتی می‌توان در نقوش لعابدار بناهای هخامنشی نیز جستجو کرد. هنرمندان شیراز نیز در این عرصه از سرآمدان روزگار بوده‌اند، از کاشی‌های مدرسه خان در دوره صفویه تا کاشی‌نگاری‌های کم‌نظیر بناهای زندیه و پس از آن قاجار.

کریم‌خان زند با دعوت از هزاران هنرمند و صنعتگر در دوران باشکوه چهارده‌ساله حکمرانی خود، علاوه بر ارج‌گذاری به هنرمندانی که در سایه بی‌مهری آرمیده

بودند، ماندگاری بخش مهمی از تاریخ و تمدن ایران و شیراز را موجب شد. ایجاد کاشی‌پزخانه «آقا بهرام شیرازی» خالق نگاره‌ی نبرد رستم و دیو سپید در سردر ارگ کریم‌خانی؛ عطف این هنر در شیراز است. در همین دوران است که «آقا صادق نقاش» مجالس نقاشی ایوان عمارت هفت‌تنان را به زیبایی خلق می‌کند و سردر ورودی و ایوان مروارید مسجد وکیل به آثار نگارگران و کاشی‌کاران مزین می‌شود. آقا بهرام شیرازی پس از آن، نمای عمارت هشت‌گوش «کلاه‌فرنگی» باغ نظر را انجام داد و به فرمان «وکیل‌الرعا» مسئولیت سرکشی وی به سایر کاشی‌پزخانه‌های شیراز را نیز بر عهده گرفت. مرگ کریم‌خان زند در سن ۸۰ سالگی و نزاع‌های قدرت، هنرمندان را در محاق فراموشی فرو برد. «محمد بهرام شیرازی» تنها پسر «بهرام شیرازی» به تهران مهاجرت کرد و روزگاری در فقر به سر برد تا این‌که بالاخره با قبول سفارش ساخت مجالس هفت‌خان رستم در باغی از شمیرانات، زندگی دوباره یافت و با همکاری پسران هنرمندش «محمود کاشی‌پز شیرازی» و «احمد کاشی‌پز شیرازی» به زیبایی آن را به سرانجام رساند. «محمد بهرام شیرازی» و «احمد کاشی‌پز شیرازی» دارفانی را وداع گفتند و «محمود» تنها ماند اما او نیز راه جد، پدر و برادرش را ادامه داد و با اداره کاشی‌پزخانه‌اش بسیاری از آثار کاشی‌هفت‌رنگ تهران را ساخت. سال ۱۲۶۵ هجری با وزارت میرزا ابوالحسن‌خان مشیرالملک و تصمیم او برای ساخت مسجد مشیر، «آقا محمود شیرازی» دوباره به زادگاه فراخوانده شد. آقا محمود در جای‌جای مسجد مشیر گل‌های رنگ در رنگ را در حصار نقوش جادویی اسلیمی و ختایی در اوج زیبایی و شکوهی معنوی به‌ویژه در کاربرد مقرنس سقف‌ها و ایوان‌ها به یادگار گذاشت (هادی سیف، ۱۴۰۰: ص ۷۸). کاشی‌نگاری مسجد مشیر آشکارا حکایت از نهضتی نوین در کاشی‌های هفت‌رنگ دارد. آثار چیره‌دست استادکارانی همچون «آقا جمال کاشی‌پز شیرازی»، «مهدی ابن استاد علی‌اکبر شیرازی»، «سید شریف کاشی‌نگار شیرازی» و «آقا عبدالحمید کاشی‌پز» در جای‌جای این مسجد جلوه‌گری می‌کند. «آقا محمود» سپس سقف حوض خانه «سرای مشیر» را به هنر خود می‌آراید و سپس نقاشی‌های کم‌نظیر «آقابزرگ شیرازی» از مجالس مصیبت کربلا بر «حسینی‌های مشیر» نقش می‌بندد؛ مکانی در محله سنگ سیاه و در همسایگی مسجد مشیر که صد افسوس آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری بر آن وارد شده است. «آقا مصطفی شیرازی» فرزند «آقا محمود شیرازی» نیز در سال‌های حضور پدر شیراز، در تهران طرحی نو در انداخته و با ادامه راه پدر در آثار مهمی به‌ویژه در کاخ گلستان می‌آفریند. او پدر «حسین کاشی‌پز شیرازی» و جد علیرضا قوللر آغاسی است که آن‌ها نیز در

توسعه هنر کاشی هفت‌رنگ نقش مهمی داشته‌اند.

نیمه نخست قرن چهاردهم است که محمدحسن معمار توسط میرزا ابوالقاسم نصیرالملک فراخوانده می‌شود تا مسجد باشکوه نصیر را بنا کند. محمدحسن معمار، کاشی‌کاری مسجد را به «محمدرضا کاشی‌پز» از رهروان «آقا محمود شیرازی» می‌سپارد که او نیز دست به دامن «حسین کاشی‌نگار شیرازی» نوه آقا محمود می‌شود. «برپاکندگان رنسانس کاشی‌های هفت‌رنگ در کاربرد رنگ‌های روحی و جسمی چونان رنگ زرد، سیاه، لاجوردی، سبز و به‌ویژه رنگ صورتی بر تن کاشی‌های شبستان و ایوان‌های مسجد چنان اعجازی به خرج داده‌اند که بسا بی‌اغراق در کم‌تر کاشی‌های هفت‌رنگ خانه‌خدایی به تماشا نشست و از کجا که فاش‌کننده راز آتش همیشۀ فروزان دل محمدرضا کاشی‌پز شیرازی نبوده است در تنوع رنگ‌های صورتی و سرخ!» (هادی سیف، ۱۴۰۰: ص ۹۴).

کاشی‌نگاری‌های نارنجستان قوام و خانه زینت‌الملک را نیز «میرزا جواد» شهره به «جواد کاشی‌پز» انجام داد؛ کسی که او هم سالیان دراز نزد «آقا محمود شیرازی» تلمذ کرد و هنرش را مدیون خاندان «آقا بهرام شیرازی» است.

از اواخر دوران قاجار بیرق کاشی‌نگاری در دستان فردی به‌نام «میرزا عبدالرزاق شیرازی» می‌افتد. او کاشی‌نگاری خانه‌های تاریخی مهم قاجار همچون خانه دخانچی، عطروش و... را بر عهده و در کاشی‌نگاری مسجد نصیرالملک نیز همکاری داشته است. کریم فغفوری که فرزند اوست نیز در کارگاه پدر هنر را آموخت و به تعمیر آثاری همچون مدرسه خان، مسجد وکیل و باغ عفیف‌آباد همت گماشت. کاشی‌نگاری مسجد خیرات، مسجد شیخ علی‌خان، مسجد سیاحتگر و خانقاه احمدی هم از دیگر آثار برجسته این هنرمند شیرازی است. «میرزا محمدعلی» برادر میرزا عبدالرزاق شیرازی هم ابتدا در کارگاه جنب باغ کلاتری هنرنمایی می‌کرد تا این‌که کارگاه را به محله‌ی لب آب انتقال دادند. رحیم غربی فرزند میرزا محمدعلی و پس از او فرزندش غلامعلی غربی نیز با ادامه راه نیاکان، کاشی‌کاری‌های همچون حرم سید علاءالدین حسین (ع)، مکتب الزهراء (س)، مسجد حاج عباس و... را به سرانجام رساندند.

در اوایل دوره پهلوی نقش حاج باقر جهانمیری بسیار مهم و برجسته است. او استاد ساخت و ترکیب رنگ برای نقاشی روی کاشی است و بازسازی کاشی‌های عمارت باغ نظر، باغ ارم و نارنجستان قوام را انجام داد. نقاشی کاشی‌های سردر امامزاده سید تاج‌الدین غریب (ع) و امامزاده ابراهیم (ع) که از شاهکارهای هنری کاشی‌نگاری به شمار می‌روند از دیگر آثار حاج باقر جهانمیری است. او دو هنرمند شایسته کاشی

هفت‌رنگ شیراز یعنی علی مهر بخش و قاسم حقیقی را پرورش داد. کریم حقیقی، حبیب سیف، صدراله اوجی، حمید اوجی، محمود نقاش زاده خالق کتیبه‌ها و کاشی‌کاری سردر حرم شاه‌چراغ (ع)، خاندان شیشه‌گر (آقاقلی، محمدعلی، محمود، احمد و مسعود شیشه‌گر)، رسول تمیز، حسین تعبیدی و برادرش علی تعبیدی، محمود شرقی، اسماعیل ذوالفقاری، بهنام کریم زاده، آزاده حسن‌پور، یدالله و شهرام کریم زاده، علی و خلیل صحرانورد، سعید و حسن روستا، امیر قربانی، فتح‌الله عدل آسا، امرالله و هاشم سیرجانیان، رمضان رحمتی، عوض، محمد، مهدی و کرامت مقرنس‌بند، غضنفر رستمی، احمد زجاجی، علی‌اکبر تقوی، حسینعلی صرافت، غلام‌خلقی شیرازی، اکبر کاراندیش، عبدالحسین، عبدالرضا و قاسم مه‌ور کریمی هنرمندانی هستند که چراغ این هنر را در شیراز تا به امروز روشن نگاه داشته‌اند.

آمد زین و آن پستان
تک مار تپت در کشد
بند شاهزاده از آده عباست

بر او خواند پس نام کیان
ز دل نه پهلوی بر کشد
شاه بگر او مذ دوسی و گراوند

غوکوس شادی از ایران
چو شری که بگوار و گشت
را بر زمین زدن او را و

ز بگاه ماسی بر آمد مباد
ز زن بر بان سل بکشت
بجگر پهلوی او را شکا پهن



خبر جگر کا و او چاکر
آمد چو غنچه شری بخش

جان پاک ران دیو ناکر
سایش کن بر بریز و بخش

بر آستان شاه پر حش
وزان دیو زادن روی کرده

سایش بریز و آن پر و زگر
روشن ببول از جان سوه

یادگار باشکوه نیاکان مکتب هنری شیراز در گذرگاه تاریخ

ریشه مکتب هنری شیراز را باید در توجه کم‌نظیر پادشاهان آل بویه به اندیشه و هنر جستجو کرد. «سهم آل بویه در غنا بخشیدن به فرهنگ و هنر و بارور کردن مبانی علمی و هنری بیش از دیگران بود و این کار البته با محوریت شیراز صورت گرفت. تشویق و حمایت از ارباب علم و دانش و هنر در سرتاسر آل بویه مشاهده می‌شود و کسی که بیش از دیگران در این قلمرو از خود کوشندگی و فعالیت نشان داد، عضدالدوله است.» (آژند، ۱۳۹۳؛ ۲۷).

در دوران او کتابخانه عظیم و بیمارستان عضدی ساخته شد و در کارگاه‌های کتابت، کتاب‌های فاخری همچون «صور الکواکب» نوشته، خطاطی و تصویرگری شدند. اما مکتب نگارگری شیراز، ام‌المکاتب ایران در قلمرو کتاب‌آرایی است و نشانه‌های آن در تصویرگری مکتب بغداد قرن ششم دیده می‌شود و هم شکوفایی مکتب تبریز. این مکتب در دوران آل اینجو با تصمیم جدی پادشاهان این سلسله به‌ویژه ابواسحاق برای کتاب‌آرایی شاهنامه عملاً متولد شد. آن‌ها کارگاه‌های هنری به‌نام «کتابت‌خانه» در کنار کتابخانه‌ها فراهم آوردند و در همین زمان بود که ۴ نسخه شاهنامه، کلیده‌ودمنه، کیمیای سعادت و مونس‌الاحرار در شیراز کتاب‌آرایی شد. در دوران ابواسحاق اینجو بود که «پیر یحیی صوفی» از شاگردان یاقوت مستعصمی به شیراز آمد و لقب «جمالی» اش را از «جمال‌الدین» لقب ابواسحاق گرفت. او کتیبه

مسجد جامع عتیق را نگاشت و قرآنی ۳۰ جزئی را به خط ثلث کتابت کرد که تاش خاتون مادر شیخ ابواسحاق آن را وقف آستان شاه چراغ (ع) کرد. در این دوران زنان کتابت می کردند، مردان نگارگری، دختران تذهیب می کردند و پسران حرفه تجلید و صحافی را بر عهده داشتند به طوری که نسخه برداری از آغاز تا انجام در خانه صورت می گرفت.

از این دوران و مکتب اول شیراز به جز موارد گفته شده، متن بی نظیری از نجوم، یک نسخه ی سه جلدی از یک داستان فارسی و بخشی از ترجمه فارسی تاریخ طبری نیز با هنر نگارگری و کتاب آرایی مکتب شیراز خلق شده است. شاهنامه ای که دارای ۸۹ نگاره در سال ۷۳۱ هجری کتابت و نگارگری شد و هم اکنون در کتابخانه ی توپقایی سرای نگه داری می شود، نماد کتاب آرایی دوران آل اینجو است گرچه پس از آن شاهنامه قوام الدین حسن وزیر دربار اینجو نیز در ۷۴۱ هجری به گنجینه مکتب شیراز اول افزوده شد.

دوران آل مظفر و پادشاهان خوش نامش شاه شجاع و شاه یحیی نیز در این عرصه پرشکوه جولانگاه هنرمندان مکتب شیراز بود. در سال ۷۷۱ هجری یک شاهنامه با ۱۲ نگاره و در سال ۷۹۶ هجری شاهکار حکیم طوس با ۶۷ نگاره در شیراز خلق شدند که از جلوه های کم نظیر مکتب شیراز به شمار می روند. یک نسخه تاریخ جهان گشای جوینی، یک نسخه کلیله و دمنه و یکی از اولین نسخه های مصور خمره در دوران آل مظفر به زیور مکتب شیراز آراسته شده اند.

مکتب شیراز اول در استفاده از طیف رنگ های گرم به ویژه قرمز در میان سایر مکاتب نگارگری ایران متمایز است و «بازگشت به هنر ایران قبل از اسلام» و «کمترین میزان تأثیر از هنر چینی» از دیگر ویژگی های آن به شمار می رود.

مکتب شیراز دوم در دوران ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ که در واقع از نوادگان هندوستان تیمور گورکانی است در اواخر سده هشتم شکل می گیرد. ابتدا اسکندر سلطان پسرعموی او برجسته ترین هنرمندان را در شیراز گرد هم آورد که منجر به خلق اولین اثر مهم مکتب شیراز دوم یعنی «گلچین اسکندر سلطان» شد. پس از گردنکشی های متعدد اسکندر سلطان در مقابل شاهرخ تیموری، بالاخره او سرنگون شد و شاهرخ، پسرش ابراهیم سلطان را حاکم فارس و شیراز کرد. او خود از هنرمندان خوشنویس بزرگ تاریخ ایران است و قرآن هفده منی دروازه قرآن و قرآن نفیس موزه آستان قدس رضوی به خط اوست. در دوران او نگارگری تکامل یافت و یکی از زیباترین شاهنامه های مصور به نام «شاهنامه ی ابراهیم سلطان» در سال ۸۳۴ تا ۸۳۹ هجری خلق شد. جالب آن که هنر تصویرگری در شاهنامه که می توان آغاز آن را

با شاهنامه سال ۷۳۱ هجری کتابخانه‌ی توپ‌قاپی سرای دانست با شاهنامه مصور به‌نام شاهنامه داوری با خوشنویسی «محمد داوری» از فرزندان وصال و نگاره‌های لطفعلی صورتگر به پایان رسید.

مکتب هنری شیراز که در دوران صفوی در این شهر جلوه‌ای ویژه نداشت با روی کار آمدن کریم‌خان زند در کاشی نگاره‌ها و هنرنمایی «آقا بهرام شیرازی» بار دیگر جان گرفت و در دوران قاجار با نام‌هایی همچون «آقابزرگ شیرازی»، «صدرالدین شایسته» و «لطفعلی صورتگر» بار دیگر زینت‌بخش قلمدان‌ها، نسخ خطی و نقوش کاشی و سقف و ایوان خانه‌ها و عمارت‌های شیراز شد.

فصل پنجم

مهدی پارسایی

معماری شهر شیراز





معماری شیراز

سابقه سکونت جمعی انسان در دشت شیراز به بیش از ۷۰۰۰ سال برمی گردد اما کهن ترین آثار معماری مرتبط با زیست جمعی شیراز باقیمانده در این جلگه به روزگار ساسانیان یعنی ۱۸۰۰ سال پیش باز می گردد.

در آن دوران در دشت شیراز قلعه های کوچکی در میان کشتزارها و باغات یا دامنه کوه ها وجود داشته که جمعیت اندکی را در خود اسکان می داده است.

از روزگار هخامنشیان شیراز یکی از توقف گاه های بین راهی در میان پایتخت های فصلی شاهنشاهی هخامنشی بوده و حیات آن در روزگار ساسانیان نیز به عنوان بخشی از مسیر ارتباطی میان شهرهای بزرگ ایران تعریف شده است.

نقش برجسته های ساسانی « برم دلك » و « گویم » نشانگر اهمیت مذهبی و جایگاه ارتباطی دشت شیراز به عنوان توقفگاه بین راهی در مسیر کاروان های بازرگانی ایران باستان بوده است.

پس از فتح قلعه های واقع در دشت شیراز توسط اعراب در سال ۱۷ هجری، جلگه شیراز به عنوان لشکرگاه مسلمین برای فتح دیگر مناطق فارس به خصوص شهر استراتژیک استخر قرار گرفت اما حکام عرب به زودی دریافتند که شهر بزرگ استخر با مردمانی که همچنان بخش اعظمی از آنان کیش زرتشتی داشتند، برای فرمانروایی به آنان رکاب نخواهد داد.

از این رو در سال ۷۴ هجری قمری بنیان شهر شیراز به عنوان اولین شهری که مسلمانان در فتوحات شرقی خود بنا می‌نهادند بنیان گذاشته شد و به مرور نودینان تازه مسلمان از دیگر ولایات فارس به سوی شیراز سرازیر شدند. ساخت شهر نیازمند مصالح و نیروهای متخصص مهندس و معمار و بنا بود که قاعدتاً در ساخت شهر شهر جدید از الگوهای آزموده و تجربه‌های پیشین خود استفاده می‌کردند. از این رو میراث هنر معماری و شهرسازی شهرهای هخامنشی و ساسانی فارس به یکباره در شهر شیراز انباشته و بازآفرینی شد. سنتی که نسخه‌های متنوع ویرایش‌های آن، با گذر ۱۴ قرن، همچنان قابل تماشاست. و ساختار شهر و معماری شیراز معاصر ما را شکل می‌دهد.

در ادامه به اختصار بخش‌های مختلفی از سیاق شیرازیان در معماری و شهرسازی را مرور می‌کنیم.

اصول حاکم بر معماری تاریخی شیراز تابع قواعد کلی حاکم بر معماری ایران بوده است و معماران شیرازی تنها در مواردی اندک، تحت تاثیر فرهنگ و اقلیم شیراز، تفاوت‌های محدودی را ایجاد کرده‌اند.

درونگرایی:

درونگرایی به معنای عدم خودنمایی معماری در نمای خارجی و توجه به درون بنا است. ساخت حیاط مرکزی در میانه‌ی زمین و احداث عمارت در اطراف حیاط یکی از مصداق‌های آن است. ساخت بنای خانه در قالب دو حیاط اندرونی و بیرونی و تفکیک بخش مهمانان از محارم خانه شگرد دیگر معماران شیرازی برای تاکید بر اصل درون گرایی در معماری است. ارتباط درون و بیرون از طریق هشتی و دالان به عنوان فیلتر ورودی مصداق دیگر آن است.

مردم‌واری:

ساخت بناها در مقیاس انسانی، پرهیز از برافراشتن سازه‌های مرتفع و توجه به نیازهای انسان در ساحت مادی و معنوی که این همه به خوبی در بناهای تاریخی شیراز دیده می‌شود. اصل دیگری در سیاق معماران شیرازی است عقب نشینی در جداره‌ی گذر و احداث سکوی پیر نشین در ورودی بناها سه پوش کردن گنبد ها در بقاع برای انسانی کردن تناسبات و ساخت سکو برای نشستن مشتریان در بازارها از بارز ترین مصداق‌های اصل مردم‌واری در معماری شیراز است.

استفاده از مصالح بوم آورد:

تمام آنچه امروزه به عنوان بناهای تاریخی شهر شیراز می‌شناسیم، با مصالحی برآمده از جلگه شیراز یا حداکثر مناطقی در شعاع ۵۰ کیلومتری آن احداث شده است. رعایت این مهم در پایداری اقتصاد شهری و باز زنده سازی بناها پس از هر زلزله یا سیل و سانحه موثر بوده است. شاید تنها مورد نقض این اصل، منبر ۱۴ پله مسجد وکیل باشد که سنگ مرمر آن از مراغه به شیراز آمده است.

پیوند باغ و معماری:

اقلیم شیراز مستعد ساخت باغ و شیرازیان مشتاق احداث باغ بودند از این رو در شیراز معماری به عنوان ظرف زندگی در همه گونه‌های خود با باغ پیوند خورده است. پس به جای خانه، «خانه باغ» به جای مدرسه، «باغ مدرسه» و حتی به جای مسجد، «باغ مسجد» داریم. از مجموع ۶۰ مسجد تاریخی شیراز بیش از ۴۰ مسجد آن دارای باغچه‌هایی با درختان نارنج و سرو و نخل هستند.

گنبد غنچه گلی:

احداث گنبد روی پلان مربع هدیه معماران ایرانی به معماری جهان است قدیمی‌ترین نمونه این گنبد نیز در بنای قلعه دختر فیروزآباد فارس قرار دارد. از این رو می‌توان خطه فارس را مهد گنبدهای ایرانی به شمار آورد. اگرچه استفاده از فرم گنبد در ساخت بناهای دوره ساسانی به ویژه در آتشکده‌ها و چهارطاقی‌ها رایج بوده اما پس از اسلام معماران شیرازی از گنبد در ساخت بنای مسجد استفاده نکردند و تنها از قرن ۴ به بعد گزارش‌هایی مبنی بر ساخت گنبد بر مزار و بقعه امامزادگان شیعه به ویژه بقعه حضرت شاهچراغ داریم.

این سنت تا ۳۰ سال پیش در شیراز رعایت می‌شد به نحوی که هیچ کدام از مساجد شیراز گنبد نداشتند و گنبد صرفاً بر زیارتگاه‌ها بقاع متبرکه امامزادگان احداث می‌شده است.

آنچه گنبدهای شیراز را از دیگر نقاط ایران متمایز می‌کند، هندسه و خط آسمان آن‌هاست. که از همه‌ی گونه‌های گنبد (نار، رُک، اورچین) متفاوت است. خط گنبد غنچه گلی از گریویا ساق گنبد با انحنایی جسورانه بیرون آمده و با کنسولی ۲*۳ متر دوباره به سمت محور اصلی گنبد باز می‌گردد. از آن جا که دورنمای آن‌ها شبیه به غنچه گل است آن را گنبد غنچه گلی می‌گویند.

اگرچه سابقه این گنبد را در قالب شیوه‌ای به نام گنبد سروک در نگاره‌های تاریخی از



شیراز می‌بینیم. گنبد سروک نیز برعکس دیگر گونه‌های گنبد ایرانی دارای رعنائی ویژه‌ای بوده است و آخرین نمونه‌ی آن پیش از برچیده شدن و ساخت گنبد فعلی بر مزار سید میرمحمد(ع) قرار داشت. خاندان فصحتی با سابقه دو قرن معماری در شیراز، مبدع و سازنده این نوع از گنبد هستند.

مساجد شبستانی:

علیرغم آنکه فارس مهد ساخت گنبد در تاریخ ایران است، اما مساجد شیراز به عنوان شاخص‌ترین بناهای شهری در ۱۴ قرن گذشته، گنبد ندارد. این در حالی است که استفاده از گنبد در مساجد عمده ولایات ایران، اصیل مساجد شبستانی طراحی می‌شده و معماران شیرازی از احداث گنبد و مناره در مساجد حذر کرده‌اند. حداقل از قرن پنج به بعد رایج بوده و موضوعی کاملاً شناخته شده است؛ اما در شیراز پلان مساجد به شیوه اصیل مساجد شبستانی طراحی می‌شده و معماران شیرازی از احداث گنبد و مناره در مساجد حذر کرده‌اند.

مصالح شناسی

سنگ:

دشت شیراز در میان دو رشته کوه شمالی و جنوبی قرار گرفته و به لحاظ طبیعی مصالحی چون سنگ و خاک رس را به فراوانی در اختیار ساکنان خود قرار می‌دهد. در طول تاریخ، سنگ مرمریت گندمک از کوه‌های شمالی شیراز استخراج می‌شده و به صورت لاشه در پی و شالوده بناها، به صورت تزئینی در ازاره بناها، به صورت باربر در ستون‌های ایوان‌ها و شبستان‌ها، به صورت تراش در ناودانی و بوم غلطان بام‌ها استفاده شده است.

خاک رس:

به صورت ملات میان قطعات خشت خام یا به صورت انباشته و کوبیده شده برای ساخت چینه‌های گلی باغ‌ها یا حصار دور شهر استفاده می‌شده است. آجر که از پخته شدن خشت خام به دست می‌آمده به صورت مصالح باربر و تزئینی در بخش‌های مختلف بناهای تاریخی شیراز قابل مشاهده است. جرزهای آجری، طاق‌های ضربی، کتیبه‌های آجری با طرح معقلی و گره، و در آخر مقرنس‌های چوب خطی نمونه‌های کاربرد خاک رس و آجر در معماری شیراز است.

آهک:

غنای منابع معدنی در اطراف جلگه شیراز مثال زدنی است انواع سنگ گچ و سنگ آهک به فراوانی در شعاع ۵۰ کیلومتری شیراز قابل استحصال است. استفاده از آهک به عنوان ملات شفته آهکی در ساخت پی بنا و ملات «سه گرگه» در دیوارهای باربر کاملاً مرسوم بوده است. همچنین از آهک به عنوان اندود تزئینی در ساخت و تزئین حمام‌های عمومی استفاده می‌شده است. رنگ سفید آهک و مقاومت بالارونده آن در زمانی که در معرض رطوبت قرار می‌گیرد، آن را به بهترین پوشش برای جداره حمام‌های نیمه تاریک تاریخی تبدیل می‌کرده است. نمونه‌های اعلائی آهکبری در قالب نگاره‌های روایتگر در حمام وکیل و هم باغ عفیف آباد شیراز قابل تماشاست.

گچ:

سنگ گچ که به فراوانی در کوهپایه‌های اطراف شیراز یافت می‌شود. پس از پختن و کوبیده شدن آماده تبدیل شدن به ملاتی زودگیر است. ایرانیان در روزگار ساسانی از ملات گچ بیشترین بهره را برای ساخت بناهای خود بردند و عناصر باربر و تزئینی زیادی را با گچ ساختند. این میراث فنی و هنری از پایتخت‌های ساسانی به معماران شیرازی منتقل شده و در ساخت دیوارهای بارور اندود جداره‌های داخلی فضاها و تزئین آنها بیشترین کاربرد را داشته است. از ملات گچ در همه بناهای تاریخی شیراز استفاده شده اما نمونه اعلائی گچبری در نارنجستان قوام، خانه زینت‌الملک، حرم شاهچراغ و سید علاءالدین حسین قابل تماشاست.

کاشی:

استفاده از آجرهای لعاب‌دار رنگی در کاخ‌های هخامنشی تخت جمشید مرسوم بوده است. در روزگار ساسانی بر اثر مراودات ایران و روم تکنیک‌های ساخت موزاییک‌های رنگی یا معرق نیز به ایران وارد شد که مهم‌ترین نمونه‌های بازمانده از آن عصر در شهر بیشاپور یافته شده است. این میراث هنری نیز در شیراز دوران اسلامی مورد استفاده قرار گرفت تا جایی که در اواخر روزگار قاجاریه و اوایل دوره پهلوی هنرمندان کاشی‌ساز شیرازی سرآمد کاشی‌کاران و کاشی‌نگاران ایرانی بوده‌اند. آثار استاد محمدرضا کاشی‌پز و استاد مهدی گل در مسجد نصیرالملک و مجالس تصویر سازی استاد عبدالکریم غفوری در خانه‌های شیراز نمونه‌های بی‌رقیب کاربرد این مصالح در تاریخ معماری ایران هستند.

چوب:

علی رغم آنکه دشت شیراز پوشش جنگلی مناسب برای تامین چوب‌های قطور و بلند مورد نیاز در ساختمان سازی نداشته، اما شیرازیان با کاشت درخت‌های چنار، صنوبر، کاج، سر، توت و نارنج در باغات قصردشت و بهره‌گیری از جنگل‌های آبادی‌های مجاور چون سپیدان بیضا و سروستان به سمت تحقق معماری با سقف‌های تخت که میراث معماری هخامنشی است رفته‌اند.

استفاده از آسمانه تخت با دهانه‌های وسیع بیش از ۶ متر در کاخ‌های هخامنشی رایج بود اما در روزگار ساسانیان معماری به سمت استفاده از آسمان‌های سغ یا طاقی رفت که امکان پوشش دهانه‌های بازتر با مصالح خشت و سنگ و آجر را فراهم می‌کرد.

در معماری ساختمان‌های شیراز از این دو شیوه به صورت ترکیبی استفاده شده است سقف طبقه اول یا زیرزمین با پوشش‌های طاقی و سقف طبقه آخر با پوشش‌های تخت و چوبی اجرا شده است.

از چوب علاوه بر احداث سقف‌های تیرپوش، برای ساخت پنجره‌های مشبک و ارسی‌های بزرگ در تالارهای خانه‌ها، ستون‌های چوبی با اندود گچ، شیرسرها، کلاف جرزها و داربست برای ساخت بنا استفاده شده است. در این زمینه آنچه که معماری شیراز را از دیگر نقاط ایران متمایز می‌کند بهره‌گیری از مصالح چوبی برای اجرای سقف‌های کاذب تزیینی است. سقف‌هایی که به اسم بوم، مرجوک، آلت لغات و محرمات می‌شناسیم و بزرگترین نقاشی‌های تاریخ ایران روی آنها کشیده شده است.

نی:

نیزارهای گسترده در کانال‌های منتهی به دریاچه نمک شیراز و کانال‌های دشت کربال در منطقه زرقان و خرامه که فاصله اندکی از شهر شیراز دارند، منابع خوبی برای ساخت «تجیر» برای سایبان و «بوری» به عنوان کفپوش خانه‌ها و پوشش میانی سقف چوبی بناها بوده است. از نی و مشتقات آن، همچنان به عنوان مصالحی سبک و کاربردی در ساماندهی فضایی معماری بناهای تاریخی شیراز استفاده می‌شود.

آینه:

استفاده فراوان از آینه برای تزیین بنا در دوره قاجار رونق گرفت. در شیراز اولین، بزرگترین و ظریف‌ترین آینه‌کاری‌ها در حرم مطهر حضرت شاهچراغ (ع) اجرا شد.

چرا که تالکؤ نور چلچراغ‌های آویخته از گنبد آن و انعکاس آن در آینه مصداقی عینی بر نام‌گذاری این بقعه بود. اما به مرور استفاده از آینه در خانه‌های اعیان و اشراف شهر رواج یافت. ابتدا در سقف بناها به صورت ترکیبات خرد هندسی و سپس بر جداره‌ی بناها در ترکیب با گچ. نمونه‌های اعلای آن در مجموعه‌های قوام‌الملک، نصیرالملک و حرم‌های شاهچراغ و سیدعلاءالدین حسین قابل رؤیت است.

کتابنامه:

- آبروی، آرتور (۱۳۶۵)، شیراز مهد شعر و عرفان، چاپ پنجم، تهران: علمی و فرهنگی.
- آژند، یعقوب (۱۳۹۳)، مکتب نگارگری شیراز، تهران: متن.
- براون، ادوارد (۱۳۴۴)، یک سال در میان ایرانیان، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: معرفت.
- بهروز، علی‌نقی (۱۳۵۴)، بناهای تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز، چاپ دوم، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
- بهشتی، محمد (۱۴۰۰)، شیراز شعر شهر، تهران: روزنه.
- ثابت، عبدالرحیم (۱۳۹۱)، خوشا تفرج شیراز، شیراز: ادیب مصطفوی.
- خدیش، حسین (۱۳۸۵)، فرهنگ مردم شیراز، شیراز: نوید.
- دانائیان، نجمه (۱۳۹۹)، تَنگِ طلا، تهران: ارشدان.
- سامی، علی (۱۳۶۳)، شیراز شهر جاویدان، چاپ سوم، شیراز: نوید.
- سپاسدار، احمد (۱۳۸۵)، تاریخ تئاتر فارس، شیراز: آوند اندیشه.
- سیف، هادی (۱۴۰۰)، آن از قصه خواب پرواز فرشتگان، تهران: روزنه.
- فرصت الدوله شیرازی (۱۳۶۲)، آثار عجم، تهران: بامداد.
- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۹۳)، عروسی در فارس، شیراز: نوید.
- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، آداب و رسوم نوروزی در فارس، شیراز: تخت‌جمشید.
- فقیری، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، باورهای سرزمین مادری‌ام، شیراز: نوید.
- گلشنی، علیرضا (۱۳۸۸)، گلشن شیراز، شیراز: فرهنگ فارس.
- کلاتری، علیرضا (۱۳۹۵)، آفتاب شیراز، چاپ دوم، شیراز: دانشگاه شیراز.
- مشکین فام، حسن (۱۳۹۶)، صد سال «چهره‌های علمی فرهنگی و هنری فارس»، شیراز: ناشر مؤلف.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۶)، روزها، جلد ۳، تهران: یزدان.
- همایونی، صادق (۱۳۵۳)، گوشه‌هایی از آداب و رسوم مردم شیراز، شیراز: اداره کل فرهنگ و هنر فارس.
- گزارش (فصلنامه) نشریه دفتر نظام مهندسی استان فارس، صص ۲۲-۲۴.
- اردشیری، مهیار؛ معماریان، غلامحسین؛ هویت شهری شیراز، انتشارات نوید شیراز، ۱۳۸۹، صص ۱۴۲-۱۴۳.
- مالک زاده، غلامرضا؛ بازشناسی بافت قدیم شیراز، (همراه با تصرف و تلخیص).
- خرمایی، محمد کریم؛ شیراز یادگار گذشتگان، فرهنگ پارس، ۱۳۸۳.
- خرمایی، محمد کریم؛ راهنمای شیراز گردی، فرهنگ پارس، ۱۴۰۲.
- دهقانی، علی اکبر؛ خیابان‌های شیراز، فرهنگ پارس، ۱۴۰۳.
- سامی، علی (۱۳۶۳)، شیراز شهر جاویدان، چاپ سوم، شیراز: انتشارات نوید.
- خوب نظر، حسن (۱۳۸۰)، تاریخ شیراز، تهران: انتشارات سخن.
- هایه ماری کخ، (۱۳۸۰)، از زبان داریوشی، تهران: نشر کارنگ.

سخن آخر

باوجود اینکه در تهیه کتاب حاضر نهایت دقت لحاظ شده و بارها بازبینی شده است، اما قطعاً نظرها و پیشنهادهای شما عزیزان می تواند منجر به ارتقای کیفی هرچه بیشتر آن در چاپ های آتی گردد. لطفا در صورت بیان دیدگاه های خود، از طریق راه های ارتباطی زیر ما را مطلع نمایید.

نشانی پستی: شیراز، خیابان حسینی (میدان آستانه)، ابتدای کوچه علمدار، سازمان فرهنگی اجتماعی و ورزشی شهرداری شیراز، مدیریت گردشگری و امور زیارت.

www.shirazeman.com

info@shirazeman.com

 [shirazeman-com](https://www.instagram.com/shirazeman-com)